وزارت معارف

تفسیر شریف

صنف یازدهم



سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ . ش



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې
هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی
د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو
د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي
پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي
هم ایماق، هم پشه یان
دا هیواد به تل ځلیږي
لکه لمر پر شنه آسمان
په سینه کې د آسیا به
لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحيم



تفسیر شریف

صنف یازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ .ش.

مشخصات کتاب

مضمون: تفسیر

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیۀ اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: یازدهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامۀ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادهٔ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندهٔ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادهٔ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

درس اول

دلایل وجود و وحدانیت خداوندﷻ در کاینات (۱)

قال الله تعالی: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ١٦٤]

معنای کلمات

خَلق: آفریدن چیزی به غیر نمونهٔ قبلی، آفرینش.

السَّمَاوَات: جمع السماء، آسمان‌ها، هر آنچه از زمین بالا باشد.

اللَّيْل: شب، تاریکی ای که بعد از روشنایی پیدا می‌شود.

النَّهَار: روز، روشنایی گسترده.

الْفُلْك: کشتی، کشتی‌های بزرگ.

وَبَثَّ: پراکنده کرد، نشر نمود.

دابَّة: هر جنبندهٔ بالای زمین.

تَصْرِيفِ الرِّيَاحِ: حرکت دادن باد به جهت‌های مختلف.

السَّحَاب: ابر، ابر حرکت کننده در فضا.

الْمُسَخَّر: رام شده، رام شده در فضا.

ترجمه

هر آیینه در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و رفت و آمد شب و روز، و کشتی‌ها که بر روی آب برای منفعت مردم در حرکت اند، و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاد و با آن زمین را بعد از مرگ زنده کرد (سبز و خرم گردانید)، و در پرا کندن جنبنده‌گان در زمین، و گردانیدن بادها (به هر طرف) و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است، (در همهٔ این‌ها) نشانه هایی است (به وجود خداوند و وحدانیت او تعالی) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند.

تفسیر

آیهٔ مبارکهٔ فوق، هشت دلیل روشن و آشکار را در کاینات و پدیده‌های هستی بیان نموده که به وجود خداوند متعال و یگانه‌گی او تعالی دلالت می‌کنند.

۱. آفرینش آسمان‌ها

آیهٔ مبارکه، خلقت و آفرینش آسمان‌ها را از نشانه‌های قدرت خداوند ذکر نموده که انسان‌های عاقل و خردمند با مشاهدهٔ این نشانه‌ها، باید به وجود و یگانه‌گی او تعالی ایمان آورند.

در آیت، واژهٔ (السماوات) به صورت جمع ذکر گردیده است ؛ زیرا که آسمان‌ها دارای طبقه‌های متعدد و متمایز می‌باشند؛ چنانچه خداوند متعال در جای دیگری چنین فرموده: ﴿الله الذي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ﴾ [الطلاق: ۱۲] یعنی: خداوند آن ذاتی است که هفت آسمان را آفریده است.

از جملهٔ آنچه در خلقت و آفرینش آسمان‌ها بر وجود، وحدانیت و قدرت خداوند ﷻ دلالت می‌کند این است که او تعالی آسمان‌ها را با این همه وسعت و بزرگی بدون ستون بر قرار ساخته، و آن‌را با ستاره‌گان و آفتاب و مهتاب روشن گردانیده تا از یک طرف زینت بخش آسمان، و از جانب دیگر شیاطین را سنگ‌باران باشند، که این همه زیبایی و استحکام و استواری گواه روشن بر قدرت و عظمت پروردگار توانا و یکتاست.

۲. آفرینش زمین

از نشانه‌های آشکار قدرت خداوند آن است که زمین را آفریده و آن را هموار ساخته است تا انسان روی آن در آرامش و سهولت زنده گی کند، در اطراف و اکناف آن سیر و حرکت نماید، از گنجینه‌ها و سرمایه‌های فراوان آن بهره مند گردد ودر روی زمین به عمارت و سازنده‌گی بپردازد.

زمین و آسمان، برای انسان از نعمت‌های بزرگ خداوند به شمار می‌روند، چنانچه خداوند متعال این نعمت بزرگ را بر انسان‌ها منت گزارده به ایشان دستور می‌دهد که: ﴿يَاأَيُّهَا الناس اعبدوا رَبَّكُمُ الذي خَلَقَكُمْ وَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الأرض فِرَاشاً والسماء بِنَآءً وَأَنزَلَ مِنَ السمآء مَآءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثمرات رِزْقاً لَّكُمْ... ﴾ [البقرة: ۲۱-۲۲] یعنی: ای مردم، بپرستید خدایی را که آفرید شما را وکسانی را که پیش از شما بودند، باشد که پرهیزگار شوید. آن خدایی که برای شما زمین را گسترد و آسمان را بر افراشت، و فرو بارید از آسمان آبی که به سبب آن بیرون آورد، میوه‌های گوناگون برای روزی شما.

فعالیت

شاگردان با رهنمایی استاد در بارهٔ فواید آسمان و زمین برای انسان اظهار نظر نمایند.

۳. اختلاف شب و روز

دلیل سومی بر اثبات قدرت خداوند متعال در آیهٔ مبارکه، حرکت منظم شب و روز است که به طـور پیهم رفت و آمد، می‌کند و یکی جای دیگری را می‌گیرد. گردش شـب و روز بـا اخـتلاف درازی و کوتاهی، سیاهی و سفیدی، تاریکی و روشنایی فواید زیادی را برای انسان بار می‌آورد؛ شـب بـرای راحت و سکون، وروز برای کسب وکار و طلب رزق مهیـا گردیـده اسـت. هرگـاه شـب نمـی‌بـود، بسیاری از مخلوقات از راحت وخواب محروم می‌گردیدند، هم‌چنان شب فرصت خوبی بـرای سـتر است که انسان در موارد مختلف از آن استفاده می‌کند، چنانچه انسان از روز و روشـنایی آن بـرای کارهای سازنده استفاده به عمل می‌آورد؛ همین قسم تعیین اوقات، ایام، ماه‌ها و فصل‌هـای سـال در نتیجهٔ اختلاف شب و روز میسر می‌گردد که این‌ها، همه از نعمت‌هـای عظـیم پروردگـار بـرای انسان و از نشانه‌های قدرت او تعالی می‌باشد.

٤. کشتی‌های روان در بحر

مظهر چهارم نشانه‌های قدرت خداوند متعال در آیهٔ مبارکه، حرکت کشتی‌های بزرگی است که بـا صدها و هزارها تُن وزن روی امواج بحرها حرکت می‌کنند، و انسان‌ها از آن بهره مند مـی‌گردنـد. برخی مفسرین گفته اند که در آیهٔ مبارکه ورود حرکت کشتی‌ها در بحر بعد از اختلاف شـب و روز به لطافت و باریکی خاصی دلالت دارد، و آن این‌که: مسافران در بحرها و اقیانوس‌ها بـه مراقبـت شب و روز احتیاج شدید دارند، تا اوقات را بفهمند و استقامت‌ها را تعیـین نماینـد. از همـین جهـت است که کشتیبانان به علم نجوم و شناخت شـب و روز ضـرورت مبـرم دارنـد. در اشـاره بـه ایـن موضوع خداوند متعال در آیهٔ دیگری فرمـوده اسـت: ﴿وَهُوَ الذي جَعَلَ لَكُمُ النجوم لِتَهْتَدُواْ بِهَا فِي ظُلُمَاتِ البَرِ وَالْبَحْرِ﴾ [الأنعام: ۹۷] یعنی: و خداونـد آن ذاتـی اسـت کـه (روشـنایی) سـتارگان را در تاریکی‌های بر و بحر برای شما آفریده تا به وسیلهٔ آن رهیاب شوید.

در زمان نزول این آیات قرآنی، مردم کم‌تر به اهمیت کشتی و نقـش آن در زنـده گـی انسـان‌هـا متوجه بودند؛ اما با گذشت زمان، انسان‌ها به اهمیت کشتی و کشتی رانی در حیات بشریت بیش‌تر پی بردند که این امر یکی از اعجاز قرآن کریم و یکی از دلایل روشن بر اثبات قدرت و یگانه‌گـی خداوند متعال می‌باشد.

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیهٔ مبارکه از این قرار است:

❖ نشانه‌های هستی در کاینات دلیل قاطع و روشنی برای اثبات وجود و وحدانیت خداوند متعال می‌باشند.

❖ خداوند متعال پدیده‌های هستی و مخلوقات را برای خدمت و منفعت انسان آفریده است.

❖ تفکر و تدبر در کاینات و آثار قدرت خداوند در مخلوقاتش سبب تقویت ایمان می‌گردد.

❖ رفت و آمد پیهم شب و روز بر یگانه‌گی و قدرت خداوند متعال دلالت دارد.

❖ اختلاف شب و روز و پیامدهای آن، انسان را رهنمایی می‌کند تا وقت خود را تنظیم کند و از

آن در طاعت و فرمان‌برداری پروردگار خود استفادهٔ شایان نماید.



۱. آیهٔ مبارکهٔ فوق را با آواز بلند تلاوت نمائید.
۲. چند دلیل در این آیهٔ مبارکه بر وحدانیت و قدرت خداوند متعال ذکر گردیده؟ این دلایل را نام بگیرید.
۳. در آیهٔ مبارکه لفظ (السماوات) به چی دلالت می‌کند؟ برای اثبات قول خود به آیات قرآنی استشهاد نمائید.
۴. چهار فایدهٔ زمین را برای انسان بیان نمائید؟
۵. از گردش شب و روز در تعیین اوقات چگونه استفاده می‌نماییم؟
۶. چهار مورد از اهمیت شب و روز را بیان نمائید؟
۷. گردش کشتی‌ها در بحر برای انسان‌ها چه فایده می‌رساند؟

درس دوم

دلایل وجود و وحدانیت خداوندﷻ در کاینات (۲)

قال تعالی: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ١٦٤]

۵. فرود آوردن آب از آسمان

دلیل دیگر قدرت خداوند متعال فرود آوردن آب باران از آسمان است که به واسطۀ آن زمین خشک و مرده را حیات می‌بخشد و انواع نباتات و زنده جان‌ها را بر روی زمین پیدا می‌کند وبه حرکت می‌آورد. در این آیۀ مبارکه مراد از آسمان، همان جهت علوی است که بالای زمین قرار دارد. بدون شک، فرود آوردن آب از ابرها از نشانه‌های قدرت پروردگار و دلیل وحدانیت او تعالی می‌باشد؛ زیرا تنها اوست که این آب را از ابرها فرود می‌آورد.

٦. زنده ساختن زمین

مراد از احیاء و زنده گردانیدن زمین، آن است که خداوند متعال با فرود آوردن آب باران، نیروهای رشد و نمو در زمین را که در حالت خشکی و مرگ قرار دارند، به حرکت می‌آورد. در اثر این حرکت آنچه در زمین پوشیده است، ظاهر می‌شود و نبات‌ها و گل‌ها، میوه‌ها وغیره بیرون می‌شوند و سر سبز می‌گردند.

زنده ساختن زمین و انتشار انواع و اصناف نبات‌ها و حیوان‌ها بر روی زمین از نشانه‌های بزرگ قدرت و عظمت پرورد گار عالم است، چنانچه قرآن کریم این موضوع را در جای دیگری با زیبایی خاصی چنین تصویر نموده است: ﴿وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾

[الحج: ۵] یعنی: و زمین را می‌نگری که خشک و بی گیاه است، آنگاه که باران را بر آن فرود آوریم، بجنبد و بیفزاید (سبز و خرم شود) و از هر نوع گیاه جفت زیبا برویاند.

۷. تحریک و توجیه بادها

از دلایل دیگر قدرت و یگانه‌گی خداوند متعال این است که او تعالی با قدرت عالیهٔ خود، باد را آفرید و با مشیت خود آن را به حرکت آورده و با حکمت خود از یک سو به سوی دیگر انتقال می‌دهد. حرکت بادها اشکال و انواع گوناگونی دارد که قرآن کریم هر یکی را به نام‌های جداگانه‌یی یاد نموده است. بادها گاهی از مشرق به طرف مغرب وگاهی از مغرب به مشرق، گاهی از شمال به جنوب وگاهی از جنوب به شمال حرکت می‌نمایند؛ هم‌چنان بادها حالت‌های مختلفی را به خود می‌گیرند: حالت توفانی یا ملایم، گرم یا سرد، تند یا نرم، که به این ترتیب بادها یا نشانهٔ رحمت خداوند متعال می‌باشند و یا علامت عذاب او تعالی. قوت و سرعت بادها به حدی شدید و نیرومند است که بعضی اوقات در بسا کشورها سبب ویرانی‌های هولناکی می‌گردد.

مفسرین گفته اند: ورود جملهٔ ﴿وَتَصْرِيفِ الرياح والسحاب المسخر بَيْنَ السمآء والأرض﴾ بعد از زنده شدن زمین توسط آب باران و حرکت زنده جان‌ها بالای زمین دلالت بر این دارد که به وسیلهٔ بادها زنده گی نباتات و حیوانات و همهٔ جنبنده گان بر روی زمین میسر می‌گردد، واگر خداوند متعال بادها را از حرکت باز دارد، در اندک زمانی هیچ زنده جانی بر روی زمین باقی نخواهد ماند.

۸. ابرهای معلق در فضا

از دلایل روشن قدرت و یگانه‌گی خداوند متعال همین ابرهای معلق و آویزان در صفحهٔ آسمان است که به مشیت و ارادهٔ خالق یکتا مسخر و رام گردیده اند. همانا این ابرها اگر خفیف و سبک باشند، باید در فضا بالا بروند و نابود شوند، و اگر سنگین باشند باید به زمین فرو ریزند اما خداوند متعال، این ابرها را با قدرت و مشیت خود در وسط فضا مسخر و نگه‌داری می‌نماید تا آنکه از آن‌ها آب باران را فرود آورد.

حکمت ورود کلمهٔ ﴿السَّحَابِ﴾ بعد از کلمهٔ ﴿الرِّيَاحِ﴾ در این است که بادها ابرها را به حرکت می‌آورند و از یک جا به جای دیگری سوق می‌دهند. این حرکت بادها همانا قابل رویت نمی‌باشد؛ اما در ذات خود چنان نیرومند است که در بسا موارد درختان را ریشه کن ساخته وآبادی‌ها را تخریب می‌کند. هم‌چنان مسخر شدن ابرها و معلق ماندن آن در فضا از نشانه‌های دیگر قدرت خداوند متعال است، در حالی که همین ابرها آب‌های پر وزنی را حمل می‌کنند که به شکل باران بر زمین فرو می‌ریزند و از آن سیلاب‌های هولناکی در زمین جاری می‌گردد که دره‌ها را پر ساخته و دریاهای بزرگی را تشکیل می‌دهد.

تنها صاحبان عقل و خرد می‌فهمند

علایم و نشانه‌های بزرگی که در این آیت مبارک ذکر گردید، همه دلایل روشن و آشکاری اند که قدرت و یگانه‌گی خدا را ثابت می‌سازند. این دلایل و براهین روشن، نشان می‌دهد که هستی و کاینات با همه پهناوری و بزرگی و شگفتی هایش خالق ومدبر حکیمی دارد، و او خداوند یکتا و پروردگار عالمیان است. این دلایل و براهین بزرگ را صاحبان عقل وخرد درک می‌کنند و در برابر قدرت و عظمت خداوند متعال سر تسلیم فرو می‌آورند.

امام فخر الدین رازی– رحمة الله علیه– نعمت‌های خداوندی را به دو نوع دنیوی واخروی تقسیم نموده می‌گوید: " امور هشتگانه‌یی که خداوند متعال آن‌را در این آیت بیان نموده، ظاهراً نعمت‌های دنیوی اند؛ اما زمانی که عقلمندان در آن تفکر نموده به معرفت وشناسایی خالق این نعمت‌ها هدایت می‌شوند، نعمت‌های مذکور به نعمت‌های اخروی مبدل می‌گردند. استفاده از این نعمت‌ها بحیث نعمت‌های دنیوی وقتی میسر می‌شود که انسان دارای مزاج سلیم و حواس درست باشد، به همین ترتیب استفاده از نعمت‌های مذکور به حیث نعمت‌های اخروی تنها برای صاحبان عقل سلیم و بصیرت معنوی میسر می‌گردد، از این سبب خداوند متعال در خاتمهٔ آیت می‌فرماید که در همه این امور دلایل آشکاری وجود دارد که صاحبان عقل و خرد به آن بیش‌تر پی

می‌برند." [1] زیرا وظیفه و مسؤولیت علما و خردمندان است که در کاینات ومخلوقات خداوند تفکر نمایند.

امام آلوسی در تفسیر این آیت می‌گوید: « ابن ابی الـدنیا و ابـن مردویـه از عائشـه –رضـی الله تعـالی عنها– روایت نموده اند که پیامبر خدا این آیت را ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ... ﴾ خواند و فرمـود: «**ویل لمن قرأها ولم یتفکر فیها**» [2] هلاکت و عذاب باد بر کسی که این آیت را بخواند و در آن تفکر نکند.

تفکر در کاینات راهی به سوی ایمان

در آیت بالا، خداوند متعال به بعضی از حقایق بزرگ در کاینات اشاره می‌کند که برای هر انسـانی، قابل درک ومشاهده می‌باشد. تأمل در این حقایق، سبب می‌شود، انسان خردمند پرده‌هـای غفلـت را از پیش چشم خویش کنار زده با پی بردن به بعضی از رازهای آفرینش به خالق کاینـات ایمـان بیاورد و او را از صدق دل پرستش کند.

هرچند انسان حقایق ذکر شده در آیات مبارکه بالا را همه وقت می‌بیند و در زنده گی عملـی خـود با آن‌ها سر وکار دارد، مگر تکرار مشاهده و فراموشی سبب می‌شود تا از تفکر و اندیشیدن پیرامون حقایق بزرگ غفلت نماید. از این‌رو، خالق لایزال انسان خردمند را به تفکر و اندیشه در پدیده‌های خلقت فرا می‌خواند و از همین سبب، بسیاری از آیات قرآن با جمله هایی چـون: ﴿**لعلکم تعقلون، لعلکم تتفکرون، أفلا تعقلون**﴾ وغیره پایان می‌یابند.

اولین حقیقت بزرگ ذکر شده در آیت کریمه این است که وجود آسمان‌هـا و زمـین ازلـی نبـوده و خود به خودی پیدا نشده اند، بلکه مخلوق خداوند قادر و حکیم می‌باشند.

دومین حقیقت بیان شده در آیت مبارکه این است که به وجود آمدن و اختلاف شب و روز از نتـایج پیدایش آسمان‌ها و زمین می‌باشد، و آن به حرکت مستمر و پی در پـی و وجـود نظـامی دقیـق و قانونمندی فراگیر و خلل نا پذیر در افلاک و منظومهٔ شمسی دلالـت دارد. ایـن قانونمنـدی همـه جانبه و نظم دقیق، شاهدی گویا بر وجود و وحدانیت خدای علیم، خبیر و قدیر است که بـا علـم و قدرت مطلق و بی پایانش آسمان‌ها و زمین و شب و روز را به وجود آورده است.

١- تفسیر کبیر ج٤/ص ٢٢٥ ، دار الفکر ١٩٨١م

٢- تفسیر روح المعانی ج٥٨٩/٢، دار إحیاء التراث العربي – بیروت ، لبنان١٩٩٩م

هم‌چنان حقایق دیگر ذکر شده در آیت بالا مانند حرکت کشتی‌ها بر روی آب، باریدن باران، پیدایش و حرکت ابرها، وزیدن باد، روییدن نباتات از زمین وتنوع حاصلات و میوه ها، و پیدایش زنده جانها که همه مطابق با سنت‌ها و قوانین دقیق الهی در کاینات و هستی انجام می‌شوند، زمینه‌های خوبی برای تفکر در کاینات بوده و انسان را به سوی ایمان به پروردگار و عبادت او رهنمون می‌شوند.

تفکر در پدیده‌های هستی، تحقیق و جست‌جو در بارۀ حقایق علم و ساینس، و پی بردن به دقایق و رازهای اکتشافات علمی، آسانترین و کوتاه ترین راه به سوی شناخت و ایمان به خدا و عبادت آن خالق علیم و قدیر است.



۱. در بارۀ این که فرود آوردن آب باران از آسمان یکی از دلایل وحدانیت وقدرت خداوند متعال است، چگونه استدلال می‌نمایید؟

۲. مراد از زنده شدن زمین توسط آب باران چیست؟

۳. حرکت بادها در تشکیل ابرها و باریدن باران و زنده گی نباتات وحیوانات چه تأثیر دارد؟

۴. ابرها یکی از نشانه‌های قدرت خداوند متعال بیان گردیده، در این مورد توضیحات بدهید.

۵. خاتمۀ آیۀ مبارکه چه کسانی را به تفکر در کاینات فرا خوانده است؟ در این مورد جملۀ آخری آیۀ مبارکه را تشریح نمایید.

۶. در بارۀ آیۀ مبارکه، حدیث نبوی را بیان و تشریح نمایید که به تفکر و تدبر در کاینات ومخلوقات خداوند تأکید نموده است؟



آب یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند برای انسان است. در مورد اهمیت آب در زندگی، یک مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

درس سوم

مراحل خلقت انسان در پرتو قرآن کریم

قال تعالی: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ۞ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ۞ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۲-۱۴]

معنای کلمات

سُلَالَة: خلاصه، نتیجه و ثمره.

نُطْفَةً: آب کم، آب منِیّ، اسپرم.

قَرارٍ مَكِينٍ: جایگاه محکم، یعنی رحم مادر.

عَلَقَةً: خون بسته، چسبیده بر جدار رحم مادر.

مُضْغَةً: گوشت پاره، به اندازهٔ لقمهٔ جویده شده.

خَلْقًا آخَرَ: آفرینشی دیگر، انسان کامل بعد از دمیدن روح.

ترجمه

و همانا ما آدمی را از گلی خالص آفریدیم، سپس او را بـه صـورت نطفـه گردانیـده و در قرارگـاه استواری قرار دادیم. سپس نطفه را خون بسته (علقه)، و علقه را گوشت پـاره، و بـاز آن گوشـت را استخوان ساختیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینشی تـازه دادیـم؛ پـس والا مقام و مبارک است، خدایی که بهترین آفریننده گان است.

تفسیر

خداوند متعال، در این آیات مبارکه، دلایل قدرت و عظمـت خـود را در خلقـت و آفـرینش انسـان، مراحل تکوین انسان، زنده گی و مرگ و بر انگیختن دو بارهٔ وی بیـان نمـوده اسـت، طـوری کـه مراحل خلقت انسان از خاک شروع می‌گردد وبه انسان ختم می‌شود.

قرآنکریم در این آیۀ مبارکه و آیات دیگری بیان نموده که انسان نخست از خاک آفریده شده است. مراد از خلقت انسان از خاک آن است که خداوند متعال اولین انسان یعنی آدم ﷺ را نخست از خاک آفرید، سپس همسرش حوا را از آدم خلق کرد، و پس از آن، آفرینش انسان‌ها از آدم و حوا به قسم ازدواج و تناسل ادامه یافت. چون اصل انسان‌ها از خاک بوده و فرع تابع اصل می‌باشد؛ بنابراین مرحلۀ اول خلقت انسان‌ها از خاک می‌باشد. چنانچه خداوند متعال فرموده: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ﴾.

مرحلۀ دومی خلقت و آفرینش انسان از نطفه است. چنانچه خداوند متعال در این آیت می‌فرماید: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾. نطفه به معنای آب کم و اندک است که در اینجا همان اسپرم یا آب یکجا شدۀ مرد و زن مراد می‌باشد.

سومین مرحلۀ خلقت انسان، علقه است، چنانچه خداوند متعال فرموده: ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً﴾.

علقه، به معنای یک قطعه خون بستۀ تحول یافته از نطفه می‌باشد. علمای طب و جنین شناسی می‌گویند: حجم جنین، به اندازۀ یک مورچۀ بزرگ است که در مرحلۀ علقه بین ۱۲ تا ۱۴ ملی متر طول دارد و در جدار رحم چسبیده می‌باشد. این قطعه خون بستۀ کوچک، رشد نموده به پارچه گوشت شبیه لقمه جویده شده، تحول می‌نماید که قرآن با کمال دقت از آن به مضغه تعبیر کرده است. جنین در مرحلۀ مضغه، به اندازۀ سه سانتی متر طول دارد که علایم چهره و بینی در آن به شکل خطوط بسیار خفیف تشکیل می‌گردد.

این گوشت پاره (مضغه)، به قدرت و مشیت خداوند متعال به تطور وتحول خود ادامه می‌دهد تا این‌که به مرحلۀ استخوان بندی و یا هیکل عظمی می‌رسد، چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا﴾. و سپس این هیکل عظمی با گوشت و یا جهاز عضلی پوشانیده می‌شود، همان سان که آیۀ مبارکه فرموده است: ﴿فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾. یعنی: سپس بر آن استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم.

در اینجا نص قرآنی، به حقیقتی اشاره دارد که انسان قرن بیست ویکم را به حیرت و شگفت می‌آورد وآن این‌که استخوان‌ها وهیکل عظمی در جنین قبل از جهاز عضلی بوجود می‌آید؛ حقیقتی که علم جنین شناسی آن‌را اخیرا کشف نموده؛ زیرا سلول‌های عظمی با سلول‌های عضلی یا گوشتی، در اصل فرق دارند، و همه سلول‌های عظمی قبل از سلول‌های عضلی بوجود می‌آیند، و هیچ سلول عضلی دیده نشده که قبل از تمام شدن سلول‌های عظمی ایجاد شده باشد. این حقیقت را نص قرآنی پیش‌تر از یک هزار و چهار صد سال تثبیت وتأکید نموده، چنان که خداوند

متعال می‌فرماید: ﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾. و باز آن گوشت پاره را استخوان ساختیم و سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم!

سپس روح در جنین دمیده می‌شود، واعضای آن به تشکل و رشد و نموی خود ادامه داده جنین به انسان کامل متحول می گردد . نص قرآنی، درین باره چنین اشاره نموده است: ﴿ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾. باز آفریدیم او را آفرینشی دیگر (که همان انسان کامل است)؛ پس مبارک و پاک است، خدایی که بهترین آفریننده گان است.

اعجاز علمی قرآن در این آیات

آیات مبارکه فوق، از روشن‌ترین دلایل اعجاز علمی قرآن کریم به شمار می‌روند؛ زیرا سخن قرآن درین آیات و آیات دیگر در بارهٔ خلقت انسان ومراحل مختلف آن، چنان دقیق و شگفت انگیز است که غیر از الله متعال مصدر و منبع دیگری نمی تواند داشته باشد. آنچه را که علم طب و جنین شناسی در قرن بیستم و بیست و یکم کشف نموده، قرآن کریم کم و بیش پانزده قرن قبل، با زبان شیوا و دقت بی مانندی بیان نموده است.

آیات بالا به مراحل هفتگانهٔ خلقت انسان اشاره دارند؛ این مراحل یکی از موضوعات مهم تحقیق و پژوهش علم طب در عصر حاضر به شمار میرود. قرآن کریم برای هر مرحله از مراحل رشد و نموی جنین و اوصاف آن مانند: نطفه، قرار مکین، علقه، مضغه، تکوین استخوان‌ها، پوشیده شدن استخوان‌ها با عضلات و گوشت وغیره نام وحالت خاص تعیین می‌نماید.

یکی از دانشمندان معاصر علم طب چنین می‌گوید: " از مجموع آیات قرآن کریم در مورد مراحل خلقت انسان[۲] واضح می‌شود که مراحل مذکور قرار ذیل اند:

(مرحلهٔ نطفه، مرحلهٔ علقه، مرحلهٔ مضغهٔ مخلقه و غیر مخلقه، مرحلهٔ استخـــوان، مرحلهٔ پوشیده شدن استخوان با گوشت، مرحلهٔ برابری و تعدیل و صورت دادن (خلق آخر)، مرحلهٔ دمیدن روح).

نطفه بر سه چیز اطلاق می‌شود: نطفهٔ مرد، یعنی حیوانات منوی، نطفهٔ زن یعنی بویضه یا تخمک (حیوانات ماده) و نطفهٔ مختلط یعنی نطفهٔ تلقیح شده از آب مرد وزن که ازآن در قرآن به نطفهٔ امشاج یاد شده است: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ﴾ [الإنسان: ۲] یعنی هر آیینه ما آفریدیم انسان را از یکپاره منی درهم آمیخته از چند چیز. این مرحله با تحولات دقیقش یک هفته را در بر می‌گیرد وبعد ازآن مرحلهٔ دوم یعنی علقه آغاز می‌شود.

مرحلهء علقه دو هفته طول می‌کشد وجنین درین مرحله شکل خون بسته ای را دارد که یک ملی متر حجم داشته به دیوار رحم چسپیده می‌باشد که قرآن با دقت عجیب آن را علقه خوانده است.

---

۱ – این آیات در سوره‌های آل عمران، الحج، المؤمنون، السجدة والإنفطار آمده اند.

مرحلۀ بعدی مضغه است که طی آن جنین به صورت کتلۀ بدنی ظهور می‌کند. شکل جنین، درین مرحله مانند قطعه گوشت جویده شده است که از دهن بیرون انداخته شده باشد و این عین معنای کلمۀ مضغه است که قرآن به صورت شگفت انگیز و دقیق آن‌را در توصیف این مرحله به کار برده است!

مرحلهء چهارم مرحلۀ تکوین استخوان و گوشت است که هفتۀ پنجم، ششم و هفتم عمر جنین را در بر می‌گیرد و طی آن هیکل غضروفی اطراف علیا و سفلی ساخته می‌شود. اولین علامات عضلات در اطراف جنین در هفتۀ هفتم آغاز به ظهور می‌کند که به معنای تقدم تکوین استخوان بر عضلات است.. بعد از آن عضلات، استخوان‌ها را می‌پوشاند و این همانست که قرآن می‌فرماید: ﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾.

مرحلۀ بعدی مرحلۀ برابری و صورت دادن و دمیدن روح است که از آن در آیت کریمه به مرحلۀ **﴿خلقا آخر﴾** یا آفرینش دیگر یاد شده است. خداوند علیم و قدیر در آیات دیگر قرآن در بارۀ این مرحله می‌فرماید: ﴿هُو الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ﴾ [آل عمران: ۶] یعنی خداوند آن ذاتیست که صورت می‌بندد شما را در ارحام هر طوریکه خواهد. وهم‌چنان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ۞ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ۞ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ﴾ [الإنفطار: ۶-۸] یعنی: « ای انسان چه چیز ترا در برابر پروردگار بزرگوارت فریفت، آن پروردگاری که بیافرید ترا، سپس اندامت را برابر و درست کرد و قامتت را معتدل ساخت.»

درین مرحله عملیۀ ساختار و درست کردن و تعدیل، در اعضای جنین ادامه دارد و در هر روز وهر ساعت تغییر و تحول برای تکمیل جنین با دقت تام و قانونمندی خلل نا پذیر صورت میگیرد."[1]

از آنجایی که احادیث پیامبر ﷺ آیات قرآن کریم را تفسیر می‌کند، در برخی از احادیث صحیح بعضی از مراحل خلقت انسان شرح شده است. به‌طور مثال در حدیثی که امام مسلم- رحمه الله- آن‌را روایت نموده، رسول الله ﷺ چنین می‌فرماید: «إِذَا مَرَّ بِالنُّطْفَةِ ثِنْتَانِ وَأَرْبَعُونَ لَيْلَةً بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكًا فَصَوَّرَهَا وَخَلَقَ سَمْعَهَا وَبَصَرَهَا وَجِلْدَهَا وَلَحْمَهَا وَعَظْمَهَا ثُمَّ قَالَ : يَا رَبِّ أَذَكَرٌ أَمْ أُنْثَى فَيَقْضِي رَبُّكَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَيَكْتُبُ الْمَلَكُ» [2] ترجمه: وقتی‌که از عمر نطفه ۴۲ شب بگذرد[1] خداوند متعال فرشته‌یی را می‌فرستد تا برای آن صورت داده، بینایی، شنوایی، پوست، گوشت و

۱- با اختصار از کتاب (پیدایش انسان بین علم طب و قرآن) تألیف دکتور محمد علی البار.

۲- صحیح مسلم، کتاب القدر.

۳- در بعضی روایات ٤٥ ، و در بعض روایات چهل و چند شب آمده است.

استخوان او را بیافریند. پس از آن فرشته از خداوند می‌پرسد: این جنین پسر است یا دختر؟ خداوند آنچه را بخواهد، فیصله می کند و ملک می‌نویسد.

از مجموع آیات قرآنی و احادیث نبوی، بر می‌آید که تکوین اعضای جنین و تعیین نوع آن در سطح تشخیص غده‌های تناسلی در چهل روزه گی صورت می‌پذیرد.

به این ترتیب، می‌بینیم که تقسیم مراحل جنین بر اساس حقایق و اکتشافات علمی جدید، نه تنها مطابق با قرآن کریم صورت گرفته، بلکه تعبیرات و اصطلاحات قرآن درین مورد، از دقت به مراتب بیش‌تری برخوردار می‌باشد.

آنچه را که از آیات قرآن، در مورد مراحل خلقت انسان خواندیم اگر از یک طرف بر و جود و وحدانیت خالق متعال و علیم وقدیر گواه و شاهد است، از سوی دیگر به صدق رسالت و نبوت حضرت محمد مصطفی ﷺ بحیث آخرین پیامبر خداوند برای بشریت، و حقانیت قرآن مجید بحیث کلام و کتاب راستین خداوندی برای هدایت و رهنمایی بشر، به سوی حق و رستگاری شهادت می‌دهد؛ زیرا بیش یک‌هزار و چهار صد سال قبل از امروز سخن گفتن با این همه دقت و تفصیل شگفت انگیز در مورد مراحل خلقت انسان فقط از طریق وحی خداوندی ممکن بود و بس. چه در آن زمان و احوال نه در مکه و مدینه، و نه هم در پیشرفته ترین شهرهای آن عصر، از مراکز و آزمایشگاه‌های طبی و تحقیقات علمی پیرامون اسرار خلقت انسان خبری بود، و نه هم آلات و ابزاری وجود داشت که بتوان با استفاده از آن رازها و اسرار پنهان پیدایش و رشد ونموی جنین را کشف کرد، و نه هم کسی که قرآن بالایش نازل شده است؛ یعنی حضرت خاتم الأنبیاءﷺ درس طب و جنین شناسی خوانده بود . وچه راست فرمود خداوند: ﴿**إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون**﴾ [الرعد:۳] ترجمه : هر آیینه درین، نشانه‌های آشکاری است برای مردمی که می‌اندیشند.

فواید و آموختنی‌ها

بخشی از ارزش‌ها و آموخته‌های آیات فوق از این قرار است:

❖در این آیات مبارکه مظاهر قدرت، علم و حکمت خداوند متعال بیان گردیده است.

❖قرآن کریم خلقت انسان را طی مراحل بیان نموده است.

❖آفرینش انسان تصادفی و بیهوده نبوده؛ بلکه از ابتدای تکوین تا انتهای خلقت و آفرینش تحت رعایت کامل خداوند متعال قرار دارد.

❖قرآن کریم مراحل تکوین و خلقت انسان را به صورت دقیق بیان نموده، در حالی که علم طب با وسایل پیشرفتهٔ خود در این اواخر به گوشه‌یی از این حقایق راه یافته است.

❖قرآن کریم جنین را در مراحل مختلف تکوینش به نام‌هایی توصیف نموده که با حالت واقعی جنین مطابقت کامل دارد، در حالی که پژوهش‌های طبی، قرن‌ها پس از نزول قرآن این حقایق را کشف نموده و تنها مراحل آن‌را ذکر نموده است.

❖ذکر مراحل تکوین و خلقت انسان با این اوصاف و اطوار دلیل اعجاز علمی قرآن کریم و گواه قدرت و یگانه‌گی خداوند متعال است.



۱. مراحل تکوین جنین را با ترتیبی که در آیات فوق آمده، نام بگیرید.

۲. معنای هر یکی از مراحل تکوین جنین را که قرآن کریم توصیف نموده، توضیح بدهید.

۳. اعجاز علمی قرآن کریم در آیت مبارکه ﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾ را در ارتباط با اکتشافات علم طب و جنین شناسی عصر جدید تشریح نمایید.

۴. قرآن کریم در آیات مبارکهٔ این درس، تکوین و آفرینش انسان را در چند مرحله بیان نموده است؟ توضیح بدهید.

۵. آنچه را در مضمون بیولوژی در مورد تکوین و تطور جنین خوانده اید، در روشنی آیات قرآن کریم دوباره مطالعه و مقایسه کنید.



در روشنایی آیات قرآن کریم، و با استفاده از تازه ترین اکتشافات علمی در بارهٔ مراحل خلقت انسان مقاله‌یی بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

درس چهارم

ارزش و جایگاه انسان در کاینات

قال تعالی: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰]

ترجمه

و به تحقیق که ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را در بَرّ (خشکه) و بحر سوار کردیم و آن‌ها را از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم.

تفسیر

خداوند متعال، درآیت مبارکه گرامی داشت و برتری بنی آدم را بر سایر مخلوقات بیان فرموده، و برخی از نعمت‌های بی‌شمارش را که بر انسان ارزانی کرده است، یاد می کند.

الله ﷻ انسان را با قوهٔ نطق وبیان، نیروی عقل، علم و توازن و زیبایی جسم و صورت بر دیگر مخلوقات روی زمین، مانند جن و حیوانات، برتری داده است. مفسرین کرام، فرستادن پیامبران علیهم السلام را برای رهنمایی وهدایت انسان از نمونه‌های گرامی‌داشت و تکریم انسان در نزد خداوند ﷻ ذکر کرده اند، و در بعضی از تفاسیر آگاهی و توانایی انسان بر خط و نوشتن از مظاهر برتری وتکریم بنی آدم به شمار رفته است. آنچه را مفسرین از مظاهر فضیلت و برتری انسان ذکر کرده اند، فقط از باب مثال و نمونه می‌باشد ورنه، مظاهر این تکریم و برتری چنان زیاد است که در حصر و شمار نمی‌گنجد.

باید دانست که تکریم الهی ذکر شده، در آیت مبارکه، همهٔ نوع انسان را در بر می‌گیرد و برای گروه و یا مردم خاصی نمی‌باشد؛ زیرا در آیت کریمه، لفظ " بنی آدم" مطلق ذکر شده و نوع انسان، اعم از مرد وزن را شامل می‌گردد.

درین آیت کریمه و سایر نصوص قرآن و سنت، به ارتباط انسان و حقوق انسانی او دیده می‌شود. اسلام به‌حیث آخرین دین خداوندی و نظام و قانون جاودان و همه جانبه برای انسان، در وقت و زمانی تکریم وگرامیداشت بنی آدم را اعلان نموده و حقوق او را از تعرض و تجاوز محفوظ و مصون دانسته است که، انسان بیچاره در چنگال بدترین انواع ظلم، تجاوز و اسارت به سر برده، و

در بسا حالات با او همانند حیوان نه؛ بلکه بدتر از حیوان برخورد میشد. در چنین روزگاری نه از حقوق بشر و اعلامیهٔ جهانی آن خبری بود و نه هم قانون و نهادی برای حمایت از حقوق بشر وجود داشت.

برخی از نمونه‌های گرامی‌داشت و برتری بنی آدم، در مثال‌های زیر با تفصیل بیش‌تری ذکر می‌شود:

۱. توازن و زیبایی شکل و صورت

خداوند متعال، انسان را بر سایر مخلوقات مزیت و برتری بخشیده است. مظاهر این تکریم و برتری در ابعاد مختلف به نظر می‌رسد. از جمله، خداوندﷻ انسان را در شکل و صورت زیبا و متوازن آفریده است؛ چنانچه می‌فرماید: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الإنسان فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ [التین: ۴] یعنی: همانا انسان را در نیکو ترین صورت آفریدیم. بدون شک توازن و زیبایی در شکل و صورت، روشن‌ترین مظهر تکریم انسان از طرف خداوند می‌باشد.

از مظاهر تکریم و فضیلت در خلقت انسان، این است که سایر حیوانات نظافت و پاکی را نمی‌شناسند، پوشیدن لباس را نمی‌دانند، اسلوب و روش خوب استراحت را بلد نیستند، طریقهٔ نیکوی خوردن و نوشیدن را بلد نیستند، راه‌های جلب منفعت و دفع ضرر را تشخیص وعملی کرده نمی‌توانند. همه حیوانات از امتیازها عقلی و فکری، معارف و صنایع و ترقی و تمدن محروم اند؛ تنها انسان است که از همه این امتیازات برخوردار می‌باشد.

حضرت عبدالله بن عباس- رضی الله عنهما- تکریم وامتیازهای انسان را بسیار زیبا تمثیل نموده، می‌فرماید: «انسان دهن خود را برای خوردن طعام به زمین پایین نمی‌برد؛ بلکه با انگشتان خود غذا را بلند می‌کند، هم‌چنان دهن خود را برای نوشیدن در آب فرو نمی‌برد؛ بلکه توسط کاسه ویا ظرفی آب را بلند نموده، می‌نوشد.»(۱)

۲. زمین، مسخر انسان است

از مظاهر دیگر تکریم و برتری انسان این است که خداوند متعال نیروهای طبیعت را در زمین و آنچه در زمین است برای وی مسخر گردانیده، وهم‌چنان نیروهای هستی را در ستاره‌گان و آسمان‌ها برای خدمت و راحت انسان آفریده است. در این آیت، خداوند متعال بر انسان منت می‌نهد که وی را در خشکه بر حیوانات مختلف چیره ساخته و آن‌ها را برایش رام گردانیده است تا از آن‌ها برای منفعت وخیر خود استفاده نماید. هم‌چنان به انسان قدرت بخشیده تا از انواع وسایل

---

(۱) تفسیر التحریر والتنویر ، ابن عاشور.

ارتباط و انتقال در فضا و بَرّ و بحر مانند: حیوانات، عراده ها، قطارها، کشتی‌ها و هوا پیماها برای منفعت و سهولت حرکت خود استفاده نماید؛ چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ۞ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۞ وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ [إبراهيم: ۳۲-۳۴]

ترجمه: «خداست آن که آسمان‌ها و زمین را آفرید و آب را از آسمان فرو بارید تا بدان انواع میوه‌ها و حبوبات را برای روزی شما برون آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما کرد تا به امر او به روی آب دریا روان شود، ومسخر ساخت برای شما جوی‌ها را، و مسخر کرد برای شما خورشید و ماه را که همیشه می‌روند (دایما در حرکت اند). و مسخر کرد برای شما شب و روز را. و داد شما را هر چه خواستید، و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، آن‌را احاطه نتوانید کرد، هر آیینه انسان ستمگر ناسپاس است.

۳. تسخیر بحرها

از مظاهر دیگر تکریم خداوند ﷻ برای انسان، این است که وی را بر بحرها و اقیانوس‌ها قدرت داده است. خداوند متعال به انسان توانایی ساختن کشتی را بخشید تا به وسیلهٔ آن و از طریق آن نیازهای خود را مرفوع سازد. بحر در ذات خود، یک جهان دیگری برای انسان است که به مرور زمان اسرار و ابعاد جدیدی در آن کشف می‌شود، و استفاده از عالَم بحر اشکال و انواع گوناگونی را به خود می‌گیرد که در گذشته‌ها علم و آگاهی انسان از فهم آن عاجز بوده است.

فعالیت

شاگردان صورتهای استفاده از بحر را در میان خود به بحث و گفتگو بگیرند، و سپس چند تن از ایشان، راجع به کیفیت استفادهٔ انسان از بحر ها، پیش روی صنف صحبت نمایند.

٤. روزی پاکیزه

از مظاهر دیگر تکریم خداوند ﷻ برای انسان، این است که به وی الهام نموده تا از آنچه خواسته باشد، روزی بدست آورد. انسان، نظر به این‌که با نعمت‌های خداوند ﷻ عادت نموده، بسیاری از این نعمت‌ها را فراموش می‌کند، و زمانی به اهمیت نعمت‌های خداوند ﷻ متوجه می‌شود که از آن محروم گردد. هرگاه انسان، با چشم بصیرت و قلب بیدار نظر کند نعمت‌های خدا ﷻ را در همه جا

و همه چیز مشاهده می‌کند: آفتاب، هوا، آب، صحت، توانایی حرکت، حواس، عقل، خوردنیها و نوشیدنی‌های فراوان همه از نعمت‌های خداوندﷻ است که آن را به انسان ارزانی فرموده. خداوند متعال، برای انسان انواع بی شماری از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را میسر گردانیده است. آنچه انسان برای خوردن و نوشیدن استفاده می‌کند به مراتب بیش‌تر از آن است که دیگر حیوانات استفاده می‌کنند. اینجاست که خداوند متعال نعمت رزق و روزی پاکیزه را بر انسان منت گذاشته می‌فرماید: ﴿وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطيبات﴾. روزی‌های پاکیزه و گوارایی که خداوند متعال برای بنی آدم ارزانی فرموده، بسیار زیاد است که به هیچ صورت نمی‌توان آن‌را برشمرد. لازم است، انسان در مقابل این نعمت‌های زیاد شکر خدا را بجا آورده و از اسراف، سرکشی و نافرمانی پروردگار، خودداری نماید.

۵. فضیلت و برتری بر مخلوقات

از مظاهر دیگر تکریم خداوندﷻ بر انسان این است که وی را با عقل و بصیرت مسلح نموده است. بزرگ‌ترین فضیلت و برتری انسان خلافت وی در روی زمین است که او را با استعدادها و ویژه‌گی‌هایی مهیا ساخته و بر دیگر آفریده‌ها برتری داده است. همهٔ دانشمندان مسلمان به این نظر اند که بنی آدم به‌طور مطلق از جن و سایر آفریده‌های الهی برتر است. خواص بنی آدم، از فرشته‌گان خداوند برتری دارند؛ اما به‌طور عام، ملائکه از عامهٔ بنی آدم بهتر می‌باشند.

امام فخر الدین رازی در بارهٔ فرق میان تکریم که آیهٔ مبارکه با آن شروع شده، و تفضیل که آیت با آن ختم گردیده، چنین می‌گوید: «برتری بخشیدن انسان بر سایر حیوانات با امور طبیعی ذاتی مانند: عقل، نطق، شکل و قامت زیبا تکریم انسان است؛ اما استعداد انسان برای حصول عقاید راستین واخلاق نیکو تفضیل انسان است».(۱)

فواید و آموختنی ها

❖اعلان کرامت انسان و فضیلت وی بر همه مخلوقات زمینی.

❖خداوند متعال بر انسان منت نهاده که نعمت‌های خود را به وی ارزانی فرموده، و او را به مراتب عالی تکریم وفضیلت نایل گردانیده است.

❖خداوند متعال انسان را بر نیروهای طبیعت در خشکه و بحر قادر گردانیده تا از آن برای منفعت خود استفاده نماید.

---

(۱) تفسير مفاتيح الغيب تأليف امام فخر الدين الرازي، ج۲۱، ص۱۷، دار الفكر ۱۹۸۱م.

❖ خداوند متعال نیروهای طبیعت را در کاینات، برای خدمت و منفعت انسان مسخر گردانیده است.

❖ خداوند متعال برای انسان بهترین رزق و روزی را مقرر گردانیده؛ خوردنی و نوشیدنی انسان نسبت به سایر حیوانات، درنده گان، پرنده گان و خزنده گان بهتر و برتر است.

❖ چون انسان مخلوق مکرم وگرامی خداوند متعال بوده، بر وی لازم است، کاری نکند که مخالف با فضایل و برتری‌های انسانی اش باشد.

❖ نافرمانی از اوامر خداوند متعال مانند: کفر ورزیدن، شرک آوردن به خدا و ارتکاب گناه و معصیت، بامقام و جایگاه انسان به حیث مخلوق برتر خدا در روی زمین مناسب نیست.

❖ کرامت انسان و حقوق شرعی و بشری او از تعرض مصون بوده، کسی حق ندارد به جان، مال، حرمت، شرف و آبروی انسان تجاوز نماید.

❖ رعایت حقوق انسان و حمایت از آن وجیبه و مسؤولیت شرعی هر مسلمان است. در جامعهٔ اسلامی فرد، خانواده، جامعه و دولت همه به مراعات و حفاظت حقوق بشر مکلف هستند.



۱. در آیهٔ مبارکه، پنج تکریم و فضیلت برای بنی آدم ذکر گردیده. آن‌ها را بیان نمایید.
۲. مظاهر نعمت‌های خداوند برای انسان در بَرّ (خشکه) را مختصر توضیح بدهید.
۳. فرق میان رزق و روزی انسان و سایر حیوانات و زنده جانها چیست؟
۴. انسان در مقابل این همه تکریم و نعمت‌هایی که خداوند متعال برایش ارزانی فرموده، چه مکلفیت دارد؟
۵. «خواص بنی آدم حتی نسبت به فرشتگان خدا برتری دارند» این مطلب را توضیح بدهید.
۶. فرق میان تکریم و فضیلت برای انسان، چیست؟



شاگردان با استفاده از آیات قرآنی و احادیث نبوی در بارهٔ کرامت و برتری بنی نوع انسان، حقوق بشر و مصونیت آن، از تعرض وتجاوز مقاله‌یی بنویسند که از بیست سطر کم نباشد.

درس پنجم

«آیت الکرسی» نقطهٔ عروج قرآن

قــال تعــالی: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ٢٥٥]

معنای کلمات

الْحَيُّ: زندهٔ دایم.

الْقَيُّومُ: قایم به ذات خود، نگهدارندهٔ غیر خود.

سِنَةٌ: پینکی، خواب سبک.

يَئُودُهُ: بر وی سنگینی نماید، واو را به مشقت وا دارد.

ترجمه

الله، آن ذاتی است که جز او معبود بر حقی نیست، زنده و تدبیر کنندهء عالم است، نمی گیـرد او را پینکی و خواب (لحظهٔ از تدبیر جهان غافل نمی ماند). اوست مالـک آنچـه در آسـمان‌هـا و زمـین است، کیست آن که شـفاعت کنـد در نـزد او؛ مگـر بـه اذن وی ؟ آنچـه را در پـیش روی آن‌هـا (بنده‌گان) و پشت سر شان است، میداند (گذشته و آینده در پیشگاه علـم او یکسـانند) و خلـق بـه هیچ چیزی از علم او احاطه نتوانند کرد؛ مگر به آنچه او خواهد، کرسی او آسمان‌ها و زمین را فـرا گرفته، و نگهبانی زمین و آسمان بر او آسان و بی‌زحمت است، و او والا مرتبه و باعظمت است.

تفسیر

نقطهٔ اوج قرآن

آیت الکرسی، مشتمل بر ده جملهٔ مستقل است که هر جملهٔ آن از وحدانیت خداوند یکتا و صـفات بزرگ او تعالی بحث می‌کند. در این آیت هجده بار اسمای خداوند بشکل اسـم ظـاهر ویـا ضـمیر ذکر گردیده است. این آیت، عظیم ترین آیت قرآن است که روایـت‌هـای بسـیاری در فضـیلت آن نقل گردیده و در حدیثی از پیامبر خداﷺ روایت شده که فرمودند: آیت الکرسی بـزرگ‌تـرین آیـت

قرآن به حساب می‌آید.[1] در حدیث دیگری روایت شده که اسم اعظم در این آیت قرار دارد.[2] در حدیث دیگری آمده که پیامبر خداﷺ فرمودند: هر چیزی را سنام و یا نقطهٔ عروج است، نقطهٔ عروج قرآن سورهٔ البقره، و در آن آیتی است که پیشوای قرآن است و آن عبارت از آیت الکرسی می‌باشد.

آیت الکرسی با **صفت وحدانیت** خداوند متعال شروع گردیده ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾، پس خداوند متعال یگانه ذاتیست که مستحق عبادت می‌باشد، این صفت خداوند، اساس دین است. انسان، تنها بندهٔ خدا است و جز او تعالی نبایدکسی را عبادت کند و غیر از او تعالی نباید به کسی رو آورده و یاری بخواهد.

صفت دیگری که در آیت الکرسی ذکر گردیده، صفت حیات و قیومیت خداوند است ﴿الحي القيوم﴾. **صفت حیات** که برای خداوند ثابت گردیده، حیات ذاتی، دایم و ابدی است که فنا و زوال ندارد، این حیات، مانند حیات و زنده گی نیست که بشر شناخته است. **صفت قیومیت** خداوند متعال، آن است که او تعالی تدبیر کننده و اداره کنندهٔ همیشه‌گی همه امور است. او تعالی قایم به ذات خود است، و اما غیر او تعالی، هر آنچه باشد به ارادهٔ خداوند قایم و استوار است.

صفت دیگری که در این آیهٔ مبارکه برای خداوند متعال ذکر گردیده آن است که او تعالی از عارض شدن خواب و هر گونه اعراض آن، بی نیاز است ﴿لاَ تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلاَ نَوْمٌ﴾، واو تعالی از همهٔ این امور منزه می‌باشد.

خداوند متعال مالک و متصرف یگانهٔ آسمان‌ها و زمین است، و هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است خاص در ملک و اختیار او تعالی قرار دارد، به هر که بخواهد می‌بخشد و از هر که اراده نماید می‌ستاند، ﴿لَهُ مَا فِي السماوات وَمَا فِي الأرض﴾. این جمله مبارکه، ملکیت مطلق را برای خداوند متعال ثابت می‌نماید، و بنده گان راستین خداوند با ایمان راسخ به این‌که همه چیز در اختیار خدا و به ارادهٔ او صورت میگیرد، احساس رضایت نموده و با قناعت زنده گی می‌نمایند.

صفت دیگر خداوند متعال در آیهٔ مبارکه، تثبیت و توضیح مقام الوهیت و معبودیت است. به این ترتیب که او تعالی یگانه معبود برحق همهٔ آفریده‌ها و بنده گانی اند که از عبودیت او خارج شده نمی‌توانند. ﴿مَن ذَا الذي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِه﴾. هیچ کسی بدون اذن او تعالی شفاعت کرده نمی‌تواند. در این جمله هرگونه طلب کمک و استعانت از معبودان باطل اعم از بتان وسایر مخلوق‌ها و شفاعت آن‌ها که مشرکین و کفار دعوای آن را داشته باشند، مردود قرار گرفته است.

۱- المعجم الکبیر للطبرانی. والسنن الکبری للبیهقی.

۲- مسند امام احمد بن حنبل. وسنن ابی داوود. وسنن ترمذي.

جملهٔ مبارکهٔ ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾ **صفت علم** و کمـال حاکمیـت خداونـد متعـال را ثابت می‌سازد. علم خداوند، مطلق است که گذشته و حاضر و آینده را شامل می‌شود. علم او تعـالی شامل ظاهر و باطن، غیب و آشکار، دنیا و آخرت است.

انسان با علم و آگاهی ناچیز خود، چیزهای اندکی را می‌تواند، بفهمد ﴿وَلاَ يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلاَّ بِمَا شَآءَ﴾. خداوند متعال گوشه‌یی از علم خود را برای بنده گانش ظاهر می‌نماید که توسط آن، چیز هایی را می‌فهمند و کشف می‌کنند. پس در این جملهٔ مبارکـه، کمـال علـم خداونـد و نقـص دانش غیر خدا ثابت می‌گردد. خداوند متعال با دادن علم اندک به انسان چیزهایی را برایش نمایان می‌سازد: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾[فصلت: ٥٣] ترجمه: "ما به آنان (که منکر اسلام و قرآن اند) هرچـه زودتـر دلائـل و نشانه‌های خود را در اقطار و نواحی و در نفس‌های خود شان به آنان، نشان خـواهیم داد تـا بـرای ایشان روشن و آشکار گردد که اسلام و قرآن حق است. آیا تنها این بسنده نیست که پروردگـارت بر هر چیزی حاضر و گواه است؟" اما انسان با داشتن این علم ناچیز مغرور می‌شود، و صاحب علم حقیقی را فراموش نموده، استکبار می‌ورزد.

سپس آیهٔ مبارکه عظمـت خداونـد متعـال و وسـعت و شـمولیت ملـک او تعـالی را بیـان نمـوده، می‌فرماید: ﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾. در تفسیر کرسی نزد علمای تفسیر دو قول مشـهور وجود دارد: یکی قول مفسرین سلف و علمای متقدمین امت که بنـا بـر ظـاهر نـص آیـت کریمـه معترف به وجود کرسی برای خداوند متعال اند؛ ولی می‌گویند که ما حقیقت کرسـی را نمـی‌دانـیم؛ زیرا که نظر به محدودیت توانایی و قابلیت بشری از فهـم و درک اصـل وحقیقـت کرسـی عـاجز هستیم؛ مگر ایمان کامل داریم که کرسی خداوند متعال بر آسمان‌ها و زمین احاطه دارد. نظـر دوم قول برخی از علما و مفسرین متأخر امت است که کرسی را به علم، قدرت، سلطنت وغلبهٔ خداونـد متعال تفسیر نموده، آن‌را کنایه از علم بی‌پایان و حاکمیـت مطلـق الله جَلَّ جَلَالُهُ بـر کاینـات مـی‌داننـد. عده‌یی از مفسرین از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت نموده اند که فرموده است : «کرسـی خداونـد علم او تعالی است که بر همه چیز احاطه دارد»(١)

وقتی قرآن کریم بیان نموده که کرسی خداوند بر آسمان‌ها و زمین احاطه دارد، بـه ایـن معناسـت که کرسی خداوند نسبت به آسمان‌ها وزمین بزرگ‌تر است؛ چنانچه از ابوذر غفاری روایت شده کـه فرمود: «از پیامبر صلی الله علیه وسلم راجع به کرسی پرسیدم، فرمود: ای ابوذر! هفت آسمان و هفت (طبقات) زمـین

---

(١) تفسير الوسيط للسيد طنطاوى.

در مقایسه با کرسی مانند یک حلقه‌یی افتاده در صحرایی بیش نیست، باز حیثیت و جایگاه عـرش خدا نسبت به کرسی مانند برتری همان صحرا نسبت به آن حلقه می‌باشد».[۲]

اکنون بشریت با همه پیشرفت‌های علمی تنها به مهتاب که یکی از اقمار زمین است وفقط چنـد ثانیـهٔ نوری از زمین فاصله دارد، رسیده است؛ هم‌چنان آفتاب با فاصلهٔ نود و سه ملیون میـل از زمـین فقـط هشت دقیقه و چند ثانیه نوری را در بر می‌گیرد، در حالی که ستاره‌گان و افـلاک و کهکشـان‌هـایی در صحنهٔ کاینات خداوند قرار دارند که صدها سال نوری فاصله دارند. با در نظـر داشـت ایـن‌کـه نـور در یک ثانیه سه صد هزار کیلو متر را طی می‌کند! واین همه اکتشافات تنها در آسمان دنیا، یعنی آسـمان نزدیک به زمین ما صورت گرفته، پس از بقیهٔ آسمان‌ها وملکوت خداوند متعال چه می‌توان گفت؟!

صفت دیگری که آیهٔ مبارکه برای خالق توانا ذکر نموده، این است که ایـن همـه آسـمان‌هـا و زمین و ملکوت، تحت اراده و تدبیر وادارهٔ خداوند قرار دارد که نگـه‌داری آن بـرای خداونـد متعـال هیچ‌گونه سنگینی و خسته‌گی و مشقتی بار نمی‌آورد، وتنها او تعالی است که ایـن همـه کاینـات و هستی را با مشیت و قیومیت خود حفظ نموده است.

آیهٔ مبارکه با منحصر ساختن **صـفات عظمـت و بزرگـی** خـاص بـرای خداونـد ﴿وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ خاتمه می‌یابد، یک خاتمهٔ منطقی و زیباست؛ زیرا اوصافی که برای خداوند متعال در آیـت الکرسی بیان گردید، وآسمان‌ها وزمین با این وسعت و پهناوری وعظمت خود، دلیل روشن وآشـکار آن است که خالق ومدبر ونگه‌دارندهٔ آن ذاتی باشد که همه صفات عظمت و بزرگی خاصهٔ اوسـت، و هر کسی که دعوای چنین بزرگی را نماید، خداوند متعـال او را نـابود مـی‌سـازد، چنانچـه وقتـی فرعون دعوای چنین بزرگی نمود، هلاک و نابود گردید.

فعالیت

شاگردان در میان خود در بارهٔ این‌که انسان با وجود پیشرفتها واکتشافات علمـی هنـوز بـه گوشـهٔ ناچیزی از مخلوقات خداوند دست یافته، گفتگو نمایند.

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و دروسی که از «آیت الکرسی» باید آموخت:

❖ آیت الکرسی، عظیم ترین آیت کتاب خدا است که مشتمل بر هجـده اسـم خداونـد متعـال مـی‌باشـد. مجموع کلمات این آیهٔ مبارکه، پنجاه کلمه می‌باشد که در ده جمله خلاصه گردیده است.

---

(۲) صحیح ابن حبان.

❖ آیت الکرسی عبودیت مطلق را خاصهٔ خدا، و هم‌چنان حاکمیت را تنها از آن خداوند متعال بیان نموده است.

❖ اداره و تدبیر امور کاینات و آفریده‌ها بدست خداوند متعال است، و علم او تعالی بر همه هستی احاطه دارد. بر انسان است تا خدا را در همهٔ اوقات و همهٔ امور مراقب خود بداند.

❖ عظمت و بزرگی خاصهٔ خداوند متعال است. انسان به هر اندازه که در زمین تکبر وبزرگ منشی کند، باز گشت او به خداوند است که او را ذلیل گردانیده، مجازات خواهد نمود.

❖ خواندن آیت الکرسی بعد از نمازهای فرضی، هنگام خواب رفتن، دارای اجر زیاد است، و خواندن آیت الکرسی در خانه‌ها سبب راندن شیطان از خانه می‌گردد.



۱. معنای کلمات زیر را بنویسید:

﴿الحي، القیوم، سنة، یئووده﴾

۲. مفهوم عبارت مبارکهٔ ﴿الحي القیوم﴾ را توضیح بدهید.

۳. مقصود از این قول خداوند ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾ چیست؟

۴. مراد از کرسی در این قول خداوند متعال ﴿وسّع کرسیّه السموات والأرض﴾ چه می‌باشد؟



یک مقاله ده سطری در بارهٔ فضیلت و جایگاه «آية الكرسي» بنویسید و به احادیث نبوی استدلال نمایید.

درس ششم

زمین برای منفعت انسان

قال تعالی: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ۞ أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ۞ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ﴾ [الملک: ۱۵–۱۷]

معنای کلمات

ذَلُولًا: رام شده، مسخر شده، آسان ساخته شده.

مَنَاكِبِهَا: جمع منکب به معنای شانه، در اینجا جوانب و اطراف زمین مراد است.

الخسف: منقلب شدن، فرو رفتن ظاهر آن به باطن، وباطن آن به ظاهر.

تَمُورُ: مضطرب و دگرگون می‌شود، به لرزه می‌آید.

حَاصِبًا: تند بادی که سنگریزه‌ها را حمل نماید.

ترجمه

او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید، پس شما در اطراف و نـواحی آن راه بروید و از روزی خدا بخورید و برانگیختن (خلایق) به سوی اوست. آیا از کسـی (خـدایی) کـه در آسمان است (حاکم و فرمانرواست) ایمن اید که شما را به زمین فرو بـرد در حـالی کـه زمـین بـه حرکت و اضطراب در افتد؟ آیا از کسی (خدایی) که در آسمان است (حاکم وفرمانرواست) ایمن اید که بفرستد بر سر شما طوفان ریگ ، پس خواهید دانست که ترسانیدن من چگونه است؟

تفسیر

یکی از مظاهر فضل وانعام خداوند متعال بر بنده گانش این است که زمین را برای آن‌ها همـوار و آسان گردانیده تا در گوشه وکنار آن حرکت نماینـد و از طریـق سـیر وحرکـت، سـاختن بناهـا و عمارت‌ها و یا کشت و زراعت از آن استفاده کرده و از داشته‌های آن روزی بدست آورند. به همـین سبب خداوند متعال در این آیهٔ مبارکه به انسان‌ها دستور می‌دهد که آرام ننشینند؛ بلکـه در کـنج و کنار و اطراف واکناف زمین بگردند و کسب رزق و روزی نمایند. در این آیهٔ مبارکه، امر شده اسـت تا انسان‌ها از کنوز و گنجینه‌های زمین برای خود کفایی در همه امور خود، به ویژه امور معیشـتی، به شمول خوردنی، پوشیدنی و دیگر نیازهای خود استفاده نمایند تا محتاج دیگران نباشند. پس بـه

هر اندازه که مسلمانان در امر استفاده از نعمت‌هـای خداونـد در زمـین و تولیـد و انتـاج سسـتی و کوتاهی نمایند، به همان اندازه محتاج دیگران خواهند بود که این امر در مخالفت بـا دلالـت‌هـای آشکار آیۀ مبارکه قرار دارد.

دلالت‌های علمی آیۀ مبارکه

علما و نویسنده گان مسلمان در معنـای آیـۀ مبارکـۀ ﴿هُوَ الذي جَعَلَ لَكُمُ الأرض ذَلُولًا...﴾ بـه تفصیل سخن گفته اند که اعجاز علمی قرآن کریم را به اثبات می‌رساند. ما در اینجا خلاصـۀ ایـن نظریه‌ها را غرض استفادۀ بیش‌تر ذکر می‌نماییم:

انسان‌ها نظر به انس و الفت طولانی که بر روی زمین دارند، به زمین و آنچه در این کـرۀ خـاکی است به دیدۀ عادی می‌نگرند، وچـه بسـا کـه نعمـت‌هـای خداونـدی را در روی زمـین فرامـوش می کنند. قرآن کریم با تعبیر زیبا و گویا، ذهن انسان را به قدرت خداوند متعال ونعمت‌های فـراوان او تعالی متوجه می‌سازد.

در آیۀ مبارکه صفت ﴿ذلولًا﴾ یعنی «رام شده» برای زمین ذکر گردیده، در حالیکـه در اصـل ایـن کلمه برای حیوان سرکش استعمال می‌شود که انسان آن را رام می‌سازد تا در جهت تـأمین منـافع خود از آن کار بگیرد. علما گفته اند که اطلاق این لفظ برای زمین در اینجـا مقصـود اسـت؛ زیـرا همین زمین که ما آن را هموار و ساکن وآرام مـی‌بینـیم، در حقیقـت ماننـد یـک حیـوان سـواری سرکشی است که بـا حرکـات متنـوع مـدهش وسرسـام آور در حرکـت اسـت. نظریـات علمـی و اکتشافات فضایی می‌گوید که این کرۀ ارضی که ما با آرامش و استقرار در آن زنده گی می کنـیم و از نعمت‌های فراوان آن مستفید می‌گردیم در حرکت وضعی خود بـه سـرعت یـک هـزار میـل در ساعت به دور خود می‌چرخد. در عین حال در حرکت انتقالی خود به سرعت تقریبا دو هزار کیلومتر در یک دقیقه به دور آفتاب در حرکت است؛ اما با همه این حرکت‌های متنوع و خیزش‌ها وپـرش-های مدهش، انسان بر بالای زمین با آرامش کامل و با اطمینان خاطر زنده گی مـی‌کنـد و دقیـق ترین کارهای خود را انجام می‌دهد بدون آنکه احساس بی قراری و اضطراب و دگرگونی نماید.

اسرار و فواید حرکتهای زمین

البته این حرکت‌های متنوع دارای حکمـت وفوایـد زیـادی بـرای انسـان و حیـات در روی زمـین می‌باشد که ما برخی از آن را می‌دانیم و از فهم ابعاد برخی دیگر آن عاجز هستیم. ما می‌دانیم کـه از حرکت زمین به دور محورش شب و روز پیدا می‌شود، و از حرکـت زمـین بـه دور آفتـاب چهـار فصل سال بوجود می‌آید که همه، نشانه‌های قـدرت و نعمـت‌هـای بـزرگ خداونـد بـرای انسـان می‌باشند؛ زیرا اگر دنیا همواره شب می‌بود، همه چیز از شدت سردی منجمد می‌گردید. و اگـر دنیـا

همواره روز می‌بود، همه چیز از شدت حرارت می‌سوخت. به همین ترتیب، اگر حرکت انتقالی زمین به دور آفتاب نباشد وتنها یک فصل سال باقی بماند، زنده گی در روی زمین به شکل موجوده ناممکن خواهد بود؛ اما از حکمت حرکت سومی زمین همراه با آفتاب و نظام شمسی تا هنوز علم و اکتشاف‌های علمی چیزی نمی‌داند.

برخی دلالت‌های کلمۀ ذلول نسبت به زمین

به این ترتیب کاربرد کلمۀ (ذلول) بر کرۀ ارضی دارای دلالتهای زیادی می‌باشد که خداوند متعال آن‌را برای انسان رام و آسان ساخته است. مظاهر «رام شدن» ومنافع زمین برای انسان جوانب گوناگونی دارد که اینجا گنجایش تفصیل آن نیست، مثلا: مناسب بودن زمین برای انسان وزنده گی بر بالای آن از لحاظ قوۀ جاذبۀ زمین... از لحاظ سطح هموار و ساختار وترکیب تربت خاکی و صخری زمین... از لحاظ غلاف جوی وکثافت هوا و ترکیب دقیق هوای محیط بر زمین برای زنده‌گی (۲۱٪ آکسیجن، ۷۸٪ نایتروجن، ۱٪ چندین عنصر دیگر)... از لحاظ حجم زمین و فاصلۀ آن با آفتاب ومهتاب... از لحاظ رسیدن مقدار درجۀ حرارت آفتاب به زمین... از لحاظ نسبت آب وخشکه در ترکیب زمین... از لحاظ فاصلۀ زمین به مهتاب و توازن مد وجزر بحرها، ... و ده‌ها و صدها توافقات دیگری که کرۀ زمین را برای زنده گی انسان مهیا گردانیده تا انسان بر بالای آن زنده گی نماید و از گنجینه‌ها و سرمایه‌های مختلف ظاهری وباطنی آن استفاده بعمل آورد؛ اما این آرامش و استفاده از نعمت‌های گوناگون، دایمی نخواهد بود، بلکه برای مدت معینی است که بعد از سپری نمودن آن انسان بسوی خالق ومنعم خود حتما باز می‌گردد؛ ﴿وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾. پس بر انسان است تا در مقابل این نعمت‌های بزرگ شکر خدا را بجا آورد، وسزاوار نیست از این باز گشت واز محاسبۀ پروردگار منعم خود غافل باشد.

سرکشی واضطراب زمین «رام شده»

سپس خداوند متعال انسان را هشدار می‌دهد که همین زمینی که با این سکون و آرامش و استقرار بر بالای آن زنده گی می‌کنید، وقتی که به مشیت خداوند مضطرب شود، شما را در دل خود فرو برده و زیر و رو میشود. وآنگاه خواهید دانست که انذار وهشدار ما چگونه است!؟

بشر که بر بالای این کرۀ ارضی رام شده قرار دارد، و از گنجینه‌های آن استفاده می‌نماید خوب می‌داند زمانیکه در اثر زلزله، آتش فشان‌ها، توفان‌ها و دیگر حوادث طبیعی، زمین فقط برای ثانیه‌ها و یا دقایق محدودی دچار اضطراب و دگرگونی می‌شود و سرکشی اختیار می‌نماید، همه چیز را بر انداخته و آنچه را انسان‌ها بر بالایش بنا نموده اند، زیر و رو می‌سازد، و انسان با همه کبر و غرور و تکنالوژی و توانایی اش بیچاره می‌شود و در قفس ترس و هراس محصور می‌ماند!

از همین جاست که قرآن کریم، انسان را که با غفلت و بی پروایی بر بالای زمین و نعمت‌های آن زنده گی می‌کند، هشدار می‌دهد که در مقابل این نعمت‌های بزرگ به خالق و پروردگار خود ایمان آورد و شکر گزار باشد تا مستحق عذاب نگردد .

فواید و آموختنی‌ها

از محتوای آیات گذشته، فواید ذیل بدست می‌آید:

۱- خداوند متعال زمین و آنچه در آن قرار دارد را برای منفعت انسان آفریده است.

۲- اگر انسان‌ها شکر و سپاس نعمات خداوند ﷻ را به جای نیاورند، آن‌ها را بـه عـذابی درد نـاک مبتلا خواهد ساخت.

۳- برای بنده‌گان جواز دارد که عقل و خرد خود را در راه کشف نعمت‌های پیدا و پنهـان الهـی در بطن زمین به کار بسته آن را در خدمت رفاه و آسایش زندگی خود قرار دهند .

۴- خداوند ﷻ انسان را مکلف گردانیده تا غرض تفکر در مخلوقات در اطراف زمین گشت و گـزار و تلاش نماید.

۵- آیهٔ مبارکه مسلمانان را دعوت نموده تا با استفاده از ذخایر زمین در عرصه‌های مختلـف زنـده- گی به خود کفایی دست یابند.



۱. کلمات زیر را معنی کنید:

﴿ذَلُولاً، مَنَاكِبِهَا، الخسف، تَمُورُ﴾

۲. کلمهٔ «ذلول» در اصل برای چه استعمال می‌شود، و استعمال آن برای زمین در آیهٔ مبارکه چـه مناسبت دارد؟ توضیح بدهید.

۳. حرکات سه گانهٔ زمین را با اندازهٔ سرعت هر یکی، مختصر توضیح بدهید.

۴. پنج صفت مناسب بودن کرهٔ زمین را برای زنده گی و آسایش انسان در روشنایی کلمهٔ مبارکـهٔ قرآنی «ذلول» تشریح نمایید.

۵. در مقابل این فرمودهٔ خداوند متعال ﴿فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ﴾ مسلمانان چه مکلفیـت دارند؟ مختصر توضیح بدهید.

۶. در آیهٔ مبارکه، کرهٔ زمین در حالت اضطراب، بـرعکس وصـف ذلـول ویـا «رام شـده» چگونـه وصف شده است؟ کلمهٔ مقابل ذلول را توضیح بدهید.



در روشنی تفسیر آیت مبارکه و با استفاده از آنچه در جغرافیه و جیولـوژی در مـورد حرکـات کـرهٔ زمین و فواید آن خوانده اید، مقاله یی بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

درس هفتم

محبت خداوند ﷻ در پیروی پیغمبر ﷺ است

قال تعالی: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾

[آل عمران: ۳۱-۳۲]

ترجمه

بگو (ای پیغمبر): اگر خدا را دوست می‌دارید مرا پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد، و خدا آمرزنده و مهربان است. بگو: فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید، پس اگر روی گردانیدند، همانا خدا هرگز کافران را دوست ندارد.

شأن نزول

ابن المنذر از حسن بصری رحمه الله روایت نموده که فرمود: مردمانی بودند در عهد پیامبر می‌گفتند: ای محمد، قسم به خدا ما پروردگار خود را دوست داریم. پس این قول خداوند نازل گردید: ﴿قُلْ إِن كُنْتُم تُحِبُّونَ الله فاتبعوني﴾ یعنی: بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، مرا پیروی کنید. هم‌چنان محمد بن اسحاق از محمد بن جعفر بن زبیر روایت نموده که وقتی وفد نصارای نجران گفتند: ما عیسی بن مریم و مادرش را به‌خاطر دوستی خدا تعظیم و تقدیس و عبادت می‌کنیم، خداوند متعال با نزول این آیات مبارکه به پیامبر خود فرمود که به ایشان بگو: اگر شما خدا را دوست دارید، و می‌خواهید او تعالی شما را دوست داشته باشد، پس اطاعت و پیروی مرا بکنید و با خدا کسی را شریک نسازید. و به این ترتیب دعوای آن‌ها را در بارۀ این‌که عیسی را به‌خاطر محبت خدا تعظیم وتقدیس می‌نمایند، باطل گردانید.[1]

تفسیر

در این دو آیۀ مبارک خداوند متعال به پیغمبر خود امر نموده به مردم روش‌های صحیح دوستی با خدا را تعلیم بدهد، تا به همۀ انسان‌ها روشن گردد کسانی که دعوای محبت و دوستی خدا را

۱- تفسیرالقرطبی.

می‌کنند باید مطابق این راه و روش عمل نمایند که خدا را دوست بدارند، وخدا ایشان را دوست بدارد.

امام ابن کثیر در تفسیر این آیهٔ مبارکه گفته است: «این آیهٔ مبارکه حکم می‌کند هرکسی که دعوای محبت خدا را نماید، اما به طریقه و راه و روش محمدی پابند نباشد، او در دعوای خود کاذب است، و ادعای او صحیح وقابل قبول نیست تا این‌که شریعت محمدی و دین نبوی را در همه اقوال و افعالش اطاعت و پیروی نکند.»[1] زیرا دعوای محبت خدا و رسولش همراه با معصیت و سر پیچی از اوامر خدا و رسول، تناقض دارد و مورد قبول نمی‌باشد؛ چنانچه پیامبر خدا در حدیث صحیح فرموده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلاً لَيسَ عَلَيهِ أَمْرنَا فَهُوَرَدٌّ» [2] یعنی: کسی عملی را انجام دهد که به اساس امر (ویا دین ما) نباشد، مردود است.

در این باره شاعر عربی چه زیبا گفته است:

تَعصِي الإلَهَ وَأَنْتَ تُظهِرُ حُبَّه ... هَذَا لَعمْرِيْ فِي الْقِيَاسَ بَدِيْعُ
لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَه ... إنَّ ألْمحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيْعُ

یعنی: دعوای محبت خدا را می‌کنی؛ در حالی‌که به معصیت او روان هستی! قسم است که این کار خلاف عقل و قیاس است. هرگاه دوستی صادقانه بودی، اطاعت او نمودی؛ زیرا که دوست از دوست و محبوب خود اطاعت می‌نماید.

ازهری در تفسیر آیت می‌گوید: "محبت بنده با خداوند و پیامبرش عبارت از فرمانبرداری و پیروی اوامر آنان است؛ و محبت خداوند با بنده بخشش و مغفرت برای اوست". [3]

نشانه‌های محبت خداوند ﷻ

در این آیهٔ مبارکه دیده می‌شود که اولین نشانهٔ محبت بنده با خداوند متعال، اطاعت و پیروی رسول خدا ﷺ است که سبب محبت خدا و آمرزش گناهان می‌گردد؛ زیرا که خداوند متعال بسیار آمرزنده و صاحب رحمت بی کران است برای کسانی که با طاعت و پیروی پیغمبر ﷺ به او تعالی تقرب جویند.

سپس خداوند متعال باز هم به پیغمبر خود به صیغهٔ امرتأکید می‌فرماید تا مردمان را به اطاعت و پیروی خدا و رسول تشویق وترغیب نماید ﴿قُلْ أَطِيعُوْا الله والرسول﴾ تا در همه احوال و در همه

۱- تفسیرابن کثیر.
۲ – متفق علیه.
۳- تفسیر قرطبی.

او امر و نواهی اطاعت و پیروی کنند؛ زیرا کسی کـه دعـوای محبـت خـدا را نمایـد؛ در حـالی‌کـه اطاعت و پیروی رسول خدا را نکند، در حقیقت او کاذب و دروغگو است. مفسرین می‌گویند کـه در آیهٔ مبارکه میان اطاعت خدا و رسولش با تکرار لفظ ﴿و أطیعوا﴾ جدایی نیامده، وگفتـه نشـده کـه «أطیعوا الله و أطیعوا الرسول» تا نشان داده شود که اطاعت خدا و رسـولش یـک اطاعـت اسـت و هیچ گونه جدایی را نمی‌پذیرد؛ زیرا که اطاعت پیامبرﷺ در حقیقت اطاعت خداوند اسـت، چنانچـه خداوند متعال در آیهٔ دیگری فرمـوده اسـت: ﴿مَّنْ يُطِعِ الرسول فَقَدْ أَطَاعَ اللهَ﴾ [النسـاء: ٨٠] یعنـی: کسی که اطاعت رسول خدا یعنی حضرت محمـد ﷺ را نمایـد، در حقیقـت اطاعـت خـدا را کـرده است.

سهل بن عبد الله می‌گوید: "نشانهٔ محبت خداوند محبت قرآن، و نشانهٔ محبت قرآن محبت پیامبر ﷺ، و نشانهٔ محبت پیامبر محبت سنت و طریقهٔ او، ونشـانهٔ محبـت سـنت پیـامبر دوسـتی آخـرت است..." [۱]

قسمی‌که از نصوص قرآن و سنت معلوم می‌گردد محبت بـا الله ﷻ و رسـول او ﷺ از اساسـات و لوازم ایمان به شمار میرود. محبت و دوستی با خدا و پیامبر، انگیزه و اساس اعمال نیک در انسـان بوده او را وادار می‌سازد تا در کارهای خیر و اعمال صالحه سبقت جسته بـه‌خـاطر کسـب رضـای خالق و مالک و رازق خویش تلاش نماید.

ازین آیت مبارکه با کمال صراحت و به‌صورت واضح فهمیده می‌شود که شـرط دوسـتی و محبـت با خداوند، فرمان‌برداری و پیروی از پیامبر اوست. پیروی پیـامبر آن اسـت کـه انسـان مسـلمان از سنت و روش آن حضرت ﷺ پیروی و فرمان‌برداری کنـد. سـنت پیـامبر عبـارت اسـت از: گفتـار، اعمال، اخلاق و طریقهٔ زنده گی ایشان. بنابر این هر که مـی‌خواهـد بـا خداونـد محبـت داشـته و خداوند نیز او را دوست داشته باشد، باید از رسول الله ﷺ و سنت او اطاعت و فرمان برداری نمایـد. در حدیثی از رسول اللهﷺ روایت شده است که می‌فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي» [۲] یعنی بر شماست تا از سنت و روش من و روش خلفـای راشـدین هـدایت یافته بعد از من پیروی کنید.

ازینرو، باید دانست که محبت خداوند و پیامبر از نظر قرآن تنها یک شعار و ادعـای زبـانی نیسـت؛ بلکه رفتن به راه پیامبر و تطبیق روش و نظام ومنهج او در همه ابعاد زنده گی فـردی و اجتمـاعی مسلمان است.

۱- تفسیر قرطبی.

۲- الأوسط لإبن المنذر.

فرجام نا فرمانی از پیغمبر اسلام

در پایان آیت دوم، خداوند متعال با خطاب شدید، عاقبت سرکشان و اعراض کننده گـان از ایمـان به پیغمبر اسلام ﷺ و اطاعت وفرمان‌برداری وی را بیـان مـی‌فرمایـد: ﴿فَإِن تَوَلَّوْاْ فَإِنَّ اللهَ لاَ يُحِبُّ الكافرين﴾ یعنی: اگر رو گردانند، هر آیینه خداوند کافران را دوست ندارد.

امام قرطبی در تفسیر آیت می‌میگویـد: ﴿فَإِن تَوَلَّوْاْ﴾ جملـۀ شـرطیه اسـت و بـا در نظـر داشـت موقعیت آن معنای آیت چنین می‌شود: اگر رو گردان شدند در حالی‌که کافر اند و از اطاعـت خـدا و رسول سر پیچی کنند﴿فَإِنَّ اللهَ لاَ يُحِبُّ الكافرين﴾؛ پس خداوند کافران را دوسـت نـدارد ، یعنـی از کار ایشان راضی نشده آنان را نمی بخشد.[1]

این آیات مبارکه با توجیهات و تعلیمات والای خویش شیوه ومـنهج زنـده گـی مسـلمان را بیـان کرده است که نتیجۀ عمل کردن به آن، عبادت خالصانۀ خدا، نجات از عذاب، کسب اجر و ثواب و سعی و تلاش مستمر برای انجام عمل صالح و بالاخره رسیدن به رضای خداوند متعـال و محبـت او– جل شأنه– می‌باشد.

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و ارشادات آیات مبارکۀ فوق از این قرار است:

❖ محبت خداوند واجب واز مقتضیات و لوازم ایمان است؛ چنانچـه پیغمبـرﷺ فرمـوده اسـت: "لَا يُؤْمِن أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ اللهُ وَرَسُولُه أَحبَّ إِلَيه مِمَّا سَوَاهُما" یعنی: یکی از شما، تا زمـانی کـه خـدا و پیامبرش را از غیر آن‌ها بیش‌تر دوست نداشته باشد، مؤمن کامل شناخته نمی‌شود.

❖ محبت خداوند برای بنده، غایه و مقصدی است که صاحبان ایمان، علم و درایت در زنـده گـی برای آن سعی و تلاش می‌ورزند.

❖ راه کسب محبت خداوند برای بندۀ مؤمن، اطاعت و پیروی رسول خدا حضرت محمد ﷺ می‌باشد.

❖ دعوای محبت خدا و رسول او تعـالی، در حـال مخالفـت و سـرپیچی از اوامـر و نـواهی وی و رسولش دعوای باطل است وصاحب این دعوا یقیناً در زیان و خسران خواهد بود.

۱– تفسیر قرطبی.

❖ بهترین نشانهٔ دوستی صادقانه و محبت حقیقی انسان با الله متعال و رسول بر حق او، تطبیق همه جانبه و کامل دین اسلام، یعنی ارزشها و احکام قرآن و سنت، در تمام ابعاد وعرصه‌های زنده‌گی فردی و اجتماعی می‌باشد.



۱. آیهٔ مبارکه، دعوای نصارا را در بارهٔ تعظیم و عبادت عیسی علیه السلام چگونه رد نموده است؟ توضیح بدهید.

۲. ابن کثیر -رحمه الله- در تفسیر آیهٔ مبارکهٔ ﴿قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ الله فاتبعوني﴾ چه گفته است؟ مختصر توضیح بدهید.

۳. مهم ترین نشانهٔ دعوای محبت خداوند جل جلاله در چیست؟

۴. در روشنایی جملهٔ مبارکهٔ ﴿فاتبعوني﴾، محبت پیغمبر صلی الله علیه وسلم را توضیح بدهید.

۵. آیات مبارکهٔ این درس مسلمانان را به کدام توجیهات وآداب رهنمایی می‌کند؟



در روشنایی موضوعات درس فوق، یک مقالهٔ دو صفحه یی راجع به محبت خداوند جل جلاله و اتباع و پیروی پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم بنویسید.

درس هشتم

اسلام دین کامل و همه جانبه

قال تعالی: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ۞ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا﴾ [النساء: ۶۰-۶۱]

معنای کلمات

يَزْعُمُونَ: می پندارند، ادعای دروغین می کنند.

الطَّاغُوتِ: هر آنچه غیر خدا پرستیده شود، وحَکَم قرار گیرد.

يَصُدُّونَ: اعراض می کنند، ودیگران را باز می‌دارند.

ترجمه

آیا تعجب نمی‌کنی از کسانی که گمان می‌کنند، ایمان آوردند به آنچه نازل گردیده بر تو (قرآن) و به آنچه که پیش از تو فرو فرستاده شده (کتابهای آسمانی)، می‌خواهند داوری به طاغوت ببرند در حالی‌که دستور داده شده بودند که به آن (طاغوت) کافر شوند. و شیطان می‌خواهد که آنان را گمراه کند به گمراهی دور. و زمانی که به آن‌ها گفته شود: به سوی آنچه خداوند فرو فرستاده است و به سوی پیامبر بیایید ، منافقان را بینی که (مردم را) از تو باز می‌دارند.

سبب نزول

مفسرین در شأن نزول آیهٔ مبارکهٔ ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الذين يَزْعُمُونَ...﴾ روایات مشابهی را نقل نموده اند که یکی از آن این است: ثعلبی و ابن ابوحاتم از ابن عباس –رضی الله عنهما– روایت نموده اند که شخصی از منافقین بنام (بِشر) با یهودی ای دعوا داشت. یهودی تقاضا کرد که به قضاوت پیامبرﷺ مراجعه نمایند، اما شخص منافق اصرار داشت که به نزد کعب بن اشرف – یکی از پیشوایان یهود– غرض فیصله بروند. سر انجام به نزد پیامبر خداﷺ رفتند، و رسول خدا بعد از شنیدن قضیهٔ مورد نزاع، به نفع یهودی حکم نمود؛ اما (بِشر منافق) فیصلهٔ پیامبرﷺ را قبول نکرد

و همراه با یهودی به نزد عمر بن خطاب رفت تا میان شان حکم کند. عمر بن خطاب بعد از شنیدن جریان موضوع و دانستن این‌که آن هر دو به نزد پیامبرﷺ رفته اند، ولی شخص منافق به حکم و فیصلهٔ آن حضرت راضی نشده، به آن‌ها گفت: شما اینجا باشید من میان شما فیصله می‌کنم. عمر بن خطاب ﷺ به داخل خانه رفت وشمشیر خود را گرفته بیرون آمد و سر منافق را قطع نموده اعلام نمود: این است فیصلهٔ من در بارهٔ کسی که به حکم وفیصلهٔ خدا و پیامبرش راضی نمی‌شود! در این وقت آیهٔ مبارکه به همین مناسبت نازل گردید، و پیامبرﷺ عمر بن خطاب ﷺ را به «فاروق» یعنی فرق کننده و جدا کننده بین حق وباطل لقب داد. طبق روایات دیگری آیت متبرکه در بارهٔ گروهی از منافقین نازل شده است که می‌خواستند قضایای شان را بر اساس احکام جاهلی (قبل از اسلام) به داوری بگذارند. [۱]

سبب نزول آیت هر چه باشد؛ مگر بر اساس قاعدهٔ (العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب) یعنی: عموم لفظ قرآن معتبر است نه خاص بودن سبب نزول آیت، نص آیت کریمه آنانی را که در فیصله و قضاوت از احکام اسلام عدول نموده وقضایا و منازعات شان را به داوری و حکمیت طاغوت یعنی قوانین باطل و غیر اسلامی می‌گذارند به شدت توبیخ وسر زنش می‌کند.

تفسیر

امام ابن کثیر در تفسیر آیهٔ مبارکه گفته است: خداوند متعال بر آنانی‌که دعوای ایمان به خدا و پیامبرش و انبیای گذشته را می‌کنند؛ اما برای حل و فصل منازعات شان به فیصله و حکمیت غیر کتاب خدا و سنت رسول خدا راضی می‌شوند و رو می‌آورند، به شدت رد نموده، آن‌را باطل وحکم طاغوت خوانده است.

در این آیهٔ مبارکه یکی از نشانه‌های اساسی منافقین به صراحت ذکر گردیده است تا مؤمنان آن را بدانند و از آن در حذر باشند. نشانهٔ مذکور این است که: آن‌ها ادعا می‌کنند که به اسلام و آنچه بر پیغمبرﷺ نازل گردیده، ایمان دارند؛ اما هرگاه به حکم ویا فیصلهٔ خدا و رسول خدا خوانده شوند به شدت اعراض و سر پیچی می‌کنند وبه این ترتیب دروغ و نفاق شان را آشکار می‌سازند.

فعالیت

چرا شخص یهودی نخواست به نزد کعب بن اشرف پیشوای یهودیان برود؛ بلکه حکمیت رسول خدا را ترجیح داد؟ شاگردان تحت رهنمایی استاد محترم در این باره بحث و گفتگو نمایند.

۱- تفسیر ابن کثیر.

حاکمیت خدا و پیامبر

اساساً حاکمیت، خاص از آن خداوند است، و قبول حکم خدا و حکم پیامبر خدا ﷺ شرط ایمان و اسلام است؛ چنانچه قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ [النساء: ۵۹] یعنی: ای اهل ایمان از خدا و پیامبر و فرمانداراني که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی نزاع کردید آن‌را به حکم خدا و رسول باز گردانید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید.

اطاعت خدا و پیامبرش واجب و قطعی است، پس کسانی که دعوای ایمان می‌کنند باید در همهٔ امور خود از حکم خدا و پیامبر خدا اطاعت و فرمان‌برداری کنند؛ زیرا که اطاعت و پیروی از حکم خدا و پیامبر خدا، نه تنها واجب است؛ بلکه هرگاه مؤمنی به حکم و فیصلهٔ پیغمبر خدا از صمیم قلب راضی و خوشحال نباشد و به آن به طور کامل تسلیم نشود، در دعوای ایمان صادق نمی‌باشد؛ چنانچه قرآن کریم با صراحت در این باره می‌فرماید: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵] یعنی: قسم به خدای تو که اینان اهل ایمان نمی‌شوند؛ مگر آن‌که در خصومت و نزاعشان تنها تو را حَکَم قرار دهند و آنگاه به هر حکمی که کنی هیچ اعتراضی نداشته باشند، و به طور کامل (از دل و جان) تسلیم باشند.

اسلام، تجزیه نمی‌پذیرد

بر اساس آیت مبارکهٔ بالا و سایر نصوص قرآن و سنت، داوری و حکمیت باید بر اساس احکام خداوندی صورت بگیرد، این حکم فراگیر بوده، تمام قضایا و منازعات چه کوچک و چه بزرگ همه را در بر می‌گیرد و تجزیه و استثناء را نمی شناسد؛ زیرا اسلام، دین کامل خداوند و ختم کنندهٔ همهٔ ادیان الهی است. خداوند متعال، اسلام را به حیث آخرین دین برای بشریت بر گزیده است، و هرکسی که دین دیگری غیر اسلام را قبول نماید، هرگز از وی پذیرفته نخواهد شد. چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹] یعنی: همان دین (حق وپسندیده) نزد خداوند، آیین اسلام است. ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵] یعنی: وهرکس غیر از اسلام دین دیگری اختیار کند هرگز ازوی پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زیان کاران است.

اسلام دینی است دارای مبادی، تعلیم‌ها، احکام و قواعد ثابت و همه جانبه که باید به‌صورت کامل پذیرفته شده و در جامعه تطبیق گردد تا نتایج مفید و مثبت آن معلوم گردد. کسی حق ندارد احکام و تعلیمات دین اسلام را تجزیه کند ویا حکمی را بگیرد و حکم دیگری را بگذارد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً﴾ [البقرة: ٢٠٨] یعنی: ای اهل ایمان، همه تان به یکبارگی به اسلام داخل شوید. و الله متعال در آیت دیگری کسانی را که بعضی از احکام او را قبول نموده بعض دیگر را نمی پذیرند مورد نکوهش قرار داده می‌فرماید: ﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ...﴾ [البقرة: ٨٥] یعنی: آیا شما به بخشی از کتاب ایمان می‌آورید و به بخش دیگر کافر می‌شوید؟ پس چیست جزای کسی‌که از شما چنین می کند، غیر از خواری در دنیا، و در روز قیامت به سخت ترین عذاب گردانیده شود.

تجزیهٔ احکام اسلام و تطبیق جزئی و ناقص تعلیمات و ارزش‌های والا و انسان ساز این دین نجات‌بخش نتایج مطلوب و همه جانبه را در حیات فرد و جامعه بار نمی آورد و با طبیعت اسلام به حیث یک نظام کامل و همه جانبهٔ زنده گی در تضاد می‌باشد؛ زیرا احکام و ارزش‌های اسلام مانند پرزه‌های یک ماشین و دستگاه بزرگ، همه با هم مرتبط اند و اگر قرار باشد این نظام به‌صورت درست کار نموده نتیجهٔ مطلوب را برای سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی بشر بدست بدهد، باید همهٔ اجزا و بخش‌های آن در تمام ابعاد و عرصه‌ها اعم از اعتقاد، عبادات، معاملات، اخلاق، قضاء، سیاست، اقتصاد، اجتماع وغیره فعال باشند .

فواید و آموختنی ها

برخی از فواید وارشادات آیات کریمه ازین قرار است:

❖ حکمیت و فیصله، به غیر کتاب خدا و سنت رسول الله حرام است و جواز ندارد.

❖ مسلمان، مکلف است در مقابل طاغوت تحت هر نام و نشانی که باشد تسلیم نشده وآن‌را رد نماید.

❖ بر مسلمانان است تا غرض فیصله و حل منازعات شان به کتاب خدا و سنت رسول خدا رجوع کنند، و به حکم خدا و پیامبرش از دل وجان راضی باشند.

❖ اسلام دین کامل و غیر قابل تجزیه است. احکام و قوانین اسلام باید به‌صورت همه جانبه در حیات فردی و اجتماعی مسلمانان تطبیق شود تا نتایجی که خداوند متعال برای اصلاح و سعادت بشریت اراده نموده، بدست آید.

❖ گرفتن برخی احکام اسلام و ترک نمودن برخی دیگر، در ذات خود مخالفت و دشمنی با اسلام است؛ چنانچه ابوبکر صدیق ﷺ خلیفهٔ اول مسلمانان به‌خاطر جدا ساختن «زکات» از «نماز» توسط شماری از مردم، اعلان جنگ نمود که بنام جنگهای ردت یاد می‌شود.



۱. معنا ومفهوم «طاغوت» را بیان نمایید.
۲. چرا شخص یهودی نمی‌خواست غرض فیصله به نزد کعب بن اشرف، بزرگ و پیشوای یهودیان مراجعه نماید؟
۳. قبول کردن حکم غیر خدا و پیامبر خدا چه خوانده می‌شود و چه حکم دارد؟
۴. آیات مبارکه یک صفت اساسی منافقین را بیان نموده. این صفت اساسی منافقین کدام است؟ توضیح بدهید.
۵. کسی که تنها حکم خدا را قبول کند، وبه حکم پیغمبر عمل نکند چه حکم دارد؟ به آیات قرآنی و احادیث نبوی استدلال کنید.
۶. هرگاه کسی به برخی احکام اسلام عمل نماید، وبرخی دیگر را قصدا ترک کند چه حکم دارد؟
۷. حضرت عمرﷺ با شخصی که حکم خدا و فیصلهٔ پیامبرش را نپذیرفته بود چگونه برخورد نمود؟



در روشنایی آیات قرآنی و احادیث نبوی راجع به نتایج و پیامدهای منفی تجزیهٔ احکام اسلامی یک مقاله بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

درس نهم

نماز فریضهٔ همیشه گی و انقطاع ناپذیر

قال تعالی: ﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ۝ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۝ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ۝ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۱-۱۰۴]

معنای کلمات

إِذَا ضَرَبْتُمْ: وقتی که سفر کردید.

جُنَاحٌ: گناه

أَن يَفْتِنَكُمْ: اگر برای شما ضرر و اذیت برسانند.

كِتَابًا مَوْقُوتًا : با وقتهای معلوم وتعیین شده.

وَلَا تَهِنُوا: سست وضعیف نشوید.

يَأْلَمُونَ : درد مند می‌شوند.

ترجمه

وهنگامی که سفر کنید در روی زمین، پس گناهی نیست بر شما که قدری از نماز را کوتاه (قصر) نمایید، هرگاه بیم آن داشته باشید که کافران شما را به رنج و هلاکت اندازند، (بدانید که) کافران دشمنان آشکار شمایند. وهرگاه شخص تو (پیامبر) در میان ایشان (سپاه مؤمنان) باشی و نماز برای آنان به پا داری، پس باید بایستد گروهی از آنان باتو، و باید که بر گیرند اسلحهٔ خویش را (آنها با تو مسلح به نماز ایستاده شوند)، و چون سجده به جای آوردند، در پشت سر شما باشند و گروهی که نماز نخوانده بیایند و با تو نماز گزارند و بگیرند لباس جنگ و اسلحهٔ خود را، کافران

آرزو دارند که شما از اسلحه و اسباب خود غفلت کنید تا یکباره بر شما حمله ور شوند. و چنانچه باران یا مرض شما را از برگرفتن سلاح به رنج اندازد باکی نیست که اسلحه را فرو گذارید؛ ولی از دشمن برحذر باشید؛ خدا برای کافران عذابی سخت خوار کننده مهیا ساخته است. پس آن گاه که از نماز فراغت یافتید باز(در همه احوال) ایستاده یا نشسته یا بر پهلو خفته، خدا را یاد کنید، سپس که ایمن شدید در این حال نماز کامل به جای آرید، هر آیینه نماز فرض کرده شده بر مؤمنان در وقت معین. ونباید در کار کفار سستی و کاهلی کنید؛ اگر شما به رنج و زحمت می‌افتید، آن‌ها نیز رنج می‌کشند (با این فرق) که شما به (لطف) خدا امید وارید و آن‌ها امیدی ندارند. و خدا دانا و حکیم است.

تفسیر

جایگاه نماز در اسلام

کلمهٔ نماز [الصلاة] به معنای دعاء می‌باشد، و در شریعت به عبادت مخصوص دارای قیام و رکوع و سجود همراه با دعا ونیایش به درگاه خداوند متعال تعریف گردیده است . نماز رکن دوم اسلام است. خداوند متعال در این فرمودهٔ خود: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...﴾ [البقرة: ٣] برپایی نماز را صفت دوم بندگان مؤمن و متقی بعد از ایمان به غیب قرار داده، آن‌ها را مدح وستایش نموده است. فریضهٔ نماز روزانه پنج بار رابطهٔ مؤمن را با پروردگارش بر قرار می‌سازد. ذکر ادای نماز در قرآن کریم و سنت پیغمبر ﷺ به تعبیر اقامت یعنی "بر پا داشتن" بر دوام و ثبات وهمیشه گی این فریضهٔ اسلامی دلالت می‌کند. به این معنی که فریضهٔ نماز در هیچ حالت قابل ترک و فرو گذاشت نمی‌باشد. اینجاست که قرآن کریم حتا در میدان معرکه و جنگ، بر پایی فریضهٔ نماز را حتمی دانسته، طریقهٔ ادای آن را بیان داشته است؛ زیرا که فریضهٔ نماز به مثابهٔ سلاح مؤمن در میدان جنگ و معرکه می‌باشد. از همین رو، یاران پیامبر گرامی اسلام و مؤمنان راستین با این سلاح وارد معرکه گردیده و بر دشمنان شان غالب می‌شدند!

در این آیات مبارکه، چنانچه معلوم می‌گردد، احکام سفر، مشروعیت قصر نماز، چگونه‌گی ادای نماز در حالت خوف و خطر، فرضیت اوقات نماز واحکام دیگری بیان گردیده است که در همهٔ این حالات پابندی مؤمنان را به عبادت خداوند و ادای نماز، وقت شناسی و استفادهٔ خوب از وقت و جدیت در کار شان نشان می‌دهد. از جملهٔ احکامی که علماء از این آیات گرفته اند به گونهٔ ذیل می‌باشد:

۱. جمهور علماء به این نظر اند که آیهٔ مبارکه مشروعیت نماز قصر در سفر را ثابت نموده است، ومراد از قصر در کمیت وعدد رکعات است، یعنی نماز فرض چهار رکعتی دو رکعت خوانده می‌شود، برابر است که سفر درحالت خوف و خطر باشد ویا مسافرت در حالت امنیت رخ دهد.

۲. در مورد مدت سفر موجب قصر نماز، علما اقوال مختلف دارند، و مطابق مذهب احناف این مدت سه شب و سه روز به راه رفتن عادی تعیین گردیده است.

۳. در مورد نوعیت سفر نیز علما اختلاف نظر دارند؛ در حالی که همه علما در بارهٔ سفرهای جهاد، حج، عمره و مقاصد نیک و نگه‌داری صلهٔ رحمی اتفاق دارند، جمهور علما به این نظر اند که در سفر مباح مانند تجارت و غیر آن قصر نماز جواز دارد؛ اما در سفر معصیت مانند بغاوت و قطاع الطریقی و امثال آن قصر جایز نیست.

۴. در مورد مدت اقامت، مذهب احناف نیت اقامت پانزده روز را موجب اقامت می‌داند؛ اما کمتر از پانزده روز موجب قصر است.

۵. فرضیت نماز در آیهٔ مبارکهٔ ﴿إِنَّ الصلاة كَانَتْ عَلَى المؤمنين كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ با تأکیدات بلاغی و بیانی متعددی وارد گردیده تا مؤمنان در هیچ حالت و شرایطی از ادای این فریضهٔ بزرگ تساهل و تغافل نورزند. ادای نماز بر مسلمانان در اوقات تعیین شدهٔ آن، فرض است که باید در حالت اقامت و سفر وامنیت و خطر ادا شود.

۶. آیات مبارکه، بیان نموده که مؤمنان نباید در برابر دشمنان شان سستی و ضعف نشان بدهند؛ زیرا که دشمنان شان همیشه در صدد ضرر رساندن و نابودی ایشان اند. بناء مسلمانان نیز نباید در این کشمکش و مقابله سست وضعیف شوند؛ زیرا به حکم عقل و مطابق سنت تقابل و تدافع میان حق و باطل، همان طور که مؤمنان به مشکلات و رنج و الم مواجه می‌شوند، دشمنان شان نیز به این رنج و الم گرفتار می‌شوند، بلکه بیش‌تر از مسلمانان سختی و رنج والم را نصیب می‌گردند؛ اما در مقابل این تکالیف، مؤمنان رضای خدا واعلای دین او و اجر و پاداش اخروی را کمایی می‌کنند، در حالی که دشمنان شان جز تحقق خواسته‌های نفس و شیطان و زیان آخرت چیزی به دست نمی‌آورند.

نماز خوف و کیفیت ادای آن

در آیات مبارکهٔ فوق، مشروعیت و کیفیت نماز خوف بیان گردیده است؛ به ترتیبی که هرگاه مسلمانان در حالت جنگ ویا خطر قرار داشته باشند، خداوند متعال به پیغمبر خود امر نموده که یاران خود را به دو گروه تقسیم نماید، گروه اول همراه با اسلحهٔ خود با امامت پیامبر اسلام نماز جماعت را شروع نمایند و گروه دومی برای حفاظت در مقابل دشمن به مراقبت و پهره داری

بپردازند. وقتی یک رکعت نماز خوانده شد گروه نماز گزار بـه جـای گـروه نگهبـان رفتـه، وگـروه نگهبان به عقب پیامبر خدا (امام جماعت کننده گان) آمده همراه با اسلحهٔ خود رکعت دومـی را ادا نموده بعد از سلام دادن امام این گروه بدون سلام دادن به محـل حراسـت برونـد. در ایـن وقـت گروه اولی آمده یک رکعت باقیمانده را بحیث لاحق بدون قـراءت ادا نمـوده بعـد از تشـهد سـلام بدهد، سپس این گروه به محل حراست رفته گروه دومی بر گردد و یک رکعت باقیمانده را بحیـث مسبوق همراه با قراءت ادا نمایند وبعد از خواندن تشهد و درود سلام بدهند؛ البتـه طریقـهٔ مـذکور مطابق مذهب احناف است، ومذاهب دیگر با اندکی تفاوت ترتیب ادای نماز خـوف را بیـان نمـوده اند که تفصیل آن در کتب فقه ذکر گردیده است.

فعالیت

شاگردان تحت رهنمایی معلم طریقهٔ ادای نماز خوف را از نظر برخی مذاهب فقهی دیگر بهحـث و گفتگو نمایند.

فواید و آموختنی ها

آیات مبارکه به فواید و آموختنی‌های زیادی ارشاد نموده که برخی آن از این قرار است:

❖ از جملهٔ فواید و احکامی که علما از این آیات مبارکه گرفته اند، اهمیت نماز جماعت است کـه خداوند متعال مسلمانان را به ادای نماز جماعت امر نموده تا این‌که در حالت آمـادگی درگیـری بـا دشمن قرار داشته باشند.

❖ نماز، رابطه میان بنده و پروردگار است، به همین سبب اسلام پیروان خـود را حتـی در میـدان جنگ به ادای نماز ملزم ساخته است؛ زیرا هرگاه رابطه میان مجاهـد و پروردگـارش درسـت شـود خداوند او را نصرت و کامیابی می‌بخشد.

❖ در حالی‌که دین مقدس اسلام به حفظ رابطه میان بنده و پروردگارش امر نموده، در عین حال به حذر و گرفتن هرگونه وسایل و اسباب دقت و احتیاط و آمادگی تا در داخل نمـاز تأکیـد ورزیـده است.

❖ اسلام پیروان خود را با تربیهٔ روحی و عقلی وجسمی بار مـی‌آورد، هرگـاه مطـابق ایـن تربیـه عمل نمایند موفقیت و کامیابی در دنیا، و سعادت و درجات عالی را در آخرت کمایی می‌کنند.

❖ نماز در همه ارکان و شروط و آدابش مظهر طهارت و پـاکی، نظـم و انسـجام، وقـت شناسـی وجدیت و دقت و پابندی در زنده گی مؤمنان است.



۱. معنای کلمات زیر را توضیح بدهید:

(إِذَا ضَرَبْتُمْ- أَن يَفْتِنَكُمُ- كِتَابًا مَوْقُوتًا- وَلَا تَهِنُوا- يَأْلَمُونَ)

۲. مدت سفری که موجب قصر خواندن نماز می‌گردد، از نظر مذهب احناف چه مدت است؟

۳. حکمت قصر خواندن نماز و افطار روزه در سفر از نظر دین مقدس اسلام چیست؟

۴. در کدام حالتها مسلمانان به ادای نماز خوف مکلف می‌شوند؟

۵. خواندن نماز خوف در شریعت اسلامی به چه چیزی دلالت می‌کند؟



شاگردان با استفاده از آیات و احادیث در مورد اهمیت نماز و فواید آن مقالـه یـی بنویسـند کـه از پانزده سطر کم نباشد.

درس دهم

جهاد ، رمز پیروزی و اصلاح جامعه

قال تعالی: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ۞ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۞ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [الحج: ۳۹-۴۱]

معنای کلمات

بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا: به سبب این‌که مورد ظلم قرار گرفتند.

بِغَيْرِ حَقٍّ: بدون سبب که مستوجب اخراج شان باشد.

صَوَامِعُ: جمع صومعه، معابد خاص راهبان.

بِيَعٌ: جمع بیعه، کلیساهای نصارا.

صَلَوَاتٌ: معابد یهودیان.

مَسَاجِدُ: مساجد مسلمانان.

لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ: توانا و غالب است.

إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ: هرگاه آن‌ها را پیروز سازیم وقدرت بخشیم در زمین.

ترجمه

دستور جهاد داده شد، آنانی را که کفار با آنان جنگ می‌کنند، زیرا بر آنان ستم شده و هر آیینه خداوند بر یاری (نصرت) آن‌ها توانا است. آنانی‌که که به ناحق از خانه‌های شان آواره کرده شدند جز آن‌که می‌گفتند: پروردگار ما الله است. و اگر خدا دفع بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا خراب و ویران شود صومعه‌ها (خلوت خانه‌های رهبانان) و دیرها (عبادت خانه‌های نصارا) و کُنِشت‌ها(عبادت خانه‌های یهودان) و مساجدی که در آن ذکر خدا بسیار می‌شود. و هر آیینه خداوند یاری میدهد کسی را که او یاری دهد خدای را (نصرت دهد دین او را)، که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است. (آنان که خدا را یاری می‌کنند) آن‌هایی هستند که اگر در روی زمین به آنان

اقتدار و تمکین دهیم نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف ونهی از منکر مـی‌کننـد و عاقبت کارها به دست خداست.

تفسیر

مشروعیت جهاد در اسلام

مفسرین گفته اند: آیات مبارکۀ فوق، اولین آیاتی اند که در مشروعیت جهاد نازل گردیده اند. وقتی که پیامبر اسلام ﷺ در مکه بود، مشرکین گروه کوچک مسلمانان را به شدید ترین صورت تعـذیب و شکنجه می‌نمودند. یاران پیغمبرﷺ لت و کوب شده و زخمی به نـزد وی مـی‌آمدنـد ومظلومیـت خود را به رسول خدا عرض می‌نمودند؛ اما پیامبرﷺ به ایشان می‌فرمـود: صـبر و شـکیبایی پیشـه کنید؛ زیرا من به جنگ مأمور نشده ام، تا این‌که پیامبرﷺ هجرت نمود، وآیۀ مبارکه نازل گردید.

در این آیۀ مبارکه، علت اذن جنگ برای مسلمانان، مظلوم قرار گرفتن شان بیـان گردیـده اسـت؛ بناءً خداوند، به آن‌ها دستور داد تا برای دفاع از خود، مال و وطن شان جهاد نماینـد. پـس خداونـد متعال جهاد را در وقت مناسب آن فرض گردانید؛ زیرا هرگـاه مؤمنـان در مکـه بـه جنـگ مـأمور می‌گردیدند، در حالی که مشرکین از کثرت و قوت برخور دار بودند، برای مسلمانان مشقت بود؛ اما وقتیکه در مدینه مستقر گردیدند، ومرکزی را تشکیل دادنـد، خداونـد متعـال حکـم جهـاد را نـازل فرموده مؤمنان را به دفاع از خود امر کرد وبه کامیابی شان وعده و تأکید نمود.

سنت تدافع برای منع فساد در روی زمین

خداوند متعال مؤمنان را به جهاد ترغیب نموده، بیان می‌دارد که این جهاد و مقابله در برابر ظالمان و برای دفاع از خود، سنت خداوند است که نظام و مصلحت جهان تقاضای آن را دارد؛ زیرا هرگـاه دست ظالمان از ظلم و تجاوز بر مظلومان گرفته نشود، فساد در روی زمین انتشار مـی‌یابـد. بنـابر این، اگر مؤمنان به جهاد و جنگ در برابر ظلم و تجاوز مشرکین نپردازنـد، مشـرکان بـیش‌تـر بـه سرکشی وفساد رو می‌آورند وعبادتگاه‌ها و اماکن خیر و نیکی تخریب می‌گردد. پس جهاد در برابـر ظالمان، مانع اختلال نظم جهان و مانع گسترش فساد در روی زمین است.

در این آیۀ مبارکه، مشروعیت جهاد برای دفاع از حقوق همۀ انسان‌ها و همۀ ادیان ذکـر گردیـده، وخداوند متعال اماکن عبادت ادیان دیگر را بر اماکن مسلمانان مقدم ساخته تـا فهمیـده شـود کـه جهاد در اسلام تنها برای حفاظت مسلمانان نبوده؛ بلکه برای دفاع از همـه انسـان‌هـای مظلـوم و برای حفاظت از حقوق معنوی و دینی صاحبان دیگر ادیان نیز می‌باشد.

مبانی و اساسات اصلاح جامعه

آیات مبارکهٔ فوق، مهم‌ترین مبانی و اساسات اصلاح و قوت جامعهٔ اسلامی را بیان نموده و تأکید می‌کند که مؤمنان صادق وبنده گان راستین خداوند آنانی اند که خدا را عبادت می‌کنند و در صورتی‌که مورد ظلم و تجاوز قرار بگیرند حق دارند در برابر ظالم و متجاوز به پا خاسته از خویشتن ومقدسات خویش دفاع نمایند. بر اساس این آیات کریمه و سایر نصوص قرآن و سنت، جنگ مسلمان به‌خاطر تحقق خواست‌ها و منافع شخصی نبوده؛ بلکه برای اهداف عالی و نجات-بخشی چون دفاع از ارزش‌های حق و عدالت، یاری مظلومان و مستضعفین، و منع تجاوز و تعدی بر دیگران و بر داشتن موانع از سر راه دعوت اسلام است.

هرگاه مسلمانان با توفیق و یاری پروردگار خود بر سر زمینی حاکم شوند، مسؤولیت تطبیق و عملی ساختن مبادی و اساسات اصلاح در جامعه را به عهده دارند تا جامعه را بسوی خیر و فلاح رهبری نمایند. خداوند متعال در این آیات مبارکه، مؤمنان را متوجه مسؤولیت‌های اصلاحی شان ساخته و می‌فرماید که مؤمنان خدا را یاری می‌کنند و خدا آن‌ها را یاری می‌کند، وقتی‌که خدا آن‌ها را بر دشمنان شان نصرت بخشیده و بالای زمینی حاکم سازد، شکر خدا را به‌جا می‌آورند، و با اظهار عجز واخلاص نماز را بر پا می‌دارند، و زکات اموال شان را به محتاجان و نیازمندان می‌پردازند، و دیگران را به نیکی‌ها و خوبی‌ها فرا می‌خوانند و از بدی‌ها و زشتی‌ها باز می‌دارند، و باز گشت و مآل همه به‌سوی پروردگار یکتا است که هر کسی را مطابق آنچه سزا وار است پاداش خواهد داد.

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکهٔ درس از این قرار است:

❖ مشروعیت جهاد و جنگ به‌خاطر اعلای دین خداوند متعال، تا این‌که انسان‌ها تنها خدای واحد و یگانه را عبادت کنند، و بنده گان مؤمن و دوستان خدا مورد ظلم و تجاوز قرار نگیرند.

❖ خداوند متعال در این آیات مؤمنان صادق و راستین را به کامیابی و نصرت خود وعده داده است.

❖ خداوند متعال فرجام اهل کفر و خیانت و ظلم را به شکست و ناکامی وعده داده، آن‌ها را مورد عذاب و غضب خود قرار داده است.

❖ جهاد برای دفاع از مظلومان فرض گردیده، تا انسان‌ها به‌خاطر عقیده و عبادت شان مورد شکنجه وآزار قرار نگیرند.

❖ مسؤولیت حکومت اسلامی است تا مبانی اصلاحی در جامعه را تطبیق کند که در رأس این وظایف: بر پا داشتن نماز، ادای زکات، امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد.



۱. کلمات و مفردات زیر را توضیح دهید:

(بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا - صَوَامِعُ - بِيَعٌ- صَلَوَاتٌ- مَكَّنَّاهُمْ فِى الْأَرْضِ)

۲. دلیل مشروعیت جهاد برای مسلمانان را در روشنایی آیات مبارکه توضیح بدهید.

۳. وظیفۀ جهاد در دفاع از آزادی مسلمانان وغیر مسلمانان چیست؟ آن را به اساس آیـات مبارکـۀ این درس تشریح نمایید.

۴. وظایف و مسؤولیت‌های اساسی حکومت اسلامی در جامعه، چیست؟ به آیات فوق استشهاد نمایید.

۵. فریضۀ امر به معروف و نهی از منکر، در اصلاح جامعه چه نقش دارد؟ توضیح بدهید.



راجع به فریضۀ امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در اصلاح جامعه، مقاله یی بنویسـید کـه کمتر از ده سطر نباشد.

درس یازدهم

روزه و فواید آن

قال تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۞ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۞ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۞ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳-۱۸۶]

معنای کلمات

كُتِبَ: حکم شد، فرض گردانیده شده.

الصِّيَامُ: روزه

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ: روزهای معین

الْيُسْرَ: آسانی

الْعُسْرَ: سختی

أُجِيبُ: می‌پذیرم، اجابت می‌کنم

يَرْشُدُونَ: هدایت شوند، راهیاب شوند.

ترجمه

ای اهل ایمان، روزه بر شما فرض گردید چنانکه بر امتهای گذشته فرض شده بود ، تا باشد که پرهیز گار شوید. روزهایی به شمارهٔ معین روزه دارید و هر کسی از شما مریض باشد یا مسافر، به شمارهٔ آن از روزهای دیگر(غیر ماه رمضان) روزه دارد، وکسانی که روزه را به زحمت توانند، داشت عوض هر روز فدیه دهند، آن قدر که خوراک یک فقیر است، و هر کس بر نیکی بیفزاید آن برای

او بهتر است. و روزه داشتن برای شما بهتر است، اگر بدانید. ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن برای هدایت بشر و برای (بیان) رهنمایی روشن و جدایی حق از باطل نازل شده است، پس هر که دریابد ماه رمضان را باید آن را روزه بدارد، و هر که مریض یا در سفر باشد از ماه‌های دیگر روزه دارد، که خداوند می‌خواهد برای شما آسانی و نمی خواهد برای شما دشواری، و می‌خواهد تا عدد روزه را تکمیل کرده و خدا را به عظمت یاد کنید که شما را هدایت فرمود، باشد که سپاسگزار شوید. و چون بنده گان من (از دوری و نزدیکی) من از تو پرسند، (بدانند که) من به آن‌ها نزدیکم، هرگاه کسی مرا خواند دعای او را اجابت کنم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من بگروند، باشد که راه یابند.

تفسیر

فرضیت روزه

روزه، در اصطلاح شرعی عبارت از امساک و خود داری از اشیای مخصوص، به طریقهٔ مخصوص، در زمان مخصوص و به صفات مخصوص تعریف گردیده است.

روزه به حیث یک رکن تعبدی و برنامهٔ تربیتی، برای تهذیب روح و تزکیهٔ نفس در همه ادیان الهی گذشته وجود داشته است؛ اما به کیفیت‌های مختلف، به طور مثال گاهی به شکل امتناع مطلق از طعام ویا خود داری از خوردنی‌های معین، مانند روزهٔ نصارا، ویا به اشکال دیگر که از تفاصیل آن چیزی نمی دانیم؛ زیرا نصوص صحیح در بارهٔ جزئیات و چگونه گی روزهٔ امت‌های گذشته معلومات بیش‌تر ارایه نمی کند. فریضهٔ روزهٔ ماه مبارک رمضان با شرایط و آداب، در دین مقدس اسلام از هر لحاظ کاملترین انواع و اشکال روزه بوده که خداوند متعال، آن‌را برای امت پیامبر خاتم حضرت محمدﷺ بر گزیده است. خداوند متعال، از وجود روزه در ادیان و امت‌های گذشته خبر داده تا امت پیغمبر اسلام ﷺ به حیث امت خاتم و امت برتر در ادای این حکم خداوند متعال با عزم و ارادهٔ قوی عمل نماید و با کسب تقوا و ترس خدا، درجه‌های عالی و رضای او تعالی را کمایی نماید.

مفسرین گفته اند: روزه مانند بیش‌تر احکام اسلامی به تدریج فرض گردیده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در ابتدا، به مسلمانان هدایت دادند تا در هر ماه سه روز روزه بگیرند که این روزهٔ فرضی نبود. سپس در سال دوم هجرت فرضیت روزه در آیات مبارکهٔ فوق نازل گردید؛ اما کسانی که گرفتن روزه برایشان دشوار تمام می‌شد، می‌توانستند به‌جای هر روزه، یک فقیر را طعام بدهند. سپس حکم قطعی گرفتن روزه نازل گردید تا همه مسلمانان روزهٔ ماه مبارک رمضان را بگیرند؛ اما مریضان، مسافران، زنان حامله و شیر دهندهٔ کودکان و دارنده گان این قبیل عذرهای شرعی

رخصت یافتند تا روز هایی را که از رمضان افطار نموده بودند، به‌جای آن در روزهای غیر رمضان روزه بگیرند.

روزه، یکی از ارکان اسلام است. رسول الله ﷺ می‌فرمایند: "بُنِيَ الإِسْلاُم عَلَى خَمْسٍ شَهَادَة أَنْ لاَ إِلَه إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّه وَإِقَام الصَّلاَة وَإِيتَاءِ الزَّكَاة وَحَجِّ الْبَيْت وَصَوْم رَمَضَانَ" [۱] یعنی دین اسلام بر پنج رکن بنا یافته است: شهادت براینکه غیر از الله هیچ معبود بر حقی نیست، و محمد ﷺ فرستاده و پیامبر اوست، برپایی نماز، پرداختن زکات، ادای حج بیت الله وروزهٔ ماه رمضان.

در آیات مبارکه، بر فضایل مختلف ماه مبارک رمضان به‌حیث ماه نزول قرآن تأکید گردیده؛ سپس خداوند متعال، مظاهر نعمت و رحمت بالغهٔ خود را شامل حال مؤمنان گردانیده، برای سهولت و آسانی در دین، رخصت نگرفتن روزه را برای مریضان و مسافران بیان می‌کند و احکام تفصیلی آن را فقهای کرام تشریح و توضیح نموده اند. در این آیات مبارکه همه مسلمانان با رسیدن ماه رمضان به گرفتن روزه مأمور و مکلف گردیده اند، وبدون عذر شرعی سهل انگاری در گرفتن روزه مستوجب زیان دنیا و آخرت می‌گردد؛ چنانچه در یک حدیث شریف به روایت ابوهریره رضی الله عنه پیامبر گرامی ﷺ فرموده: "من أفطَر يوما من رمضانَ، من غيرِ رُخْصَة، ولا مرض، لم يقْضِه صومُ الدهرِ كُلِّه، وإن صامَهُ " [۲]. یعنی: کسی یک روز از رمضان را بدون رخصت ویا مریضی افطار کند، اگر همه سال را روزه بگیرد، از وی قبول نخواهد شد واجر و ثواب آن روز را نخواهد یافت.

آسانی احکام دین اسلام

در آیت مبارکه تصریح شده است که: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ یعنی خداوند جل جلاله برای شما آسانی را می‌خواهد نه سختی و مشقت را.

در این آیت کریمه، خداوند مهربان وکریم برای مریض و مسافر و افراد مسن در احکام روزه تخفیف و آسانی آورده است. برای مریض و مسافر اجازه داده شده تا به سبب مریضی یا مشقت و سختی سفر در روزهای رمضان افطار نموده و روزهایی را که روزه نگرفته اند پس از رمضان روزهٔ قضایی به‌جا بیاورند. هم‌چنان افراد مسن وسالخورده که روزه داشتن برای شان مشکل باشد، اجازه دارند تا به عوض هر روز روزهٔ رمضان برای فقیری طعام بدهند.

۱- صحیح البخاری.

۲- صحیح ابن خزیمه.

این گونه احکام شرعی که برای مکلفین در آن تخفیف آمده است در شریعت اسلامی به‌نام "رخصت" یاد می‌شود و در مقابل آن به حکم عادی که در آن ضرورت تخفیف نباشد "عزیمت" گفته می‌شود. باید دانست که رخصت و عزیمت در احکام شرعی هردو ازجانب شارع یعنی خداوندﷻ و پیامبر ﷺ است، ومانند پابندی به عزیمت، استفاده از رخصت‌ها و آسانی‌های دین نیز یک کار شرعی بوده و کسی که به آن عمل می‌کند مستحق اجر و پاداش می‌باشد. پیامبرﷺ در حدیث صحیحی که حضرت عبد الله بن عمر رضي الله عنهما روایت کرده است در مورد استفاده از رخصت‌ها در مسایل شرعی فرموده اند: "إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخَصُهُ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ " [(١)] یعنی خداوند دوست دارد تا رخصت‌های او به‌جا آورده شوند همان طوری که دوست دارد تا به عزیمت‌های او عمل شود. احکام رخصت‌های شرعی را نصوص قرآن کریم وسنت نبوی تعیین نموده، شروط و ضوابط استفاده از آن‌ها در کتب فقه به تفصیل موجود می‌باشد.

وجود رخصت در احکام شرعی به اعتدال و آسانی احکام دین اسلام دلالت نموده و تاکید می‌نماید که اسلام دین فطرت است ودر احکام شریعت اسلامی چیزی نیست که با فطرت انسان یعنی، تکوین و ساختار جسمی و روحی او در تضاد بوده از توان و طاقت بشری بالا باشد ویا باعث وقوع انسان در سختی و مشقت شود، چنانچه خداوند متعال در اثنای بیان احکام طهارت می‌فرماید: ﴿مَا يُرِيدُ اللهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِنْ حَرَجٍ﴾ [المائدة: ٦]. یعنی: خداوند نمی خواهد بالای شما مشقت و سختی بیاورد. ودر جای دیگری به ارتباط آسانی دین اسلام می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾ [الحج: ٧٨]. یعنی: خداوند در دین اسلام، هیچ سختی و مشقتی بر شما نگذاشته است .

در فقه واصول فقه قاعده یی وجود دارد که می‌گوید: "المشقة تجلب التيسير" یعنی: مشقت و سختی آسانی بار می‌آورد، به این معنی که هرگاه در تطبیق حکمی از احکام شریعت سختی و مشقت باشد سختی و مشقت مذکور آسانی و رخصت را به دنبال دارد.[٢] اجازهٔ افطار در ایام ماه مبارک رمضان، برای افراد مریض، مسافر و بزرگسالان ضعیف، و قصر نماز در سفر، هر کدام مثال‌های عملی این قاعدهٔ فقهی اند. فقهاء می‌گویند که آیت مبارکهٔ ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ همراه با آیات دیگری که ذکر شد اساس و بنیاد قاعدهٔ فقهی (المشقة تجلب التيسير) یعنی مشقت و سختی آسانی بار می‌آورد را تشکیل می‌دهند [(٣)]

١- مسند امام احمد ابن حنبل، صحيح ابن حبان.

٢- الأشباه والنظائر للحنفي ج١/ ٩٦.

٣- الأشباه و النظائر للحنفي ج١/ ص ٩٦.

حضرت پیامبر اکرم ﷺ با تعبیر شیوای شان دین اسلام را آسان توصیف فرموده، می‌گویند : «الدین یسر...»[1] یعنی: دین آسانی است. و در حدیث صحیحی که حضرت أنس بن مالک روایت نموده به مسلمانان چنین دستور می‌دهند: «يَسِّرُوا وَلاَ تُعَسِّرُوا، وَبَشِّرُوا وَلاَ تُنَفِّرُوا...»[2] یعنی آسانی کنید و سختی نکنید، و مردم را در امور دین بشارت و مژدهٔ نیکو بدهید و آنان‌را از دین متنفر نسازید، در روایت دیگر آمده است که رسول الله ﷺ این حدیث را سه بار تکرار فرمودند که بر تأکید شدید مطلب، یعنی آسانی دین اسلام، سختی نکردن و عدم غلو در احکام شریعت، معاملهٔ نیک با مردم و مژده و بشارت دادن به آنان در مورد دین و اجتناب از قول و فعلی که موجب تنفر و بد بینی مردم در بارهٔ دین و احکام آن می‌شود، دلالت می‌کند[3]

از سیرت عملی رسول الله ﷺ نیز ثابت است که آن حضرت ﷺ همواره آسانی در کارها را ترجیح می‌دادند، حضرت عائشه رضی الله عنها در وصف رسول الله ﷺ چنین می‌فرماید: «مَا خُيِّرَ رَسُولُ الله صلى الله عليه وسلم، بَيْنَ أَمْرَيْنِ إِلاَّ أَخَذَ أَيْسَرَهُمَا، مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا فَإِنْ كَانَ إِثْمًا كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ...» [4] یعنی: هیچ گاهی رسول خدا ﷺ در گزینش یکی از دو چیزی که گناه نبوده، مخیر نشده اند؛ مگر اینکه آسان تر آن دو را بر گزیده اند؛ اما اگر گناهی درآن چیز بود آن حضرت ﷺ دور ترین مردم از آن بودند.

بنابر آیت متبرکهٔ بالا و آیات و احادیثی که در تفسیر آن آورده شد، واضح می‌شود که اسلام دین فطری و آسان بوده و همین آسانی همراه با سایر خصایص اسلام سبب شده است تا احکام و ارزش‌های آن کهنه نشده در هر زمان و مکان و تا روز قیامت، برای همه نسل‌های بشر قابل پذیرش وتطبیق باشد.

منزلت روزه داران در نزد خداوند

خداوند متعال، به روزه داران راستین و مؤمن که از حلاوت و سعادت روزه بهره مند گردیدند وبه اوامر وفرایض او تعالی التزام ورزیدند واز نواهی او اجتناب نمودند، بشارت می‌دهد که اگر آن‌ها به خدا رجوع نموده ونیازمندی‌های خود را از او طلب کنند، پروردگار مهربان به آن‌ها نزدیک بوده طلب و دعای ایشان را رد نخواهد کرد. چنانچه فرمود: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ﴾

۱- صحیح البخاری.

۲- صحیح البخاري.

۳- مصنف ابن أبي شيبة.

٤- متفق علیه.

در این آیهٔ مبارکه خداوند متعال، به پیامبر خود خطاب نموده که هرگاه مؤمنان در بارهٔ دوری و نزدیکی من از تو بپرسند، پس من به ایشان نزدیک هستم، اجابت می‌کنم هر دعایی را که از قلب سالم و نفس پاک صادر گردد.

بعضی از علمای تفسیر گفته اند: با وجود این‌که این آیت جواب سؤال مؤمنان است ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي﴾ در آغاز آن برخلاف عادت قرآن کریم در موارد مشابه کلمهٔ قل (بگو ای محمد) نیامده است؛ زیرا خداوند متعال خودش - بدون امر به پیامبرش با لفظ (**قل**) یعنی بگو- به جواب سؤال بنده‌گانش پرداخته و فرموده است که ﴿فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ یعنی من نزدیکم، تا قرب و نزدیکی شدید خود را به بنده گانش نشان دهد که میان دعای بندهٔ مؤمن و پروردگارش هیچ واسطه و حایلی وجود ندارد. [۱]

قربت خداوند در آیت، به معنای قربت و نزدیکی مکانی با بنده گان نیست؛ زیرا قربت و نزدیکی مکانی خدا با بنده، محال می‌باشد. معنای نزدیکی الله متعال با بنده گان نزدیکی خداوند به ایشان با علم، قدرت، رحمت و اجابت دعای آنان است[۲] چنانچه خداوند در آیت دیگری از قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ [سورة ق: ١٦] ترجمه: هر آیینه ما آفریدیم انسان را، ومیدانیم آنچه را که می‌گذرد در نفس او، وما از شاهرگ گردن به او (انسان) نزدیکتریم. جملهٔ ﴿فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ کمال علم خداوندی را بر گفتار و کردار بنده گان نشان می‌دهد به این معنی که هیچ قول و عمل انسان، از علم الله متعال پوشیده نیست.

روزه و قبول دعا

آخرین آیتی را که درین درس می‌خواهیم، تفسیر کنیم این قول الله متعال است: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ یعنی: و چون بنده گان من (از دوری و نزدیکی) من از تو پرسند، (بدانند که) من به آن‌ها نزدیکم، هرگاه کسی مرا خواند دعای او را اجابت می‌کنم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من بگروند، باشد که راه یابند.

مفسر شهیر امام بیضاوی، در وجه ارتباط این آیت به آیات ماقبل که دربارهٔ روزه است، چنین می-گوید: "چون در آیات قبلی خداوند مؤمنان را به روزه گرفتن ماه رمضان و پوره کردن آن و

۱- التفسیرالوسیط للطنطاوي، تفسیر آیت۱۸٦ سوره‌ء البقرة.

۲- مأخذ سابق.

همچنان به شکر گزاری خداوند و اقرار به بزرگی و عظمت او امر کرد، درین آیت ایشان را متوجه ساخت که او تعالی از احوال بنده گان آگاه بوده و سخنان آنها را میشنود و دعای شانرا اجابت میفرماید." [1]

امام ابن کثیر مناسبت واقع شدن این آیت را که مربوط به دعاست در میان آیات مرتبط به روزه این طور میداندکه خداوند متعال میخواهد بنده گانش را به سوی کوشش در دعا و تضرع بعد از تکمیل روزۀ رمضان ودر وقت افطار روزه، رهنمایی کند. [2]

احادیث زیادی از رسول الله ﷺ در مورد قبول شدن دعای شخص روزه دار چه در جریان روزه وچه در وقت افطار، روایت شده است.

حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت میکند که : **"سَمِعْتُ رَسُولَ الله صَلَّى الله عَلَيه وسَلَّم يَقُولُ: لِلصَّائِمِ عِنْدَ إِفْطَارِهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ فَكَانَ عَبْدُ الله بْنُ عَمْرٍو إِذَا أَفْطَرَ دَعَا أَهْلَهُ وَوَلَدَهُ وَدَعَا"** [3]

از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: "دعای روزه دار در وقت افطار مستجاب است". حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما در وقت افطار همسر و فرزندان خود را در یکجا جمع نموده و باهم دعا میکردند. در حدیث دیگری از رسول الله ﷺ نقل شده که فرمود: " **إِنَّ لِلصَّائِمِ عِنْدَ فِطْرِهِ دَعْوَةً مَا تُرَدُّ** "[4] یعنی روزه دار را در وقت افطار دعایی است که رد نمی شود. درحدیثی دیگر رسول الله ﷺ میفرمایند: **"ثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُم الإِمَامُ الْعَادِلُ وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفْطِرَ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ...** " [5] یعنی: دعای سه کس رد نمی شود: دعای امام و زمامدار عادل، دعای روزه دار تا وقتی که افطار کند، و دعای شخص مظلوم.

پس بر انسان روزه دار لازم است تا با استفاده از برکتهای ماه رمضان وعبادت روزه در نیایش ودعا سعی و کوشش جدی نموده در طلب آرزوها و مقاصد نیک خویش از بارگاه الهی که قاضی الحاجات (بر آورندۀ ضرورتهای نیازمندان) است، سستی و تقصیر نکند.

فعالیت

شاگردان تحت رهنمایی استاد راجع به فواید روحی وصحی روزه نظریات خود را ارایه نمایند.

فواید و آموختنیها

١- حاشية شيخ زاده على تفسير البيضاوي، ج١/٤٩٥.

٢ - تفسير ابن كثير، ج٢/ ص ١٩٣.

٣- مسند أبو داؤود الطيالسي،حديث ٢٢٦٢.

٤- سنن ابن ماجه ، كتاب الصوم، حديث ١٧٥٣. والمستدرك للحاكم ج١/ ص ٤٢٢.

٥- المسند للإمام أحمد بن حنبل، ج٢/ ص ٤٤٥،سنن الترمذي ، كتاب الدعوات ،حديث٣٥٩٨، سنن النسائي،حديث ١٧٥٢.

امام فخر رازی دلایل و مظاهر فضل و رحمت خداوند متعال را در بارهٔ روزهٔ ماه مبارک رمضان چنین خلاصه نموده است:

❖ این فریضه تنها برای امت پیغمبر اسلام ﷺ فرض نگردیده؛ بلکه بالای امت‌های پیشین نیز فرض گردیده بود؛ پس هر حکمی که عمومیت داشته باشد، اجرای آن نیز عام و آسان خواهد بود.

❖ خداوند متعال فریضهٔ صیام و یا رمضان را سبب حصول تقوا گردانید که هرگاه این فریضه نمی‌بود، به‌دست آوردن فضیلت بزرگ تقوا منتفی می‌گردید.

❖ این فریضهٔ بزرگ را در روزهای معدود ویا معین خلاصه نمود؛ که هرگاه برای همیش ویا اکثریت اوقات زمان می‌بود، حتما برای مؤمنان مشقت آور بود.

❖ ماه رمضان را از بهترین ماهها گردانید، و قرآن کریم را در این ماه نازل نمود.

❖ مشقت و تکلیف گرفتن روزه را از سر مسافران و مریضان بر طرف ساخته، ادای آن را برای روزهای راحت و آسوده گی شان مبدل گردانید.



۱. در بارهٔ جایگاه و فرضیت روزه ماه رمضان در روشنایی درس توضیح بدهید.
۲. فرق میان روزه در دین مقدس اسلام و امت‌های قبلی را مختصر تشریح نمایید.
۳. چه کسانی از رخصت در روزهٔ رمضان استفاده کرده می‌توانند ؟
۴. کسانی که روزهٔ رمضان را نظر به عذرهای شرعی افطار نمایند، چه باید انجام دهند؟
۵. اگر کسی بدون عذر شرعی روزهٔ رمضان را ترک کند، بالای وی چه حکم جاری می‌شود؟
۶. آیت اخیر درس به چه دلالت دارد؟ مختصر توضیح بدهید.
۷. برخی مظاهر و دلایل فضل و رحمت خداوند برای مؤمنان در روزهٔ رمضان را تشریح کنید.



راجع به آثار روزهٔ رمضان در زنده گی فردی و اجتماعی یک مقاله بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

درس دوازدهم

حج یا کنگرهٔ جهانی مؤمنان

قال تعالی: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ۞ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ۞ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ۞ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ۞ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ [الحج: ۲۶-۳۰]

معنای کلمات

بَوَّأْنَا: تعیین نمودیم و مهیا ساختیم.

وَأَذِّنْ: اعلام کن.

رِجَالًا: پیاده.

ضَامِرٍ: لاغر و ضعیف ناشی از سفر و گرسنگی.

فَجٍّ عَمِيقٍ: راه‌های دور، گوشه و کنار.

لِيَقْضُوا: پاک بسازند، دور کنند.

تَفَثَهُمْ: چرکها و نا پاکیهای شان را.

الْعَتِيقِ: قدیم، ویا آزاد و در امان از تسلط جباران.

ترجمه

و یاد کن آن وقتی را که ما معین کردیم برای ابراهیم جای خانهٔ کعبه را، (وگفتیم) که با من هیچ کس را شریک و انباز نگیر و خانهٔ مرا برای طواف کننده گان و استاده گان (برای نماز) و رکوع و سجده کننده‌گان پاکیزه دار. و اعلام کن در میان مردمان به حج تا بیایند نزد تو (برای ادای حج) پیاده و سواره بر شتران لاغر اندام تیز رو از هر راه دور. و حضور یابند بر سر منافع خود و یاد کنند

نام خدا را در ایامی معین (ایام تشریق) بر آنچه آن‌ها را ازچارپایان مواشی روزی داده است (برای قربانی کردن). پس بخورید از آن و فقیران بیچاره را نیز طعام دهید. باز باید دور کنند چرک‌های تن شان‌را، و به هر نذر و عهدی که کردند، وفا کنند و طواف را گرد خانۀ قدیم (کعبه) به جای آرند. این است (احکام حج) و هرکس که بزرگ شمارد شعائر خدا را این بهتر است برای او در نزد خدا. و حلال شد برای شما چهار پایان غیر آنچه خوانده خواهد شد بر شما، پس از پلیدی بتها اجتناب کنید و از گفتار دروغ دوری گزینید.

تفسیر

اساس و مقصد بنای کعبه

آیات مبارکه، بیان می‌دارد که کعبۀ مشرفه بر اساس و قاعدۀ توحید بنا یافته، وغرض ومقصد بنای آن عبادت خداوند یکتا بوده است؛ پس از همان لحظۀ اول، خداوند متعال محل بنای کعبه را به خلیل خود ابراهیم عليه السلام معلوم نمود و به وی دستور داد تا اساس کعبه را بر توحید خالص و عبادت او تعالی گذاشته، و آن را از تمام شوائب شرک وگمراهی و پلیدی‌های ظاهری و معنوی پاک و مبرا سازد، چنانچه فرمود: ﴿أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا﴾.

سپس خداوند متعال به نبی خود، ابراهیم عليه السلام دستور داد تا بعد از تکمیل بنای کعبه به بنده‌گان خداوند اعلام نماید تا به حج کعبۀ مشرفه بیایند. و آنگاه وی خواهد دید که بنده‌گان مؤمن خدا از هر گوشه و کنار زمین، پیاده و سواره و در هر عصر و زمان با وسایل دست داشتۀ خود به قصد حج خانۀ خدا سرازیر خواهند گردید و تا روز قیامت این حرکت و تلاش دوام خواهد نمود.

ابن کثیر در نفسیر خود می‌گوید: زمانی‌که ابراهیم عليه السلام کعبه مشرفه را بنا نمود، خداوند به وی دستور داد تا مردم را برای حج بیت الله شریف دعوت نماید. ابراهیم عليه السلام گفت: پروردگارا! من چگونه مردم را به حج بیت تو دعوت نمایم، در حالی‌که آواز من به گوش همه نخواهد رسید. برایش گفته شد که تو اعلام کن، و رساندن آن را به ما بگذار. ابراهیم عليه السلام اعلام نموده مردم را به حج بیت الله الحرام فرا خواند، و خداوند متعال این اعلام ابراهیم عليه السلام را به همه نقاط زمین رساند، وهمه موجودات ندای: "لبيك اللهم لبيك" سر دادند. [1] مطابق به این وعدۀ خداوند متعال

۱- تفسیر ابن کثیر ج۱۰ /۴۲.

قلب‌های ملیون‌ها انسان در گوشه و کنار دنیا به سوی کعبهٔ مشرفه می‌تپد و با مشـاهده و طـواف بر آن منور می‌گردد که این حرکت تا روز قیامت ادامه خواهد یافت.

حج موسم خیر و برکت و منفعت

آیات بالا، در بارهٔ حج و بعضی شعائر مربوط به آن مـی‌باشـد. حـج پنجمـین رکـن اسـلام و یکـی از مهم‌ترین شعائر این دین بزرگ و انسان ساز است. حج بیت الله شـریف، بـالای هـر مسـلمان مکلـف که توانایی جسمی و مالی داشته باشد، فرض می‌باشد. ملیون‌ها مسلمان از اطراف و اکنـاف دنیـا همـه ساله یکبار در اجتماع با شکوه و ایمانی حج با لباس سفید و یکرنـگ احـرام و بـا قلـب‌هـای آگنـده از ایمان و خلوص با یـک صـدای (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لا شَرِيكَ لَكَ) "ما حاضریم بار الها ما حاضریم، تو شریک نداری، مـا حاضـریم، بـدون شـک همهٔ ثنا و صفت‌های نیکو و تمام نعمت‌ها و پادشـاهی از آن توسـت ، تـرا هـیچ شـریکی نیسـت" در یک زمان و در یک مکان گرد آمده وحدت و یکپارچه‌گی امت اسلامی را تمثیل می‌کنند.

عبادت حج، مظهر برابری و مساوات در میان بشر است. درین عبادت انسان سـاز ،ملیونهـا انسـان اعم از زن ومرد، از مناطق مختلف دنیا، با زبان‌های مختلف، رنگ‌های مختلف، از اقوام و نژادهای گوناگون؛ اما با لباس واحد و ندای واحد، در زمان ومکان واحد، به عبادت خدای واحد می‌پردازند و برابری انسان‌ها را در بزرگ ترین تجمع بشری جهان به نمایش می‌گذارند.

حج برای فرد سبب مغفرت گناهان شده و پاداش آن رفتن بـه بهشـت اسـت. پیـامبر ﷺ فرمـوده است: «الحجُ المَبرورِ لَيسَ لَه جَزاءٌ إلَّا الجَنَةُ»[1] یعنی پاداش حج درست و قبول شده جنت اسـت. در حدیثی دیگر پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید: «مَنْ حَجَ لِله فَلَم يرفُث، ولَم يفسُق،رَجَعَ كَيَومِ وَلَدَتهُ أُمهُ»[2] یعنی: کسی که حج را ادا نموده و در جریان حج از فعل زنا شویی و مقدمات آن (این کار از ممنوعات احرام در وقت حج وعمره می‌باشد) اجتناب نموده و مرتکب فسق یعنی ارتکـاب حـرام و ترک فرایض نشود از گناه چنان پاک می‌شود مثلی که تازه از مادر متولد شده باشد.

همان طوری‌که در آیات کریمه تأکید شـده اسـت ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ﴾؛ حـج اقـرار بـه وحدانیت خدای واحد و نفی شریک از او می‌باشـد، حـج ابـراز نفـرت از تمـام خـدایان دروغـین و معبودان باطل است، حج اعلان بیزاری وعصیان در مقابل ستمگران و ظالمان است، حج تأکید بـر آزادی انسان از اسارت و بنده گی غیر خدا است.

۱- مسند امام احمد بن حنبل.

۲- حدیث متفق علیه.

تأکید دیگر آیت این است که چون عظمت و بزرگی حقیقی فقط از آن الله است، باید حرمات خدا وشعایر او تعالی پاسداری شود، چنانچه آیهٔ مبارکه می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾.

چیز دیگریکه خداوند متعال در این آیات مبارکه بیان نموده که مؤمنان با سرازیر شدن برای حج بیت الله الحرام منافع خود را به‌دست می‌آورند. قرآن کریم لفظ منفعت را در این آیهٔ مبارکه به‌طور نکره وعام ذکر نموده که شامل همه انواع منفعت می‌گردد و شمارش این منافع ممکن نمی‌باشد؛ که این هم یکی از معجزه‌های قرآن کریم و خیر و برکت کعبهٔ مشرفه است که در همه ادوار تاریخ مؤمنان و خدا پرستان از گوشه و کنار زمین در مکهٔ مکرمه جمع می‌شوند ویک کنگرهٔ جهانی را تشکیل می‌دهند و شاهد منافع دینی و دنیوی خود می‌باشند. از جملهٔ منافع دینی مؤمنان این است که خداوند متعال گناهان شان را مغفرت می‌کند و دعاهایشان را استجابت می‌نماید واز آن‌ها راضی می‌شود. و منافع دنیوی عبارت است از: تجمع و همایش بزرگ مسلمانان در این مکان مقدس، تعارف و شناسایی با یکدیگر شان، تعاون به خیر ونیکی میان یکدیگر شان، دادن طعام و کمک به فقرا و نیازمندان وسایر منافع مالی از قبیل تبادلهٔ اموال تجارتی مشروع و حلال و چیزهای دیگری که به مرور زمان گسترش می‌یابد و مسلمانان شاهد آن خواهند بود .

هم‌چنان خداوند متعال در این آیات مبارکه به مساوات و برابری انسان‌ها در این مکان مقدس اشاره نموده و بر توحید خداوند و اجتناب از شرک و بت پرستی تأکید فرموده است.

فعالیت

شاگردان در بارهٔ منافع حجاج بیت الله الحرام، که به صیغهٔ نکره وعام ذکر گردیده، بحث و گفتگو نمایند و نظریات خود را به ترتیب ارائه کنند.

فواید و آموختنی ها

آیات مبارکهٔ فوق به دروس و احکامی ارشاد نموده که برخی آن از این قرار است:

- وجوب تعمیر کعبه در صورتی که دچار ورشکسته‌گی و خرابی گردد.
- کعبه و بیت الله الحرام باید پاکیزه نگه‌داشته شود، و برای طواف کننده‌گان و نماز گزاران آماده گردد، واز هرگونه شرک وگناه و جنگ وجدال در امان باشد.
- مشروعیت ایجاد دفاتر و مؤسسات برای اعلام و سهولت کارهای حجاج بیت الله الحرام.

❖در سفر حج و موسم حج تجارت مشروع جواز دارد.

❖وجوب شکر و ذکر خداوند در حج.

❖مسلمانان با ادای فریضهٔ حج منافع بزرگ و متعدد دینی و دنیوی را کمایی می‌کنند.



۱. کلمات و مفردات آتی را توضیح بدهید:

(بَوَّأْنَا– وَأَذِّن– رِجَالًا– ضَامِرٍ– فَجٍّ عَمِيقٍ– لْيَقْضُوا)

۲. کعبهٔ مشرفه را چه کسی بنا نموده است؟

۳. کعبهٔ مشرفه برای کدام مقاصد بنا یافته است؟

۴. ارکان حج را نام بگیرید.

۵. برخی فواید و منافع دینی و دنیایی حج را شرح دهید.



یک مقاله در بارهٔ مساوات و برابری انسان‌ها در حج بیت الله الحرام بنویسید.

درس سیزدهم

نیکی و احسان به دیگران

قــال تعــالی: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ۞ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۞ وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ۞ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا﴾ [النساء: ۳۶-۳۹]

معنای کلمات

ذِي الْقُرْبَى: دارنده‌گان قرابت و خویشاوندی.

وَابْنِ السَّبِيلِ: مسافر.

وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى: همسایهٔ خویشاوند.

وَالْجَارِ الْجُنُبِ: همسایهٔ اجنبی.

وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ: همسر، دوست همیشه‌گی، همسفر.

وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ: برده‌گان

مُخْتَالًا: راه رفتن با تکبر و کرشمه.

فَخُورًا: فخر نمودن با نسب وجاه و مال.

قَرِينًا: همراه نزدیک، بهم بسته شده.

ترجمه

وخدای یکتا را بپرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نیکی کنید به پدر و مـادر و خویشـان و یتیمان و فقیران و همسایهٔ دور و نزدیک و دوستان در کنار و مسافران و آنچه کـه دسـت شـما مالک آن شد (برده‌گان). بدون شک، خداوند کسی را که متکبر خود سـتا باشـد دوسـت نمـی‌دارد، کسانی‌که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وادار می‌کنند و آنچه را که خدا از فضل خود به آن‌هـا بخشیده کتمان می‌کنند. و ما برای کافران عذابی خوار کننده مهیا داشـته ایـم. و (خداونـد دوسـت ندارد) کسانی را که اموال خود را به قصد ریا و خود نمایی انفاق مـی‌کننـد و بـه خداونـد ﷻ و روز

قیامت ایمان نمی‌آورند، و هرکه را شیطان یار است، بسیار بـد یـاری اسـت. چـه زیـانی بـه آن‌هـا می‌رسید اگر به خدا و روز قیامت ایمان آورده و از بهره یی کـه خـدا بـه آنـان داده، چیـزی انفـاق می کردند؟! و خدا به حال آنان دانا است.

تفسیر

احسان ونیکی به دیگران

خداوند متعال، در این آیات مبارکه مؤمنان را دستور می‌دهد تا بـه احکـام شـرعی عمـل نماینـد و سعادت دنیا و آخرت را نصیب گردند. در آیهٔ اولی، خداوند متعال باز هم به بنـده‌گـان خـود دسـتور داده که خاص او را عبادت کنند و به او شریک نیاورند؛ به والـدین خـود نیکـی کننـد و از اطاعـت آن‌ها سر پیچی نورزند. هم‌چنان به خویشاوندان، یتیمان، بی نوایـان و همسـایه‌گـان اقـارب و یـا بیگانه، دوستان مرافق و ملازم خود، مانند: همسر، همسفر، هم صنف و یا همکار وغیـره، مسـافر، برده‌گان زیر دست احسان و نیکی برسانند. البته احسان و نیکی به اصـناف فـوق یـک امـر تأکیـد شده وضروری است، ورنه احسان و نیکـی در اسـلام در هـر حالـت وجیبـه و مسـؤولیت مسلمان می‌باشد، چنانچه خداوند متعال در آیهٔ دیگری فرمـوده اسـت: ﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۵] ونیکویی کنید که خدا نیکو کاران را دوست می‌دارد.

فعالیت

شاگردان با رهنمایی معلم در بارهٔ انواع همسایه‌گان و حقوق هر یکی از دیدگاه اسلام بحث نمـوده وپیش روی صنف تشریح کنند.

زشتی بخل و تکبر

در آیت دومی خداوند متعال، بخل و تکبر را به حیث دو صفت زشت و نـا پسـند مـذمت فرمـوده و تصریح کرده است که دارنده گان هر دو صفت را دوست ندارد. آیات مبارکه، بخل در مال و بخـل در علم هر دو را یکسان مورد مذمت قرار داده است. اهل کتـاب کـه صـفات پیغمبـر اسـلام را در کتاب‌های خود خوب می‌فهمیدند؛ ولی آن‌را کتمان می‌نمودند. این کار آن‌ها از بد تـرین بخـل بـه شمار می‌رود. هم‌چنان یهودیان قبایل مدینه به انصار می‌گفتند به محمـد و یـارانش کمـک مـالی نکنید که به فقر و تنگدستی رو برو می‌شوید. خداوند متعال در مقابل این بخل و کفر، آن‌ها را بـه شدید ترین عذاب تهدید نموده، می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾.

سپس خداوند متعال گروه منافقان را که به خدا و روز آخرت ایمان ندارند؛ اما برای فریـب مـردم و به‌خاطر ریا کاری چیزی از اموال شان را صدقه می‌کنند، مورد سر زنـش قـرار مـی‌دهـد. آن‌هـا را همراهان و دوستان شیطان معرفی نموده برای آنان فرجام بـد و عـذاب درد نـاک و خـوار کننـده وعده داده است؛ اما باز هم آیهٔ مبارکه، منافقان را به تصحیح ایمان شان دعوت می‌کند تا از دایـرهٔ

نفاق و لعنت خداوند خارج شوند، چنانچه در شأن آن‌ها فرموده اسـت: ﴿وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ﴾. چه زیانی به آن‌ها می‌رسید اگر به خـدا و روز قیامـت ایمـان آورده و از بهره یی که خدا به آنان داده، چیزی انفاق می‌کردند؟!

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و دروس آیات مبارکه ازاین قرار است:

- ❖ عبادت تنها و تنها حق الله ﷻ است و نباید کسـی یـا چیـزی را بـا خـدا در عبـادت شـریک ساخت.
- ❖ احسان به والدین درین آیت و آیات دیگر قرآن پس از توحید وعبادت خداونـد ذکـر شـده کـه دلالت به اهمیت زیاد احترام و احسان به پدر و مادر می‌نماید.
- ❖ نیکی به دیگران وجیبه و مکلفیت شرعی مسلمان است.
- ❖ خداوندﷻ فخر فروشی ناشی از غرور و تکبر را مذمت می‌نماید و آن را عملی زشت می‌پندارد.
- ❖ حرام بودن بخل و امر کردن به آن، و هم‌چنان حرمت کتمان علم و معرفت.
- ❖ حرمت ریاء و مذمت شدید ریا کاران.
- ❖ مذمت هم نشینان وهم صحبتان بد که یکدیگر را به بدی و زشتی دعوت می کنند.



۱.معنای کلمات وعبارات زیر را توضیح بدهید:

{ابْنِ السَّبِيلِ – وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى – وَالْجَارِ الْجُنُبِ –وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ – مُخْتَالًا –قَرِينًا}

۲.آیهٔ مبارکه اولی به ادای ده حق امر نموده است. این ده حق کدام‌ها اند؟

۳.مراد از بخل در علم و معرفت در آیهٔ مبارکه چیست؟ ضمن مثال توضیح دهید.

۴.آیات مبارکه فوق ریا کاران را مذمت نموده است. مراد از ریا کاران در این آیات چه کسانی اند؟

۵.در آیات فوق، شـیطان هـم نشـین کـدام مردمـان معرفـی گردیـده؟ نتـایج هـم نشـینی شـیطان چـه می‌باشد؟



در روشنایی آیات و احادیث، راجع به اضرار بخل در نشر علم وکتمان آن مقاله‌یـی بنویسـید کـه از پانزده سطر کم نباشد.

درس چهاردهم

استفاده از رزق حلال و اجتناب از حرام

قال تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ۝ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۷۲-۱۷۶]

معنای کلمات

طَيِّبَات: جمع طیب، حلال.

الْمَيْتَة: حیوان خود مرده، بدون ذبح

الدَّم: خون جاری در هنگام ذبح.

أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّه: حیوانیکه بنام غیر خدا ذبح شده باشد .

اضْطُرَّ: مجبور شود، به سبب گرسنگی و یا زدن.

غَيْرَ بَاغٍ: بدون ظلم و بغاوت.

ولاعَادٍ: وبدون تجاوز از حد.

ترجمه

ای اهل ایمان، از روزی حلال و پاکیزه یی که ما نصیب شما کرده ایم، بخورید و شکر خدا را به جای آرید، اگر شما خالص خدا را می‌پرستید. به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما خود مرده (مردار) و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به نام غیر خدا کشته شده باشد ، پس هر کس که به خوردن آن‌ها محتاج و ناگزیر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود، به تحقیق خدا آمرزنده و مهربان است.

تفسیر

در زمان جاهلیت، مشرکان عرب با تقلید و پیروی کور کورانه از آبا و اجداد شان، حیواناتی را که خداوند حلال گردانیده بود با عناوین گوناگون به نام بتهایشان نذر نموده، بر خود حرام ساخته

بودند؛ هم‌چنان اهل کتاب و به‌طور خاص نصارا و برخی ملل دیگر به زعم باطل شان با تعذیب نفس و محروم ساختن خود از نعمت‌های مختلف می‌خواستند به خدا تقرب جویند.

خداوند متعال امت محمد ﷺ را بر همه امت‌ها و ملل دیگر برتری بخشید و آن را امت وسط و میانه قرار داد ودر آیات مبارکۀ فوق به مؤمنان خطاب نموده، دستور فرمود که آنچه خداوند متعال از چهار پایان و حیوانات و دیگر چیزهای پاکیزه به عنوان روزی خوب و گوارا برای شما حلال گردانیده بخورید؛ اما در مقابل این نعمت‌ها به الوهیت و ربوبیت پروردگار تان اعتراف نموده، شکر و ثنای او تعالی را به جا آرید، و این نعمت‌های الهی را مانند مشرکین و ملل دیگر بر خود حرام نسازید؛ زیرا خداوند خوردن خود مرده، خون، گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا ذبح می‌شود را حرام گردانیده است. با آن هم، در صورتی که شخصی مجبور و نا گزیر باشد، به‌خاطر نجات خود از هلاکت از همین چیزهای حرام شده، نیز استفاده می‌تواند؛ به شرطی که برای خوردن این محرمات و اشباع نفس رغبت و تمایل نداشته باشد، ویا این محرمات را بر چیزهای حلال ترجیح ندهد، و هم‌چنان در خوردن این محرمات از حد ضرورت و نجات دادن نفس از هلاکت، تجاوز نکند.

خداوند متعال در آیت دوم بعضی چیزها را حرام قرار داده و مسلمان مکلف می‌باشد تا از خوردن آن‌ها اجتناب نماید. بدون شک، در تحریم چیزهای مذکور فواید و حکمت‌های زیادی نهفته است؛ زیرا الله علیم و حکیم با علم و حکمت ازلی خویش میداند که کدام چیز برای انسان مفید و چی چیزی برای او ضرر دارد. امروز که بیش از یک‌هزار وچهارصد سال از نزول قرآن مجید می‌گذرد، پژوهش‌های علمی ثابت نموده که خوردن و نوشیدن چیزهایی که اسلام منع فرموده؛ مانند: گوشت خوک، حیوان خود مرده، مشروبات الکلی، مواد مخدر، دخانیات وغیره برای صحت و سلامتی انسان مضر بوده و زیان‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز به دنبال دارد.

تحریم گوشت حیواناتی که به نام دیگری غیر از نام الله یگانه ذبح ونذر شده باشد مطلب دیگر آیت کریمه است؛ چه ذبح و نذر مانند: نماز، روزه، زکات، حج، دعا، خوف، رجاء، رکوع، سجده وغیره از جملۀ عبادات محسوب می‌شود و عبادت غیر خدا جایز نیست؛ زیرا همه عبادات فقط و فقط برای خداوند است. مسلمان درهر نماز بار بار با خواندن آیت مبارکۀ ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ٤] با خدای یگانه و یکتا عهد می‌بندد که بار خدایا! تنها تو را پرستش می‌کنم و هیچ کسی و یا هیچ چیزی را با تو در عبادت شریک نمی سازم.

خداوند متعال در خاتمۀ آیات مبارکه، بر مؤمنان منت گذارده و عفو و مغفرت خود را شامل حال شان ساخته به سهولت و آسانی دین خود تأکید فرموده است.

فعالیت

شاگردان به رهنمایی معلم راجع به مفهوم و دلالت‌های استثناء وارد شده در آیت ﴿غَیْرَ بَاغٍ وَلا عَادٍ﴾ بحث و گفتگو نمایند.

فواید و آموختنی ها

❖ خداوند متعال، نعمت‌های خود را بر بنده‌گانش ارزانی فرموده تا از آن به حیث روزی حلال و پاکیزه استفاده نمایند و شکر و ثنای پروردگار خود را به جا آورند.

❖ در آیهٔ مبارکه، چیزهای حلال نسبت این‌که عام و زیاد است، شمار نگردیده؛ اما چیزهای حرام شمار گردیده و نام‌های شان گرفته شده است.

❖ « **الْمَيْتَةَ** » ویا خود مرده عبارت از حیوانی است که بدون ذبح و یا خود بخود مرده باشد؛ البته مردهٔ حیوان خفه شده، کوبیده شده، افتیده از بلندی، شاخ زده شده، نیم خوردهٔ درنده‌گان و گوشت قطع شده از جسم حیوان زنده در جملهٔ حیوان خود مرده شامل می‌باشد.

❖ هم‌چنان پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حدیث صحیح از خوردن حیوانات درنده و پرنده‌گان چنگال دار، منع فرموده و آن‌را حرام قرار داده است.

❖ ماهی و ملخ از حکم خود مرده خارج است، به دلیل حدیث پیغمبرﷺ که فرموده: **"أُحِلَّتْ لَنَا مَيْتَتَانِ، وَدَمَانِ: السمكُ، وَالْجَرَادُ، وَ الْكَبِدُ، وَالطُّحَالُ"**. "دو خود مرده و دو خون برای ما حلال قرارداده شده است : ماهی و ملخ ، جگر و تلی ".

❖ خون حرام عبارت از خون جاری از حیوان زنده ویا در اثر ذبح حیوان می‌باشد؛ اما خون مخلوط با گوشت، حرام نیست و خوردن آن باکی ندارد.

❖ استفاده از گوشت خوک، روغن، پوست و همه اجزای آن در حرمت خنزیر شامل است.

❖ خداوند متعال، خوردن چیزهای حرام شدهٔ نامبرده را در وقت ضرورت وخطر هلاکت نفس جواز داده است، به شرط مراعات استثنایی که در آیهٔ مبارکه ذکر گردیده است.



۱. کلمات و مفردات زیر را توضیح دهید:

{الْمَيْتَةَ، وَالدَّم،أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّه، اضْطُرَّ، غَيْر بَا غٍ، عَادٍ}

۲. چیزهایی که در آیهٔ مبارکه حرام گفته شده کدام‌ها اند؟

۳. کدام حیوانات خود مرده از حکم (**الْمَيْتَةَ**) استثناء وحلال است؟ با حدیث نبوی استدلال نمایید.

۴. مراد از خون حرام کدام نوع خون است؟ توضیح بدهید.

۵. مراد از ﴿وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّه﴾ چیست و چرا در جملهٔ محرمات آمده است؟

۶. مسلمان در کدام حالت و تحت کدام شرایط می‌تواند، از چیزهای حرام شده استفاده نماید؟



شاگردان به رهنمایی استاد و با استفاده از آیات و احادیث در روشنایی تازه ترین حقایق علمی، ضررهای دینی، صحی، اقتصادی و اجتماعی چیزهای حرام ذکر شده در این درس را یاد داشت نموده، موضوع را در صنف بحث وگفتگو نمایند.

درس پانزدهم

پاداش انفاق در راه خدا ﷻ

قــال تعــالی: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۞ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۞ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۶۱-۲۶۴]

معنای کلمات

يُضَاعِفُ: زیاد می‌سازد، چندین برابر می‌گرداند.

مَنّاً: منت گذاشتن، یاد کردن انفاق به قصد فخر وبرتری خواهی.

أَذًى: اذیت کردن انفاق گیرنده با سخن زشت که به عزت و شخصیتش لطمه بزند.

قَوْلٌ مَعْرُوفٌ: سخن نیک وخوب.

مَغْفِرَةٌ: آمرزش، گذشت از برخورد نا درست فقیرو سؤال کننده.

غَنِيٌّ: غنای ذاتی که هرگز محتاج نمی‌شود.

حَلِيمٌ: عفو کننده، به عقوبت عجله نمی‌کند.

صَفْوَانٍ: تخته سنگ صاف.

وَابِلٌ: باران شدید.

صَلْدًا: برهنه، خالی از خاک.

ترجمه

صفت آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند به مانند دانه‌یی است که از آن هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند از این مقدار نیز برای هر که بخواهد، می‌افزاید، و خدا را رحمت بی منتهاست و او به همه چیز دانا است. آنان که مالشان را در راه خدا انفاق کنند و

در پی انفاق منّتی نگزارده و آزاری نکنند، آن‌ها را پاداش نیکو نزد خدا خواهد بود و از هیچ پیشامدی بی مناک نباشند و هرگز اندوهناک نخواهند بود. سخن نیکو و طلب آمرزش بهتر است از صدقه یی که در پی آن آزار باشد، و خداوند بی نیاز و بردبار است. ای اهل ایمان، صدقه‌های خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید مانند آن که مال خود را از روی ریا انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد؛ مثال این (ریا کار) مانند آن سنگ صاف است که بر آن اندکی خاک باشد، وتند بارانی بر آن برسد و آن سنگ را همان طور صاف به جای گذارد، توانایی ندارند (ریا کاران) بر چیزی از آنچه کسب کرده اند. و خداوند گروه کافران را راه ننماید.

تفسیر

شأن نزول

روایت شده که آیهٔ مبارکهٔ ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ...﴾ در مورد دو تن از اصحاب کرام هریک عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنهما نازل گردیده که عثمان بن عفان لشکر اسلام را در غزوهٔ تبوک تجهیز نمود، و عبدالرحمن بن عوف نصف دارایی خود را که بالغ بر چهار هزار درهم بود به‌خاطر غزوهٔ تبوک به پیامبر اسلام تقدیم کرد که رسول خدا برایش این دعا را اهداء نمود: «خداوند در آنچه بخشیدی و آنچه برای خود نگه‌داشتی برکت بیاندازد». هم‌چنان طبق روایت عبدالرحمن بن سمره زمانی که عثمان بن عفان رضی الله عنه یک هزار دینار را پیشروی پیامبر صلی الله علیه وسلم ریخت، آن حضرت در حالی که با خوشحالی سکه‌ها را با دستان مبارکش زیر و رو می‌کرد، فرمود: «پروردگارا، من از عثمان راضی هستم، پس تو از وی راضی باش!».[۱]

اجر مضاعف انفاق در راه خدا

مفسرین کرام گفته اند: حکم آیات مبارکه شامل هر انفاق کنندهٔ مخلص است که مال خود را در راه خدا به مصرف می‌رساند، که قرآن کریم حالت وی را به دانهٔ گندمی تشبیه نموده که در زمین حاصل‌خیز زرع گردد و با قوت رشد و نمو کند و هفت خوشه بیرون آورد که در هر خوشه یکصد دانه گندم، حاصل بار آورد. این تشبیه زیبا، تعبیر گویایی است بر این که خداوند متعال، ثواب اعمال خالصانه و نیکوی بنده‌گان مؤمن خود را چنان بار ور می‌سازد، درست مانند رشد و نمو و بارور شدن دانه‌یی که در زمین خوب و حاصل‌خیز کشت شود و حاصل زیادی را بار آورد.

۱- التفسیرالوسیط للطنطاوی.

سپس آیهٔ مبارکه، بیان نموده که خداوند متعال اجـر و ثـواب انفـاق کننـده‌گـان را چنـدین برابـر می‌سازد؛ بلکه اجر و ثواب صدقه و انفاق را نظر به حالت انفـاق کننـده بـیش‌تـر از هفتصـد برابـر می‌دهد، چنانچه فرموده ﴿وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَآءُ﴾. هرگاه صدقه وانفاق با نیت خـالص، از قلـب سالم، از نفس پاک و از مال حلال بیرون شود و در جای مناسب آن گذاشته شود، بدون شک، اجر و ثواب آن چندین برابر؛ بلکه بی حساب خواهد بود؛ زیرا کـه فضـل و احسـان وبخشـش خداونـد متعال حدودی ندارد. از همین روی که آیهٔ مبارکه، با این وعدهٔ بـزرگ خاتمـه یافتـه اسـت: ﴿وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ و با فضل و علم وسیع خود هر انسان را مطابق نیت و عملش پاداش می‌دهد.

منت و اذیت، انفاق را باطل می‌سازد

آیات بعدی زشتی منت گذاشتن و اذیت رساندن انفاق کننده به محتاج و سؤالگر را با شـدید تـرین عبارات بیان نموده است. این آیات مبارکه، تأکید نموده، همان‌طور که خداوند متعـال اجـر و ثـواب صدقه و انفاق مخلصانه و بدون ریا را چندین برابر می‌سازد و صاحب آن از هر گونه خوف و انـدوه در حفظ و امان خدا می‌باشد؛ به همان اندازه انفاق همراه با ریاء ومنت و اذیـت، باطـل و بـی ثمـر گردیده و صاحب آن در دنیا و آخرت مورد عذاب سخت خداوند متعال قرار خواهد گرفت.

مراد از منت گذاشتن و اذیت رساندن در آیهٔ مبارکه، این است که انفاق کننده بـه قصـد تـوهین و اذلال انفاق گیرنده، کمک و انفاق خود را بر وی یاد نمـوده، منـت گـذارد و یـا بـه نـوعی در وی احساس ضرر و اذیت ایجاد نماید. به همین سبب خداوند متعال بیان نموده که سخن نیکـو گفـتن به فقیر و محتاج و سؤال کننده، بهتر از انفاقی است که با اذیت و ضرر همراه باشد؛ زیرا که سخن خوب و گوارا و عفو و گذشت سبب پاکی نفس و الفت و محبـت و حفـظ کرامـت فقیـر و محتـاج گردیده مستحق اجر وثواب از نزد خداوند می‌شود؛ اما صدقه و انفاق همراه با منت و اذیـت، باعـث شکست قلب و ریختن آبروی فقیر و محتاج و سبب رنـج و درد بـیش‌تـر وی مـی‌گـردد. چنانچـه پیامبر اسلام ﷺ در حدیث صحیح فرموده اند: "الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ..." [۱] یعنـی: سـخن خـوب صدقه است.

آیهٔ اخیر با لهجهٔ وعده و وعید و ترغیب و تهدیـد مؤمنـان را خطـاب نمـوده از منـت و اذیـت در صدقه و انفاق منع می‌نماید؛ زیرا که منت و اذیت ثواب صـدقه و انفـاق را نـزد خداونـد ﷻ نـابود سـاخته و صـاحب آن را از شـکر و احسـان مـردم نیـز محـروم مـی‌گردانـد . در حـدیثی از ابـن

۱- صحیح البخاری.

عباسﷺ روایت گردیده که پیامبرﷺ فرمودنـد: "لَا يَدْخُل الْجَنَّةَ مُدْمِن خَمْرٍ وَلاَ عَاقٌ لِوَالِدَيْهِ وَلاَ مَنَّانٌ" [۲] یعنی: شخص معتاد به شراب، کسی که توسط والدین خـود عـاق شـده باشـد، و منـت گزار داخل جنت نمی‌شوند.

آیهٔ مبارکه انفاق همراه با منت و اذیت را به عمل منافقی تشبیه نموده که مال خود را به‌خاطر ریـا و تظاهر انفاق می‌کند که از اجر وثواب وقبول خداوند متعال محـروم گردیـده اسـت. آیـهٔ مبارکـه مؤمنان را خطاب نموده که صدقه‌ها وانفاق خود را با منت واذیت باطل نسـازند، تـا ماننـد منـافقی نباشند که اعمال ریایی و ظاهری اش نابود گردیده است. انفاق همراه با ریاء واذیت و منـت ماننـد تخته سنگ صافی است که اندکی خاک روی آن‌را پوشانیده که در اثر باران شدید برهنـه گردیـده حاصلی از آن نمی‌روید! این چنین است حالت اعمال ریایی منافق کـه در پیشـگاه خداونـد اجـر و ثوابی نداشته و از آن سودی به دست نمی‌آورد. و خداوند کافران را کـه کفـر را بـر ایمـان اختیـار نموده اند به آنچه نفع ببرند هدایت نخواهد کرد.

فعالیت

شاگردان تحت رهنمایی معلم راجع به برخی نمونه‌های منت گذاری و اذیـت در انفـاق و صـدقات که در جامعهٔ ما رواج دارد بحث و گفتگو نمایند.

فواید و آموختنی ها

آیات مبارکه شامل فواید و آموختنی هایی است که برخی از آن‌ها از این قرار است:

❖فضیلت و بر تری صدقه و انفاق و نتایج و فواید آن برای صدقه کننده.

❖حرام بودن منت و اذیت در صدقه و انفاق.

❖محروم گردیدن انفاق کنندهٔ منت گذار از شکر و احسان مردم در دنیا، واجـر وثـواب خداونـدی در آخرت.

❖باطل شدن صدقه و انفاق همراه با منت و اذیت و ریاء.

❖جواب دادن محتاج و فقیر با سخن خوب وگوارا، وعفو و گذشت از برخـورد زشـت و یـا اصـرار سؤال کننده، مطابق حدیث پیامبر اسلام که فرموده: " الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ ". یعنی: سخن خـوب صدقه است.

۲- النسائي في سننه الكبرى.

❖حرام بودن ریاء؛ چنانچه پیغمبرﷺ فرموده "وَ إِیَّاکُمْ وَ الرِیاء فَإِنَهُ الشِركُ الأصغَر". یعنی: از ریاء بپرهیزید؛ زیرا که ریاء شرک کوچک است.

سؤال‌ها

۱. کلمات و مفردات زیر را معنا و توضیح کنید:
{یُضَاعِفُ- مَنّاً- أَذىً- مَغْفِرَةٌ- صَفْوَان- وَابِلٌ- صَلْدًا}

۲. شأن نزول آیهٔ مبارکهٔ **﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ﴾** را تشریح نمایید؟

۳. خداوند متعال کدام نوع انفاق و صدقات را قبول می‌نماید؟

۴. چگونه خداوند متعال انفاق وصدقات را چندین برابر می‌سازد؟ به آیهٔ مبارکه استدلال نمایید.

۵. انفاق وصدقه همراه با منت چگونه است؟ با مثالها توضیح بدهید.

۶. «سخن خوب در مقابل فقیر و سؤال کننده صدقه است» توضیح بدهید.

۷. خداوند متعال شخص صدقه کنندهٔ همراه با منت و اذیت را از جنت محروم ساخته است. در این مورد به حدیث نبوی استشهاد کنید.

۸. آیهٔ مبارکه صدقه کنندهٔ منت گذار را با منافق ریا کار تشبیه نموده است. این تشبیه را شرح کنید.

۹. صدقهٔ همراه با منت و اذیت در آیهٔ اخیر چگونه تشبیه گردیده؟ توضیح دهید.

درس شانزدهم

مساوات انسانی در قرآن کریم

قال تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۞ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحجرات: ۱۳-۱۵]

معنای کلمات

شُعُوبًا: جمع شعب، مردمان زیادی که یک اصل واحد آن‌ها را جمع نماید.

قَبَائِلَ: جمع قبیله، بخشی از شعب .

لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید.

أَكْرَمَكُمْ: بلند ترین شما در نزد خداوند.

لَا يَلِتْكُمْ: کم نمی‌سازد از شما.

لَمْ يَرْتَابُوا: شک نکردند.

ترجمه

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و ساختیم شما را جماعت‌ها وقبیله‌ها تا یکدیگر را بشناسید، به تحقیق گرامی ترین شما نزد خدا با تقوا ترین شماست، هر آئینه خدا (کاملاً) دانا و آگاه است. اعراب (بادیه نشین ها) گفتند: ما ایمان آوردیم، بگو: شما به حقیقت ایمان نیاورده اید؛ لیکن بگویید: ما اسلام آوردیم (منقاد شده ایم). تا هنوز ایمان به قلب‌های تان داخل نگردیده، و اگر خدا و رسول وی را اطاعت کنید او از اعمال شما هیچ نخواهد، کاست که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. منحصر مؤمنان حقیقی آن افراد اند که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعدا هیچ گاه شک و تردیدی به دل راه ندادند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند. اینان به حقیقت راستگو هستند.

تفسیر

وحدت اصل بشریت

خداوند متعال در آیهٔ مبارکهٔ اول، همه انسان‌ها را مخاطب ساخته تأکید فرموده که ما شما را از یک اصل آفریده ایم که آدم و حوا می‌باشد، سپس شما را به شکل خانواده‌ها و قبایل و گروه‌ها بار آوردیم تا با شناخت یکدیگر برای ایجاد جامعهٔ سالم و صالح همکاری نمایید، نه مانند حیوانات که اصل و نسب خود را نمی‌شناسند و از نعمت عقل و خرد محروم اند. به این ترتیب قرآن کریم برای وحدت انسانی دعوت نموده که بر اساس عدل و مساوات و محبت و برادری استوار باشد.

باید دانست که تمام تمدن‌ها و پیشرفت‌های بشری، نتیجهٔ اصل معرفت و شناخت انسان‌ها با یکدیگر شان است؛ زیرا تعارف به تفاهم و تفاهم به تعاون منتج می‌شود. هم‌چنان قرآن کریم در این آیهٔ مبارکه، حقوق انسان را بدون در نظر گرفتن هر گونه تفاوتهای رنگ و نژاد و جنسیت، اعلام نموده که همه انسان‌ها در نسب برادر هستند و عزت و کرامت انسانی شان محفوظ است؛ زیرا که انسان مخلوق مکرم خداوند و خلیفهٔ او در روی زمین است. همهٔ انسان‌ها به اصل واحد می‌رسند که عبارت از آدم و حوا است؛ اما آنچه معیار برتری میان شان است ارزش دینی و اطاعت و پیروی شان از خدا و رسول او می‌باشد. پیامبر بزرگوار اسلام فرموده: "إِنَّ الله لا ينظُر إِلى صوركم وأَموالكم، ولكن ينظر إِلى قلوبكم وأعمالكم" [1] یعنی: خداوند به چهره‌ها و دارایی‌های شما نظر نمی‌کند؛ بلکه به دلها و اعمال شما می‌بیند.

به این ترتیب، قرآن کریم همه اختلاف‌ها و تفاوت‌های بشری را یکسو نهاده، انسان‌ها را در زیر لوای توحید و تقوا قرار می‌دهد تا با همکاری و محبت به عبادت خدا بپردازند، و از همه انواع عصبیت‌ها و ادعاهای جاهلی و کش‌مکش‌های تباه کننده، به عنوان «پدیده‌های بد بوی» دوری گزینند. چنانچه پیامبر اسلامﷺ اعلام نمود: «كُلُّكُمْ بَنُو آدَمَ، وَآدَمُ خُلِقَ مِنْ تُرَابٍ، لَيَنْتَهِيَنَّ قَوْمٌ يَفْخَرُونَ بِآبَائِهِمْ أَو لَيَكُونَنَّ أَهْوَنَ عَلَى اللهِ مِنَ الْجُعْلانِ » [2] « همهٔ شما فرزندان آدم هستید، وآدم از خاک آفریده شده. باید هر قوم ویا گروه از افتخار به اصل ونسب، خود داری کند، در غیر آن در پیشگاه خداوند متعال از «جِعلان» [3] هم بی ارزش تر خواهند بود.

---

۱ – روایت صحیح مسلم.

۲– تهذيب سنن أبي داؤود.

۳ – (جعلان) به کسر جیم عبارت از حشرهٔ کوچکی است که در میان سرگین حیوانات زندگی می‌کند وغذای آن سرگین ویا نجاست حیوانات است، وهرگاه خوشبویی به او برسد می‌میرد!

نعمت ایمان و اسلام

پس از آن‌که قرآن کریم اعلام نمود که همه انسان‌ها به مبدأ واصل واحد بـر مـی‌گردنـد، ومعیـار فضیلت و برتری در میان بنی آدم تقوا و عمل صالح است؛ آیات مبارکه بیان نموده که تنهـا کلمـهٔ ایمان کافی نیست؛ بلکه باید این تصدیق قلبی با اطاعت ظاهری و التزام عملی به اوامـر و نـواهی اسلام، همراه باشد تا مورد قبول خداوند متعال واقع گردد.

در عهد نبوی کسانی از اعراب بودند که با زبان دعوای ایمان نمودند، اما قلب‌هایشان مشغول دنیـا و منافع دنیوی بود، بنابر این خداوند متعال به پیامبرش دستور داد تا به آن‌ها بگوید که شما تنها با اظهار ایمان با زبان، مؤمن حقیقی شمرده نمی‌شوید، تا آن زمان که به رسالت من تصدیق کنیـد و به همه اوامر و نواهی خدا و پیامبرش تسلیم شوید. به این ترتیب آیـات مبارکـه حقیقـت ایمـان را بیان نموده فرمود: ﴿إِنَّمَا المؤمنون الذين آمَنُواْ بالله وَرَسُولِه ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُواْ وَجَاهَدُواْ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ الله أولئك هُم الصادقون﴾ یعنی: همانا مؤمنان حقیقی آنانی اند که بـه خـدا و پیـامبر ایمـان بیاورند و هیچ شک و شبهه‌یی را در عقاید شان راه ندهند، ودر راه پیروزی حق بـر باطـل از بـذل جان و مال دریغ نورزند، که آنان مؤمنان راستین خواهند بود.

مفسرین می‌گویند: آیهٔ مبارکه، به این امر دلالت می‌کند که ایمان نسبت به اسـلام خـاص اسـت، چنانچه در حدیث جبرئیل نخست از اسلام سؤال گردیده و سپس از ایمان و بعد از احسـان، یعنـی از عام به خاص ارتقا صورت گرفته. پس ایمان و اسلام تکمیل کنندهٔ یکـدیگر انـد و یکـی بـدون دیگری بسنده نمی‌کند.

روایت شده که در سال نهم هجری که بنام (عام الوفود) خوانده شده، هیـأت قبایـل بنـی اسـد بـا تعداد زیادی افراد خود به نزد پیامبرﷺ آمدند واسلام خود را اعلام نمودند، و به قصد منـت گـذاری به پیامبر خدا ﷺ اظهار داشتند که ما با همه افراد قبیلهٔ خود بدون جنگ اسلام آوردیم، در حالی‌که قبایل دیگر با تو جنگیدند! آن‌ها با این کلمات خواستند بر پیامبرﷺ منت گذارنـد، و در عـین حـال هدایا و بخشش‌های مالی بدست آورند. در این وقت آیات مبارکهٔ اخیـر سـورهٔ الحجـرات در مـورد ایشان نازل گردیده به ایشان دستور داد که با ادعای اسلام آوردن بر پیامبرﷺ منت مگذارید؛ بلکـه شما اگر در دعوای خود صادق هستید، باید ممنون منت پروردگار باشید که شما را به نعمت ایمـان و اسلام مشرف گردانید. آیات مبارکه نیات پوشیدهٔ آن‌ها را بر ملا ساخت و به زبان پیـامبر اسـلام ﷺ آن‌ها را ارشاد نمود که تنها با زبان ادعای ایمان نکنند؛ بلکه این ایمـان را بـا قلـب‌هـای خـود تصدیق کنند و در برابر همه اوامر و نواهی خدا و پیامبرش تسلیم ومنقاد باشند تا ایمان شان مـورد قبول خداوند بوده باشد.

این آیهٔ مبارکه یک اصل بزرگ را تثبیت و تأکید می‌کند که بسا اوقات انسان‌ها، وحتی برخی مؤمنان نیز از آن غافل می‌باشند. اصل نعمت بزرگ ایمان که خداوند متعال بر بنده‌یی از بنده‌گان خود در روی زمین ارزانی می‌کند. نعمت ایمان که از همه نعمت‌ها برتر و بالاتر است. هرگاه نعمت ایمان در قلب انسان جایگزین شود، دیگر هیچ چیزی بالاتر و گرانب‌ها تر از آن نخواهد بود. انسان با نعمت ایمان به اصل و مبدأ خود آگاه می‌شود، وبه پروردگار خالق خود وصل می‌گردد.

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکه از این قرار است:

- ❖ منشأ همه انسان‌ها به یک اصل واحد بر می‌گردد که آدم علیه السلام می‌باشد.
- ❖ افتخار به نسب و نژاد حرام و نا جایز است.
- ❖ تفاوتهای انسانی برای معرفت و همکاری است، نه برای برتری جویی یکی بر دیگری.
- ❖ معیار برتری و فضیلت و کرامت میان انسان‌ها تقوا است.
- ❖ اظهار ایمان به زبان، همراه با مخالفت عملی مورد قبول اسلام نیست.
- ❖ ایمان نسبت به اسلام خاص تر است.
- ❖ تبعیض بین انسان‌ها بر اساس نژاد، زبان، منطقه، سمت و غیره حرام است.



۱. قرآن کریم اصل خلقت انسان‌ها را چگونه می‌بیند؟ به آیت قرآنی استدلال نمایید.
۲. تفاوت و اختلاف میان انسان‌ها و تقسیم آن‌ها به قبیله‌ها و گروه‌ها چه فایده دارد؟
۳. معیار فضیلت و برتری از دیدگاه قرآن کریم چیست؟ به آیت قرآنی استشهاد کنید.
۴. افتخار به نسب، نژاد و دیگر عصبیتها از نظر اسلام چه حکم دارد؟ به آیات وآحادیث نبوی استشهاد کنید.
۵. کدام قبیله، اسلام خود را بر پیغمبرﷺ منت گذاشتند؟ وجواب قرآن برایشان چه بود؟
۶. فرق بین ایمان و اسلام چیست؟



راجع به اصل مساوات انسانی و معیار فضیلت میان انسان‌ها یک مقاله بنویسید.

درس هفدهم

صفات بنده‌گان خاص خداوند ﷻ

قال تعالی: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا۝ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا۝ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا۝ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا۝ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الفرقان: ۶۳-۶۷]

معنای کلمات

هَوْنًا: با وقار و آرامش.

قَالُوا سَلَامًا: سخن سالم و باز دارنده از گناه گفتند.

سُجَّدًا وَقِيَامًا: سجده کننده‌گان با نماز تهجد.

غَرَامًا: همراه و پیوست.

سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا: اقامتگاه زشت وناگوار.

لَمْ يُسْرِفُوا: تبذیر و اسراف نکردند.

لَمْ يَقْتُرُوا: تنگی ومضایقه نکردند، بخل نورزیدند.

قَوَامًا: اعتدال میان اسراف و بخل.

ترجمه

و بنده‌گان خاص خدای رحمان، آنانی هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آن‌ها خطاب کنند گویند: سلام بر شما باد. و آنان هستند که شب را به سجده و قیام (نماز) در برابر خدایشان روز کنند. و آنان هستند که دایم گویند: پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بگردان، که سخت عذاب مهلک و دایمی است. که آنجا بسیار بد قرار گاه و بد منزلگاهی است. و آنان هستند که هنگام انفاق اسراف نکرده و بخل هم نورزند؛ بلکه انفاق آن‌ها در حد میانه و اعتدال باشد.

تفسیر

صفات بنده‌گان خاص خداوند ﷻ

وقتی که پیامبر ﷺ مشرکین را به عبادت خداوند رحمان دعوت نمود، آن‌ها با انکار و تجاهل پرسیدند که رحمان چیست؟! بناءً، خداوند متعال در این آیات مبارکه بنده‌گان خاص خود را به نام «بنده‌گان رحمان» مورد ستایش قرار داده اوصاف آن‌ها را بر شمرد تا به واسطهٔ آنان، خداوند رحمان بیش‌تر شناخته شود. در این آیات مبارکه، خداوند متعال مؤمنان را با نسبت دادن به خویش ﴿وَعِبَادُ الرحمن﴾ مقام کرامت وفضیلت و عزت بخشیده است.

این آیات مبارکه تا آخر سوره، بنده‌گان خاص خدا را با هشت صفت خجسته مورد مدح و ستایش قرار داده است؛ صفات این بنده‌گان خاص خداوند با نفسهایشان، صفات شان با پروردگار شان، وصفات شان با جامعه و پاکی و ارتقای جامعه‌یی که در آن زنده گی می‌کنند. به این ترتیب صفاتی که آیات مبارکه برای بنده‌گان خاص خداوند رحمان بیان نموده در چهار محور خلاصه گردیده است:

یک قسمت این صفات به کمالات دینی و ایمانی تعلق می‌گیرد و مؤمنان به این کمالات متصف می‌باشند که در آیهٔ مبارکهٔ ﴿الذین يمشون على الأرض هونًا﴾ ملاحظه می‌گردد.

بخش دومی، اوصاف زشت و گمراهی اهل شرک و فسق را نشان می‌دهد که مؤمنان باید از آن دوری گزینند، و این اوصاف در آیات ﴿والذين لا يَدْعُون مع الله إلهًا آخر..﴾ وآیات بعدی آن ملاحظه می‌گردد.

قسمت دیگر این صفات عبارت از تعلیمات اسلام است که مؤمنان راستین باید به آن عمل نموده التزام ورزند که آیات مبارکهٔ ﴿والذين يَبِيتُون لربهم سُجَّداً وقيامًا﴾ و ﴿والذين إذا أنفقوا لم يسرفوا﴾ وآیات دیگری در ادامهٔ سوره را در بر میگیرد.

بخش دیگر این صفات نیک و پسندیده اصلاح و بهبود حالت در زنده گی می‌باشد که مؤمنان از بارگاه پروردگار خود آن‌را مسئلت می‌نمایند تا خداوند به ایشان ارزانی فرماید، که در آیات مبارکهٔ ﴿والذين يقولون ربنا هب لنا من أزواجنا..﴾ تا این قول خداوند متعال ﴿للمتقين إمامًا﴾ منعکس گردیده است.

تعامل و برخورد نیک با مردم

از صفات بنده‌گان خاص خداوند رحمان آن است که هنگام راه رفتن بـر روی زمـین بـه تواضـع و فروتنی راه می‌روند ﴿الذین یمشون علی الأرض هونًا﴾. به این معنی که بنده‌گان خدا مانند: جباران ومتکبران وبد کاران و فساد پیشه گان راه نمی‌روند، بلکه با وقار و فروتنـی حرکـت مـی‌کننـد؛ راه رفتن همراه با جدیت و آرامش و وقار، نه راه رفتن با تظاهر و خود نمایی ویا اظهار عجز و نـاتوانی که هر دو از نظر قرآن و اسلام مذموم و نا پسند اسـت؛ زیـرا کـه طریقـۀ راه رفـتن تعبیـر کننـدۀ شخصیت انسان است؛ چنانچه خداونـد متعـال فرمـوده اسـت: ﴿وَلاَ تَمْشِ فِي الأرض مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الأرض وَلَن تَبْلُغَ الجبال طُولاً﴾ [الإسراء: ۳۷] یعنی: بر روی زمـین بـا نـاز و کرشـمه راه مـرو، همانا تو (با زدن پاهایت بر زمین) نمی‌توانی، زمین را بشگافی و (با کبر وغرور و بزرگ منشی) بـه بلندی کوه‌ها نخواهی رسید.

البته منظور از راه رفتن با وقار و سکینه، این نیست که مؤمن به شیوۀ عجز و ضعیفی ویا شکسته-گی و ساخته‌گی راه برود. پیامبر بزرگوار اسلام وقتی راه می‌رفت، چنین مـی‌نمـود کـه زمـین زیـر پایش کش می‌شود. هم‌چنان عمر بن خطاب ﷺ جوانی را دید کـه بـا عـاجزی و آهسـته‌گـی راه می‌رود، از وی پرسید: تو را چه شده؟ آیا مریض هستی؟ جوان گفت: نه خیر. آنگاه عمر بن خطـاب آن جوان را با دره زد، وبه وی دستور داد تا با قوت و نیرو منـدی راه بـرود.[1] اسـلام دیـن عـزت و قوت است، و عزت و قوت با تکبر فرق دارد. همانطور که غرور و تکبر در راه رفتن حرام و ناپسـند است، به همان اندازه ضعف و کسالت و تظاهر به فروتنـی و عـاجزی در راه رفـتن از نظـر اسـلام مذموم و ناپسند می‌باشد.

هم‌چنان این بنده‌گان خداوند رحمان، زمانی که در تعامل شان با دیگران، با برخورد زشـت و سـوء ادب جاهلان و بی خردان رو برو می‌شوند، با آن‌ها معاملۀ بالمثل نمی‌کنند و بدی را با بدی جواب نمی‌دهند؛ بلکه با گفتن سلام وسخن حکیمانه از شر شان خود را در امان نگه می‌دارند؛ البته نـه از باب ضعف وترس؛ بلکه به قصد بزرگواری وعدم ضیاع وقت و اشتغال به امور بیهوده با چنین افراد و اشخاصی مدارا می‌کنند.

فعالیت

شاگردان در مورد راه رفتن همراه با تکبر و غرور، و یا عاجزی و تظاهر گفتگو نمایند و نمونه هایی را از محیط و جامعۀ ماحول خویش ارایه نمایند.

۱– التفسیرالوسیط للطنطاوی.

عبادت پروردگار رحمان

آنچه گفته شد، صفات وتعامل بنده‌گان خاص خداوند رحمان در روز با مردمان است؛ اما وظیفهٔ ایشان در شب عبادت و تعظیم پروردگار شان و دعا وتضرع به پیشگاه او تعالی می‌باشد ﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾ واین بنده‌گان خاص خداوند رحمان، کسانی هستند که قسمت‌هایی از شب را در حال سجود و قیام به پیشگاه پروردگار شان سپری می‌نمایند؛ زیرا که شب وقت خشوع بیش‌تر و از ریا و تظاهر دور تر است. سپس آیهٔ مبارکه، گوشه‌یی از دعاهای این بنده‌گان خاص خداوند رحمان را بیان نموده که می‌گویند: ﴿والذين يَقُولُونَ رَبَّنَا اصرف عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ﴾ پروردگارا، عذاب جهنم را از ما دور بگردان، که سخت عذاب مهلک و درد آور است. و این خشوع و خضوع و خوف و ترس ثمرهٔ ایمان عمیق و تصدیق راستین این بنده‌گان خداوند می‌باشد.

اعتدال و میانه روی در انفاق

از صفات دیگر این بنده‌گان خاص خداوند رحمان، اعتدال و میانه روی در زنده گی و امور معیشتی شان است که از اسراف و بخل هر دو اجتناب می‌ورزند، و راه میانه را در پیش می‌گیرند ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾. زیرا که اسراف و بخل هر دو صفت نا پسند است، و هر دو صفت (اسراف و بخل) زنده گی افراد و گروه‌ها و ملت‌ها را فاسد می‌سازد؛ زیرا که اسراف فاسد کنندهٔ نفس و مال و جامعه است، چنانچه بخل و تنگ چشمی سبب حبس نمودن مال و عدم نفع بردن از آن، در راه بهبود جامعه می‌باشد که به این ترتیب هردو صفت زشت بوده، باعث ایجاد خلل در جامعه می‌گردد؛ اما اعتدال و میانه روی در مصرف از ویژه‌گی‌های خرد مندان و از صفات ایمان است که سعادت و رفاه و نیک‌بختی را در جامعه ببار می‌آورد.

اینها برخی از صفات بنده‌گان خاص خداوند رحمان است که قرآن کریم در آیات مبارکهٔ فوق و آیات بعدی در این سوره ذکر نموده، و به‌خاطر این صفات نیک و خجستهٔ بنده‌گان خاص خدا را به بالا ترین درجات در بهشت برین و نعمت‌های جاودان بشارت داده است.

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکه این است:

❖ بیان صفات بنده‌گان گان خاص خداوند رحمان، که به وسیلهٔ درک صفات آنان، شناخت و معرفت پروردگار رحمان بیش‌تر حاصل می‌گردد.

❖ فضیلت و برتری وقار و سکون و آرامش در راه رفتن.

❖ فضیلت و برتری جواب نیک به بدی و سخن خوب و مبرا از زشتی و بیهوده‌گی.

❖ فضیلت و ثواب شب زنده داری با عبادت و ترس از عذاب آتش جهنم.

❖ فضیلت و برتری اعتدال ومیانه روی در انفاق و مصرف، و خود داری از صفات زشت اسـراف و بخل.



معنای کلمات و مفردات زیر را توضیح دهید:

{هَوْنًا- قَالُوا سَلَامًا- غَرَامًا- سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا- لَمْ يُسْرِفُوا- لَمْ يَقْتُرُوا- قَوَامًا}

۱. شأن نزول و مناسبت آیات فوق را توضیح بدهید؟

۲. نسبت دادن بنده‌گان به رحمان، در آیهٔ مبارکه چه مفهوم را افاده می‌کند؟

۳. منظور از راه رفتن با وقار و آرامش در آیهٔ مبارکه چیست؟ توضیح بدهید.

۴. صفت بنده‌گان خاص خداوند را در روز و شب در روشنایی آیهٔ مبارکه توضیح نمایید.

۵. صفت بنده‌گان خاص خداوند، در انفاق و مصرف چگونه است؟ توضیح بدهید.



در روشنایی آیات اخیر سورهٔ (الفرقان) راجع به ثمره ونتیجهٔ صفات و اعمال بنده‌گان خاص خداوند رحمان، یک مقالهٔ بنویسید.

درس هجدهم

نقش مؤمنان در تهذیب جامعه

قال تعالی: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۞ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۳۰-۳۱]

معنای کلمات

يَغُضُّوا: چشم فرو بندند، پایین نمایند، خود داری کنند.

أزكى لَهُم: پاکیزه تر است برای ایشان.

وَ لَا يُبْدِينَ: نمایان نسازند.

زِينَتَهُنَّ: زینت خود را.

بِخُمُرِهِنَّ: جمع خمار، لباسی که زنان با آن سر و گردن خود را می‌پوشانند.

جُيُوبِهِنَّ: جمع جیب، چاک گریبان.

ترجمه

مردان مؤمن را بگو تا چشم‌های خویش را بپوشند و فروج (شرمگاه های) شان‌را محفوظ دارند که این پاکیزه تر است برای آنان، به تحقیق خدا به هر چه می‌کنند به طور کامل آگاه است. و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌های خویش را بپوشند و فروج (شرمگاه های) شان‌را محفوظ دارند و آشکار نسازند زینت و آرایش خود را؛ مگر آنچه ظاهر است از آن مواضع، وباید که پایین افگنند چادرهای خود را بر گریبان‌های خویش. و آشکار نسازند زینت و آرایش خود را جز برای شوهران خود یا پدران خود یا پدران شوهر یا پسران خود یا پسران شوهر یا برادران خود یا پسران برادران و

پسران خواهران خود یا زنان خود یا کنیزان مِلْکی خویش یا مردان اتباع خانواده که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند، و (زنان) آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. و ای اهل ایمان، همه بـه درگـاه خـدا توبـه کنیـد، باشد که رستگار شوید.

تفسیر

ممنوعیت نظر کردن به نا محرمان

سورۀ مبارکۀ النور، در برگیرندۀ احکام زیادی به ارتباط حمایت فرد، خانواده و جامعـه از انحـراف-های اخلاقی ومفاسد اجتماعی می‌باشد. الله متعال، در آیات نخستین این سـوره زنـا را حـرام قـرار داده وجزای سنگین مرتکب آن‌را بیان فرموده است. در این آیات مبارکه، خداوند متعال بـه عنـوان یک گام وقایوی مردان و زنان مؤمن را به پوشیدن چشم و خود داری از نظر کردن بـه محـرم‌هـا امر نموده تا از افتادن در گودال گناهان و جرایم در امان بمانند، وجامعۀ اسلامی از مفاسد اخلاقـی محفوظ بماند و در شاهراه تهذیب و ترقی حرکت نماید. طوری‌که می‌دانـیم انسـان دارای حـواس متعددی است که به‌وسیلۀ این حواس چیزهای گوناگونی را درک می‌کند؛ مانند: با گوش می‌شنود، با بینی استشمام می‌کند، با زبان سخن می‌گوید و ذایقه را می‌چشد، و.. اما مهـم‌تـرین حسـی کـه انسان را به‌سوی غرایز جنسی می‌کشاند حس باصره ویا بینایی است. از همین جا است که خداوند متعال وقایه‌یی را وضع نموده، هر دو طرف بیننده و دیده شده را مـورد خطـاب قـرار داده، مـردان مؤمن را به پوشیدن چشم امر نموده و زنان مؤمن را هم به پوشیدن چشم وهـم بـه عـدم نمایـان ساختن زینت شان دستور داده است.

در آیۀ مبارکه، میان پوشیدن چشم و حفاظت اندام‌ها جمع گردیده؛ زیرا که نظر کردن سبب وقـوع فاحشه و یا زنا می‌گردد. بنابر این خداوند متعال به پیامبر خود امر نموده تا به مؤمنـان بگویـد کـه چشمان خود را از نظر کردن به زنان بیگانه بپوشانند، و هم‌چنان اندام‌های خود را از واقع شدن در حرام باز دارند که این دلیل کمال ایمان بوده، سبب پاکی قلبها و نفس‌هایشان وفلاح و رسـتگاری دنیا و آخرت خواهد بود.

سپس خداوند متعال باز به پیامبر خود امر نموده تـا بـه زنـان مـؤمن بگویـد کـه چشـمان خـود را از نظـر کردن به‌سوی مردان بیگانه بپوشند، و زینت خود را ظـاهر نسـازند؛ مگـر آنچـه عادتـا از روی نـا گزیـری ظاهر می‌گردد. مفسرین می‌گویند که اگر چند، زنان در امر مؤمنان بـه حکـم اغلبیـت شـامل انـد؛ امـا بـاز هم برای تأکید پوشیدن چشم و حفاظت اندامها، زنان به‌صورت جداگانه مخاطب قرار گرفته اند.

سپس آیات مبارکه به زنان مؤمن و مسلمان دستور داده تا سر و گردن وسینه‌های خود را با خمار هایشان بپوشانند تا نظر مردان بیگانه به جاهای زینت شان نیفتد. علما، گفته اند که در دوران جاهلیت زنان چادرها ویا خمارهایشان را از سر به طرف عقب می‌افگندند که در نتیجه، گردنها و گردن بندهایشان نمایان می‌گردید؛ بنابر این، خداوند متعال زنان مؤمن را از این روش منع فرمود؛ البته مراد از زینت در آیهٔ مبارکه همان زینتی است که باید مخفی نگه‌داشته شود؛ مانند: موی، بازوها وساق‌ها که باید پوشیده شود.

فعالیت

شاگردان با رهنمایی استاد پیرامون برخی نمونه‌های عدم پوشاندن چشم، در محیط خویش گفتگو نمایند و جوانب منفی این پدیده را توضیح بدهند.

چه کسانی به دیدن زینت زنان مجاز اند؟

بر زنان مؤمن جواز ندارد که زینت پوشیدهٔ خود را به مردان آشکار سازند؛ مگر کسانی که آیهٔ مبارکه استثناء نموده که عبارت از دوازده نوع می‌باشند. اولین کسانی که به دیدن زینت زنان مؤمن مجازند ، شوهرانند که برای آن‌ها دیدن هر گونه زینت زنان شان حلال گردانیده شده؛ بلکه زینت زنان مؤمن در اصل برای شوهران شان می‌باشد. پس برای شوهران دیدن زینت و عورت همسران شان کدام ممنوعیتی ندارد.

هم‌چنان زنان مؤمن با رعایت حشمت و وقار می‌توانند، زینت خود را غیر از شوهران شان به پدران خود، پدران شوهر، فرزندان خود، فرزندان شوهر، برادران خود، فرزندان برادران وفرزندان خواهران شان آشکار سازند. البته انواع هفتگانهٔ فوق، پس از شوهر از جملهٔ محارمی اند که زن مؤمن نمی‌تواند با آن‌ها ازدواج نماید، و زنان مؤمن نا گزیرند با آنان مجالست ومصاحبت داشته باشند، و به گونهٔ عادی از فتنه مصون می‌باشند.

سپس کاکاها، ماماها، ومحارم رضاعی نیز به این محارم ملحق می‌شوند؛ هم‌چنان زنان مؤمن می‌توانند زینت خود را به زنان مسلمان هم‌نشین خود، کنیزان خود، مردان اتباع خانواده که به علت کهن سالی وعوامل دیگری رغبت به زنان ندارند و مشغول خدمتگزاری ایشان اند، وهم‌چنان به کودکانی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند نیز آشکار سازند. این انواع دوازده گانه مجازند نسبت به منتفی بودن فتنه، در صورتی‌که به زینت پوشیدهٔ زنان مؤمن مانند سر و گردن و یا ساق‌ها و بازوها نظر نمایند باکی ندارد.

ممنوعیت حرکتهای آشکار کنندۀ زینت

آیۀ مبارکۀ بعدی زنان مؤمن و مسلمان را از حرکت‌های نمایشی کـه سـبب آشـکار شـدن زینـت پوشیدۀ آن‌ها می‌گردد، منع نموده، به ایشان دستور داده تا هنگـام بیـرون رفـتن از خانـه هایشـان حشمت و وقار وآداب و اخلاق اسلامی را رعایت نمایند تا انظار دیگران را بـه خـود جلـب نکننـد. چنانچه خداوند متعال فرموده: ﴿ولَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ من زِينَتِهِنَّ﴾ یعنی آن طور پـای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. مراد از این آیۀ مبارکه این اسـت کـه زن مؤمن حرکت و یا عملی را در اثنای راه رفتن از خـود نشـان ندهـد کـه سـبب جلـب انظـار و تحریک غرایز جنسی و شهوت دیگران گردد؛ مانند: راه رفتن نمایشی، استعمال عطر جلـب کننـدۀ انظار دیگران و حالاتی دیگری که سبب تحریک غرایز جنسی مردمان می‌گردد.

آیۀ مبارکه در خاتمه همه مؤمنان را به رجوع و توبه دعوت نموده، دستور مـی‌دهـد ﴿وتوبوا إِلَى الله جَمِيعًا أَيُّه المؤمنون لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ یعنی: ای مردان و زنان مؤمن ومسلمان! بر شماست تا همه بـه درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید.

اموری که به ارتباط حجاب و حشمت در این آیات مبارکه ذکر شده حیثیـت گـام‌هـای وقـایوی را دارند که جامعۀ مسلمان را از انحرافات اخلاقی و گمراهی نجات می‌دهد. از نظر نصـوص شـرعی، مرد و زن مسلمان هردو مکلف اند تا حرکات خلاف حشمت و حیاء از آن‌ها سر نزند و بـر مـردان نیز زیبنده نیست با لباس نا مناسب در بیرون از خانه و امـاکن عمـومی ظـاهر شـوند؛ ولـی چـون خداوند حکیم در زن کشش و جاذبه و زیبایی بیش‌تر آفریده که طرف توجه جـنس مخـالف یعنـی مرد قرار می‌گیرد و مرغوب ومطلوب می‌باشد، بنابر این مسئولیت زن بـه ارتبـاط حفـظ حجـاب و حشمت بیشتر بوده، خداوند درین آیات حجاب را بر زنان مسلمان فرض گردانیده است.

اسلام به حیث دین فطرت مانند بعضی ادیان انحرافی غریزۀ جنسی در انسـان را سـرکوب نکـرده و او را به رهبانیت وگوشه گیری امر نمی کند؛ و از همین رو ازدواج را مشـروع سـاخته و بـه آن ترغیـب و تشویق نموده تا اشباع غریزۀ جنسی و استمرار نسل انسان به‌صورت مشروع و پاک صورت گیرد.

کسانی‌که از وجود انحرافات و مفاسد اخلاقی و شیوع امراض جسمی و روانی در جـوامعی کـه بـه ارزش‌های اخلاقی و حشمت و حیاء وقعی نمی گذارند، خوب می‌داننـد کـه در حجـاب اسـلامی و حشمت و وقار اخلاقی چه فواید بزرگی برای بشریت نهفته است.

فعالیت

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و راجع بـه مسـؤولیت یـک زن مسـلمان در پوشـیدن لبـاس و طریقۀ راه رفتن در بیرون خانه گفتگو نمایند، وتأثیرات منفی آن را در کتابچۀ خود درج نمایند.

فواید و آموختنی ها

این دو آیۀ مبارکه شامل احکام، آداب و آموختنی هایی است که برخی از این قرار اند:

❖ وجوب پوشاندن چشم و نگهداری اندام‌ها از هر گونه حرام؛ زیرا که اسلام به ایجاد جامعۀ پاک و شریف دعوت نموده، همه اعضای انسان را مسؤول می‌داند ﴿إِنَّ السمع والبصر والفؤاد كُلُّ أولئك كَانَ عَنْهُ مَسْؤُولًا﴾.

❖ بر زن مؤمن جواز ندارد که زینت خود را به بیگانه‌گان آشکار سازد؛ مگر آنچه ظاهر باشد؛ مانند: روی، کف دست‌ها و لباس‌ها.

❖ بیان مجموعه‌یی از محارم که زن مؤمن می‌تواند، زینت خود را به ایشان ظاهر سازد.

❖ جواز اظهار زینت زنان مسلمان برای مردان کهن سال خانواده، افراد کم عقل و ابلهان وکودکان خورد سال که به مرحلۀ تشخیص زینت وعورت نرسیده باشند.

❖ حرمت زدن پای به زمین به قصد جلب توجه و یا ظاهر ساختن زینت وپای زیبها.

❖ وجوب توبه و رجوع به درگاه خداوند متعال برای حصول فلاح و رستگاری دنیا وآخرت.



کلمات زیر را توضیح بدهید:

{يَغضُّوْا- أزكى لَهُم- وَلَا يُبْدِينَ- بِخُمُرِهِنَّ- جُيُوبِهِنّ}

۱.حکمت دستور خداوند به مردان و زنان مؤمن برای پایین نگه‌داشتن و پوشاندن چشم چیست؟

۲.در خطاب قرآنی مردان مؤمن به چه چیزی و زنان مؤمن به چه چیزی مأمور گردیده اند؟

۳.مراد از زینت زنان مؤمن که باید آن‌را به مردان بیگانه آشکار نسازند، چیست؟

۴.آیۀ مبارکه چه کسانی را از آشکار نمودن زینت زنان مؤمن استثناء نموده است؟

۵.کدام نوع کودکان به دیدن زینت پوشیدۀ زنان مؤمن مجازند؟

۶.مقصد آیۀ آیۀ مبارکه ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ﴾ چیست؟ با مثال توضیح دهید؟



راجع به آداب نظر کردن مردان و زنان مؤمن و مسلمان و تأثیرات آن بالای اخلاق و تهذیب جامعه یک مقاله بنویسید.

درس نزدهم

منزلت مؤمنان معیوب و فقیر در اسلام

قال تعالی: ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى۝ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ۝ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى۝ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى۝ أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى ۝ فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ۝ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى۝ وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى۝ وَهُوَ يَخْشَى ۝ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى۝ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ۝ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ۝ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴾ [عبس: ١-١٦]

معنای کلمات

عَبَسَ: عبوس و ترشرو گشت.

تَوَلَّى: رو گرداند.

يَزَّكَّى: از گناهان پاک شود.

يَذَّكَّر: پند گیرد. نصیحت بشنود.

اسْتَغْنَى: بی پروا شد، از ایمان و دین و علم رو گرداند.

تَصَدَّى: توجه کنی، قبول نمایی.

تَلَهَّى: به چیز دیگری مشغول شوی.

كَلَّا: چنین نیست، دیگر به این کار بر مگرد.

ترجمه

عبوس و ترشرو گشت. چون آن مرد نا بینا در نزدش آمد. و تو چه می‌دانی ممکن است او مردی پارسا و پاکیزه صفات باشد. یا پند می‌شنید پس نفع می‌داد او را پند شنیدن. اما آن که مستغنی و بی پروا است تو به او توجه میکنی! در صورتی که اگر او به پارسایی و تزکیه نپردازد بر تو تکلیفی نیست؛ اما آن کس که به سوی تو می‌شتابد. و او مرد خدا ترس و با تقوایی است. تو از توجه به او خود داری می‌کنی! نی نی (این درست نیست) همانا آیات حق برای پند و تذکر است. تا هر که بخواهد پند گیرد. آیات الهی در صحیفه هایی مکرم نگاشته شده است که آن صحیفه‌ها بسی بلند مرتبه و پاک ومنزه است. به دست سفیران حق است. که ملائکهٔ مقرب عالی رتبهٔ با حسن و کرامتند.

شأن نزول

مفسرین در شأن نزول آیات مبارکهٔ فوق روایاتی ذکر نموده اند، و خلاصهٔ آن چنین است که روزی پیامبرﷺ در جمعی از بزرگان قریش: عتبه بن ربیعه، ابوجهل، عباس بن عبدالمطلب، ابی بن خلف، شیبه بن ربیعه، ولید بن مغیره قرار داشت و آن‌ها را به اسلام دعوت می‌نمود و تعالیم دین

مقدس اسلام را به ایشان شرح می‌کرد. در این وقت عبدالله بن ام مکتوم که شخص نا بینایی بود، و حالت مجلس پیامبر اسلام را نمی‌دانست، وارد مجلس گردید وگفت: ای رسول خدا، از آنچه خدا به تو آموخته به من بخوان و مرا تعلیم بده. عبدالله بن ام مکتوم تقاضای خود را چندین بار تکرار نمود؛ اما پیامبرﷺ از وی رو گرداند، و به دعوت زعمای قریش مشغول گردیده به سخنان این صحابی نا بینا توجه نکرد. در این وقت آیات مبارکه نازل گردید و خداوند متعال پیامبر خود را مورد عتاب قرار داد.

عبدالله ابن ام مکتوم کی بود؟

نام اصلی وی عمرو بن قیس، و ام مکتوم کنیه ویا لقب مادرش عاتکه بنت عبدالله مخزومی است. عبدالله بن ام مکتوم پسر ماmای خدیجه بنت خویلد، همسر پیغمبرﷺ بود. وی از جملهٔ مهاجرین اول است. عبدالله بن ام مکتوم و بلال از مؤذنان پیغمبرﷺ بودند. پیامبرﷺ وی را بسیار دوست داشت وسیزده بار او را در مدینهٔ منوره جانشین خود تعیین نمود. صحابی بزرگوار عبدالله بن ام مکتوم با وجودی‌که نا بینا بود، در جنگ‌ها اشتراک می‌ورزید. روایت شده که وی در جنگ قادسیه در اثنای فتح مداین در خلافت عمر بن خطاب ﷺ شهید گردید.

تفسیر

معیارهای آسمانی و زمینی

در آیات مبارکهٔ اول سورهٔ عبس خداوند متعال یک توجیه بزرگ و یک اصل و مبدأ مهم را در شکل یک حادثهٔ فردی بیان نموده که این مبدأ در ذات خود؛ نه تنها حقیقت اسلام را؛ بلکه معجزهٔ بزرگ اسلام را نشان می‌دهد. حقیقتی که انسان‌ها با معیارها و ارزش‌های دینی آسمانی سنجیده می‌شوند، نه با معیارها و معادلات زمینی و بشری. حقیقتی که خداوند متعال حتی برگزیدهٔ محبوب خود را در بارهٔ این حقیقت مورد عتاب قرار داد و نفس بزرگ وی را توجیه و رهنمایی نمود. این حقیقت الهی همان معیار ارزش و سنجش انسان‌ها فقط با میزان تقوا است که با ارزشهای زمینی وانسانی ارتباطی ندارد ﴿إن أكرمكم عند الله أتقاكم﴾.

جایگاه فقرا و بیچاره گان در اسلام

طرح موضوع به زبان حکایت و به صیغهٔ غایب در اول سوره دال بر آن است که خداوند متعال غرض تکریم و لطف و رحمت بر رسول گرامی اش، وی را مخاطب نساخت، چنانچه ذکر عبدالله بن ام مکتوم به صیغهٔ نا بینا {الأعمى} برای تنقیص شأن وی نبوده، بلکه برای تعریف وشناسایی او و هم‌چنان معذور شمردن وی بوده که حالت و اشتغال پیغمبرﷺ را درک نکرده بود. بنابر این وقتی این مرد نا بینا به نزد پیامبرﷺ آمد و به تکرار از وی خواست برایش تعلیم بدهد، پیامبرﷺ با پیشانی گرفته از وی روی گرداند وبه دعوت زعمای قریش مشغول گردید، و به این ترتیب مورد عتاب شدید خداوندﷻ قرار گرفت که نباید به‌خاطر ضعف وفقر ویا نا بینایی از وی روی گردانیده

شود؛ زیرا که او با قلب پاک و دل بیدار، طالب علم و معرفت گردیده تا قلب خود را از پلیدی‌های شرک وکفر پاک سازد؛ اما آنان که از ایمان و از ارشاد و رهنمایی تو استغنا می‌ورزند، تو به آن‌ها رجوع می‌کنی و برای هدایت ایشان سعی می‌ورزی؛ حال آنکه باقی ماندن شان در کفر و گمراهی به ضرر خود شان است و تو مسؤول آنان نخواهی بود. وظیفهٔ تو تنها بیان و تبلیغ است، وباز گشت و حساب شان بر ما خواهد بود، و هدایت شان از جانب خداوند است: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ ولكن الله يَهْدِي مَن يَشَآءُ﴾.

سپس لهجهٔ عتاب آیات بلند رفته به پیغمبرﷺ خطاب نموده، می‌فرماید: و اما کسی که با وجود نابینایی و دشواری‌های خود با اخلاص و محبت و ترس از خداوند به سوی تو شتافته تا کسب علم و معرفت نماید، ودین خود را تکمیل کند، از وی رو می‌گردانی و همه توجه خود را به زعمای قریش معطوف می‌سازی تا ایمان بیاورند! بدان – ای رسول گرامی ما– چنین کاری سزاوار نیست! بلکه این آیات قرآنی برای پند و عبرت است که هرکه بخواهد پند گیرد؛ آیات الهی در صحیفه هایی مکرم نگاشته شده، بسی بلند مرتبه و پاک ومنزه است، وبه دست فرشته‌گان مقرب عالی رتبهٔ با حسن و کرامت قرار داشته، از آسیب و ضرر هر مغرض ونا سپاسی در امانند.

معیار فضیلت و برتری

به این ترتیب آیات مبارکه اساس فضیلت و برتری میان انسان‌ها را ایمان و تقوا قرار داده، با آن-که پیغمبرﷺ به‌خاطر دعوت بزرگان قریش به اسلام که در آن وقت سد راه دعوت اسلام بودند، به سؤالات عبدالله بن ام مکتوم توجه نکرد تا باشد که زعمای قریش به دین اسلام رجوع کنند؛ اما باز هم خداوند متعال رسول خود را مورد عتاب قرار داد تا این حقیقت بزرگ تثبیت گردد که معیار ارزش‌ها در این دین ایمان و تقوا است، نه معیارهای زمینی و شناخته شده در نزد انسان‌ها.

به همین سبب پیامبر گرامی اسلام بعد از نزول این آیات همواره عبدالله بن ام مکتوم را تکریم و تقدیر می‌نمود، وهر زمانی‌که با او رو برو می‌گردید، ردای خویش را برای نشستن وی پهن می‌نمود و می‌فرمود: "**مرحبا بمن عاتبنی فیه ربی**" یعنی: خوش بیاید کسی که پرورد گارم به سبب وی مرا عتاب نمود. با این معیار الهی پیامبر بزرگوار اسلام معیارهای زمینی را یکی بعد دیگری نابود ساخت و در همه امور دنیوی و اخروی فضیلت و تقوا را معیار برتری قرار داد. طوری که بعد از هجرت اصل "مواخات" ویا برادری را میان مسلمانان ایجاد کرد، وکاکایش حمزه بن عبدالمطلب و غلام آزاد شدهٔ خود زید بن حارثه را برادران قرار داد، چنانچه میان خالد بن رویحه خثعمی و بلال حبشی پیوند برادری بر قرار نمود. زید بن حارثه غلام آزاد شده بیگانه از مکه و مدینه را فرمانده ارتش سه هزار نفری جنگ مؤته تعیین نمود، در حالی که تعداد زیادی از بزرگان مهاجرین وانصار به شمول خالد بن ولید زیر قیادت وی قرار داشتند. در این جنگ زید بن حارثه امیر اول تعیین گردید که در صورت شهادت وی جعفر بن ابو طالب وعبدالله بن رواحه انصاری به

ترتیب امارت لشکر را به عهده داشتند. چنانچه پیامبر گرامی اسـلام در روزهـای اخیـر عمـر خـود اسامه فرزند جوان زید بن حارثه را به‌حیث امیر ارتش اسلام برای جنگ با رومیان تعیین نمود کـه شخصیت‌های بزرگی چون ابوبکر صدیق وعمر بن خطاب وسعد بن ابی وقاص ودیگـران در ایـن لشکر قرار داشتند.

این‌ها و ده‌ها واقعهٔ دیگر نمونه‌های برابری مسلمانان و ارزش و برتری بر اساس ایمان وتقـوا بـود که پیامبر گرامی اسلام و خلفای راشدین و اصحاب کرام عملی و تطبیق نمودند.

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و دروس و آموختنی‌های آیات مبارکه از این قرار است:

❖ اساس ومعیار فضیلت و برتری، ایمان و تقوا است.

❖ در این آیات مقام پیامبر گرامی اسلام نزد پروردگارش بیان گردیده که خداوند متعال بر گزیدهٔ خود را به صیغهٔ غایب عتاب نموده است.

❖ بیان ادب عالی نبوت که بعد از این واقعه وقتی عبدالله بن ام مکتوم به نزد پیغمبرﷺ مـی‌آمـد جای را برایش مهیا نموده، ردای مبارک خویش را برای نشسـتن وی پهـن مـی‌نمـود و از وی بـا گرمی پذیرایی وقدر دانی می‌کرد.

❖ پیامبرﷺ امین تبلیغ وحی خدا بود. ام المؤمنین حضرت عائشه –رضی الله عنهـا– فرمـوده کـه هرگاه ممکن می‌بود رسول خدا چیزی از وحی را بپوشاند، عتاب خداوند بر خویش در سورهٔ عـبس را می‌پوشاند.



۱. معنای کلمات زیر را توضیح بدهید:

{عَبَسَ– تَوَلّٰی– یَزَّکّٰی– یَذَّکَّر– اسْتَغْنَی– تَصَدّٰی– تَلَهّٰی}

۲. شأن نزول آیات نخستین سورهٔ عَبس را مختصرا توضیح بدهید؟

۳. عبدالله بن ام مکتوم کی بود؟

۴. دلیل این‌که پیغمبرﷺ به سؤالات عبدالله ابن ام مکتوم توجه نکرد و از وی روی گردانـد چـه بود؟ توضیح بدهید.

۵. بعد از این حادثه پیغمبرﷺ با عبدالله بن ام مکتوم چگونه برخورد می‌نمود؟ و برایش چه می‌گفت؟

۶. واقعهٔ نزول آیات سورهٔ عبس کدام اصل را در دین مقدس اسلام ثابت می‌سازد؟

۷. چند نمونه از تطبیق عملی اصل "مساوات میان مسلمانان" و "معیار برتری به اسـاس تقـوا" از تاریخ اسلام را بیان کنید.

درس بیستم

وحدت و همبستگی مؤمنان

قال تعالي: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ۞ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۞ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۞ وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۞ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۰۲-۱۰۵]

معنای کلمات

فَرِيقًا: طائفه، گروه.

يَرُدُّوكُمْ: باز می‌گردانند شما را.

يَعْتَصِمْ: با قوت تمسک می‌ورزد.

حَقَّ تُقَاتِهِ: تقوای حقیقی، بذل طاقت وتوان در پابندی به اوامر ونواهی خداوند.

بِحَبْلِ اللَّهِ: به ریسمان خدا یعنی قرآن و دین اسلام.

شَفَا حُفْرَةٍ: پرتگاه، لبهٔ محل عمیق که شخص با اندکی تغافل در آن بیافتد.

ترجمه

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پیروی بسیاری از اهل کتاب کنید، شما را بعد از ایمان به کفر بر می‌گردانند. وچگونه کافر خواهید شد در صورتی که آیات خدا بر شما تلاوت می‌شود و پیغمبر خدا میان شماست؟ و هر کس به دین خدا متمسک شود به تحقیق به راه مستقیم هدایت یافته است. ای اهل ایمان، از خدا بترسید چنانچه شایستهٔ خدا ترس بودن است، و نمیرید جز به دین اسلام. و همه‌گی به رشتهٔ خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف

و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. به این گونه خداﷻ آیاتش را برای شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید. و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و این‌ها رستگار خواهند بود. و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آن‌که آیات روشن برای آن‌ها آمد راه تفرقه و اختلاف در پیش گرفتند، که البته برای آن‌ها عذاب بزرگ خواهد بود.

شأن نزول

مفسرین گفته اند که آیات مبارکهٔ فوق در بارهٔ دو تن مسلمانان انصار هر یک اوس بن قیظی از قبیلهٔ اوس و جبار بن صخر از قبیلهٔ خزرج نازل گردیده که خلاصهٔ واقعهٔ آن‌ها چنین است: روزی مجموعه‌یی از مسلمانان انصار اوس و خزرج در مدینهٔ منوره در فضای محبت و صمیمیت مشغول صحبت بودند. در این وقت یکی از کهن سالان یهود به‌نام شاس بن قیس بر آن‌ها گذشت. شاس که نسبت به اسلام ومسلمانان عقده و بد بینی شدید داشت، با دیدن الفت ومحبت میان این گروه مسلمانان بیش‌تر عقده مند و خشمگین گردید واظهار داشت که هرگاه این محبت وصمیمیت میان مسلمانان ادامه یابد ادامهٔ آرامش ما به خطر مواجه خواهد شد. به این ترتیب وی به جوانی از یهود دستور داد تا به جمع مسلمانان بپیوندد، و راجع به جنگ‌های دیرینه میان اوس و خزرج سخن به میان آورد و اشعاری از جنگ بعاث در میان شان بخواند. جوان یهودی مطابق دستور شاس عمل نمود، تا این‌که توانست فضای محبت و صمیمیت مجلس انصار را به فریادهای عصبیت و فخر فروشی میان افراد اوس وخزرج مبدل کند، که در نتیجه هر دو قبیله شمشیر برداشتند و آمادهٔ جنگ تمام عیار گردیدند. در این وقت خبر به پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ رسیده آنحضرت همراه با گروهی از یارانش از مهاجرین به میان آن‌ها رفت و به ایشان چنین خطاب فرمود: "ای گروه مسلمانان، از خدا بترسید، آیا در حالی‌که من در میان شما قرار دارم به شعارهای جاهلی رو می‌آورید؟ بعد از آنکه خدا شما را به اسلام هدایت کرد و به آن شما را عزت بخشید، و جاهلیت را از شما دور ساخته از کفر شما را نجات داد ومیان تان الفت و محبت ایجاد نمود.". با شنیدن این کلمات مؤثر ومعبّر همه سلاح بر زمین انداخته، با گریه و زاری یکدیگر را در آغوش گرفتند، و همراه با پیامبر اسلام به خانه‌های خود بر گشتند. و به این ترتیب خداوند متعال فتنه و توطئهٔ شاس دشمن خدا را خاموش گردانید، وآیات مبارکه نازل شد. واین روز بنام "بد ترین آغاز و بهترین پایان یک روز" خوانده شده است. [1]

۱- التفسیر الوسیط للطنطاوی.

تفسیر

هشدار از دسایس و توطئه‌های دشمن

در این آیات مبارکه خداوند متعال مؤمنان را خطاب نموده که هرگاه بـه سـخنان و خواسـته‌هـای برخی اهل کتاب گوش دهید و به آن تسلیم شوید؛ نه تنها این‌که میان شما تفرقه و دشمنی ایجاد می‌کنند؛ بلکه تلاش خواهند نمود تا شما را بعد از ایمان تان دو باره به کفر بر گردانند.

سپس قرآن کریم بیان می‌دارد کـه اساسـا بـرای مؤمنـان معقـول و سـزاوار نیسـت تـا از چنـین گروههایی اطاعت و پیروی نمایند، ویا این‌که پس از ایمان شان کافر شوند، و پس از وحدت شـان به تفرقه رو آورند. چنانچه آیۀ مبارکه به صیغۀ انکار بیان داشـته کـه چگونـه ممکـن اسـت، شـما مؤمنان به چنین کاری رو آورید؟ در حالی‌که آیات خداوند نقد و تـازه بـر شـما نـازل مـی‌گـردد، و رسول خدا در میان شما قرار دارد که اگر به خطا بروید شـما را بـه راه صـواب بـر مـی‌گردانـد، و شبهات شما را مرفوع می‌سازد.

آیات بعدی بیان نموده که بعد از آنکه پیغمبرﷺ از میـان مسـلمانان رحلـت نمـود، خداونـد متعـال مؤمنان را ارشاد فرموده که یگانه وسیله‌یی که آن‌هـا را از مکـر و نیرنـگ یهـود و دشـمنان شـان محفوظ نگه می‌دارد رجوع به خداوند و توکل به او تعالی وتمسک به دیـن شـان اسـت کـه در آن کجی و انحراف وجود ندارد ﴿وَمَن يَعْتَصِم بالله فَقَدْ هُدِيَ إِلى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾. در این آیـۀ مبارکـه اشاره به این است که مؤمنانی که پیامبرﷺ را ندیده اند، هرگاه به دین خدا وکتاب خدا چنگ بزنند و به آن التزام ورزند، از مکر وفریب دشمنان شان در امان خواهند بود. بنـاء خداونـد متعـال بـازهم مؤمنان را امر نموده که خاص از او تعالی بترسند و به دین اسلام پابند باشند و تـا دم مـرگ شـان غیر از دین اسلام وملت اسلام به دین و ملت دیگری رو نیاورند.

ریسمان نجات و رستگاری

پس از آن‌کـه آیـات قرآنـی مؤمنـان را بـه تقـوا و تـرس خـدا و زنـده گـی نمـودن در طاعـت و فرمان‌برداری خدا امر نمود، آن‌ها را به دوام تمسک و التزام به دین اسلام و به کتاب خـدا دسـتور داده فرمود: ﴿واعتصموا بِحَبْلِ الله جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُواْ﴾ یعنی: همه به ریسمان خدا چنـگ بزنیـد، و بـه راه‌های متفرق نروید. کلمۀ حبل و یا رشته و ریسمان عبارت از وسیله‌یی است که بـا تمسـک بـه آن برای بلند شدن و پایان شدن، نجات یافتن از غرق شدن، ویا غـرض رسـیدن بـه جـایی و یـا چیزی معینی استفاده می‌گردد. و مراد از رشته ویا ریسمان خداوند در اینجـا عبـارت از دیـن خـدا، عهد وپیمان خدا ویا کتاب او تعالی می‌باشد که تمسک به هر یکی انسان را به نجات و رسـتگاری

می‌رساند. در این آیهٔ مبارکه وحدت مؤمنان وتمسک شان به دین و پیمان و کتاب خدا به گروهی تشبیه گردیده که با حبل ویا ریسمان قوی و متینی متمسک گردیده اند که از هرگونه خطر سقوط وغرق وهلاکت آن‌ها را محفوظ و در امان نگه داشته است.

امام فخر رازی در تفسیر این آیت می‌گوید: هر کسی که در یک راه باریک حرکت می‌کند و از لغزش و سقوط می‌ترسد، نا گزیر به ریسمانی تمسک می‌ورزد که از دو طرف محکم بسته شده باشد تا خود را محفوظ نگه دارد. بدون شک، طریق حق باریک و دقیق است، وچه بسا قدم‌هایی که از آن لغزش وسقوط نموده، پس هر آن‌که به نشانه‌ها و رهنمایی‌های خدا تمسک ورزد خود را از خطر لغزش وسقوط در امان نگهداشته است.[۱]

سپس آیات قرآنی مؤمنان را به یاد آوری نعمت وحدت و الفت ومحبت اخوت و برادری ایمانی امر نموده که قبل از آن دشمنان یکدیگر و در پی نابودی یکدیگر بودند؛ اما خداوند متعال فضل و کرم خود را شامل حال شان گردانید، وآنها را با برادری اسلامی و محبت و دوستی و همکاری مشرف ساخت که شکر این نعمت بزرگ را باید بجا آورند.

فواید و آموختنی ها

❖درآیات قبلی خداوند به پیامبرﷺ امر نمود تا یهود را خطاب نماید؛ اما در این آیات خود مؤمنان را مخاطب ساخته، که این امر به اظهار قدر ومنزلت مؤمنان دلالت دارد.

❖آیهٔ مبارکه "گروهی از اهل کتاب" را به ایجاد تفرقه و دسیسه میان مسلمانان توصیف نموده است، تا همه اهل کتاب را شامل این امر نسازد، که خود به حقانیت و انصاف آیات قرآن کریم دلالت دارد.

❖در آیات مبارکه دلالت به قدر و منزلت مؤمنان و یأس و نا امیدی برای گروه‌های مغرض یهود است تا زمانی‌که کتاب خدا و پیامبر او در میان مسلمانان قرار دارد، نمی‌توانند به خواسته‌های پلید خود برسند.

❖اطاعت و پیروی یهود و نصارا و عمل نمودن به توجیهات و برنامه‌های پیشوایان ایشان مسلمان را به کفر می‌کشاند، پس مسلمانان باید از آن بر حذر باشند.

❖نجات و رستگاری در تمسک و پابندی به کتاب خدا و سنت رسول خدا نهفته است؛ پس هر کسی که به آن چنگ بزند از گمراهی و هلاکت نجات خواهد یافت.

❖تمسک و التزام به دین اسلام واجب واختلاف و تفرقه حرام است.

۱- تفسیر مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر).

❖ارتکاب شرک و معاصی انسان را در پرتگاه جهنم قرار می‌دهد که هرگاه شخصی با این حالت بمیرد به حکم و قضای الهی حتما داخل جهنم خواهد گردید.

❖موجودیت گروهی از امت اسلامی که مردم وملتهای دیگر را به اسلام دعوت نمایند و در مقابل دشمنان اسلام از حریم دین خدا دفاع نمایند وفریضهٔ امر به معروف ونهی از منکر را انجام دهند یک فریضهٔ اسلامی است.



۱. معنای کلمات و مفردات زیر را توضیح دهید:

{يَعْتَصِمْ- حَقَّ تُقَاته- بِحَبْلِ اللَّه- شَفَا- حُفْرَة}

۲. شأن نزول آیهٔ مبارکهٔ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ﴾ را مختصر تشریح نمایید.

۳. قبایل اوس و خزرج در کجا زنده گی داشتند، و راجع به رابطهٔ آن‌ها قبل از اسلام و بعد از اسلام چه می‌دانید؟ مختصر توضیح بدهید.

۴. مراد از رشته ویا ریسمان خداوند در آیهٔ مبارکه چیست و چگونه تمسک به آن موجب نجات و رستگاری می‌گردد؟

۵. اطاعت و پیروی پیشوایان اهل کتاب چه حکم دارد و سر نوشت مسلمان را به کجا می‌کشاند؟

۶. آیهٔ مبارکهٔ ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...﴾ در میان امت اسلامی به چه دلالت دارد؟



یک مقالهٔ در مورد ضرورت وحدت امت اسلامی در عصر حاضر بنویسید.

وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی آله و أصحابه أجمعین، و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین